

A close-up, slightly blurred portrait of a woman with dark hair and a red lip, looking towards the right.

Ketabton.com

اختصار و قایع

دهم هفته

هنگام معرفی رؤسای هیا تهای سیاسی

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم ذوات معیتی بناغلی رئیس دولت و صدراعظم بنابد عوت اعلیحضرت محمد رضا پهلوی سفرای کبیر دو کشور و رئیس کل تشریفات شاهنشاه ایران برای یک مسافت رسمی و وزارت امور خارجه ایران نیز حاضر بودند.

دوستانه ساعت یک‌توییم بعد از ظهر روز ۶ تور ۹ تور :

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم توسط طیاره مخصوص عازم تهران گردیدند.

رهبر ملی ما حين ورود به میدان هوانیس ساعت نه صبح بوقت محلی بنا غدر

امیر عباس هویدا صدراعظم و بنای علی عباس بن الملکی کابل با بناغلی محمد نعیم، دکتور

محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی، اعضاي علی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران را در

آفاهنگاری شدن در قصر گلستان پذیرفتند.

درین ملاقات بناغلی رئیس دولت و صدراعظم های دولتی، پیشتو نشانی هاو سفرای کبا د

کشور های متحابه مقام کابل واعضاي سفارت

کبرای ایران که برای وداع حاضر بودند خدا

حافظی گردند.

۸ تور :

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم ساعت سه و نیم وقت تهران در قصر گلستان

محصلان افغانی را در حالیکه فضای سالون

مملو از شور و احسانات جوانان افغان در

ایران بافتخار شان در قصر نیاوران ترتیب

برابر رهبر انقلاب شان بود پذیرفتند.

۷ تور :

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم شب در غیافتی اشتراک گردند ۶ از طرف

اعلیحضرت محمد رضا پهلوی شاهنشاه

ایران بافتخار شان در قصر نیاوران ترتیب

شده بود.

بناغلی محمد داؤد ساعت هشت و بیستو

از قسمت های مختلف کارخانه موتور سازی

ایران ناسیونال بین گردند. هنگام هتشاهو

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم متخصصین

وقایع در هر قسم توسعیات ارائه میگردند.

۹ تور :

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم بعد از انجام مذاکرات توسط طیاره مخصوص

از تهران وارد اصفهان شدندور میدان هوانی

آنچه از طرف بناغلی اکبرزادوالی، قوماندان

قوای عسکری و سایر شخصیت های محلی با

گرمی استقبال گردیدند اصفهان در نزدیک

طیاره طی بیانیه بناغلی رئیس دولت و صدراعظم

را خیر مقدم گفته و متعاقباً بناغلی محمد داؤد

در حالیکه والی و قوماندان قوای عسکری

اصفهان به معیت شان بودند مراتب سلام و

احترام گاردن شریفاتی را قبول و آنرا معاینه

گردند. درین وقت همراهی سرود ملی افغانستان

و ایران را نواخت.

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم بعداز ظهر

بعضیور بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و

صدراعظم ساعت هشت شب بوقت محلی با

اعلیحضرت محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

در قصر نیاوران ملاقات و مذاکره بعمل آوردند.

این مذاکرات دریک فضای دوستی و صمیمت

که همیزه روابط برادری دو کشور همایه

است صورت گرفت و در آن راجع به مسائل

مورد علاقه تبادل نظر بعمل آمد.

۸ تور :

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم بعداز ظهر

همان روز از میدان شاه بنای عالی قاپو مساجد

جامع شاه و سید لطف الله که از آثار معماری

قدیم این شهر است دیدن نمودند همچنان هنر

رئیس کل تشریفات شاهنشاهی در تالار کاخ

های ملی شیر اصفهان بود بازدید بنای عالی

گلستان معرفی گردیدند.

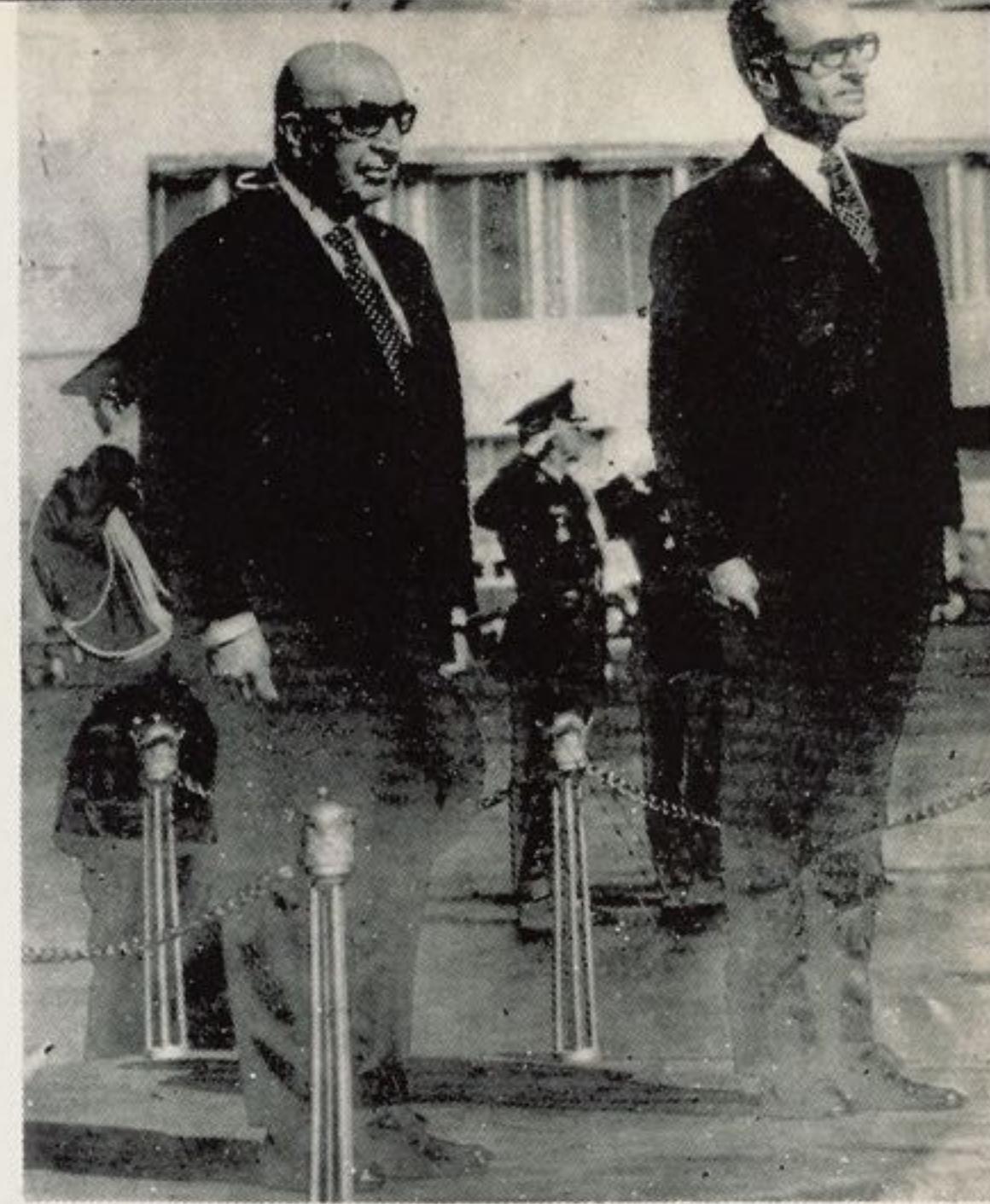
عکس اول :

بنای علی رئیس دولت و صدراعظم واعلیحضرت شاهنشاه ایران در میدان هوانیس

مهراز آباد سلام گاردن شریفاتی را بقبول نمایند.

عکس دوم :

از مناظر پذیرانی بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم در تهران.





زیبا بی از سر فمین غرب

رقص آبیای شتا پنده

شاعر بزرگ انسان دوست

کلید شهر میامی به مدیر مجله میرمن
داده شد

زبان عکس ها

کشور بیست هزار نفری

دختری که روی تصارف ساعت سازشند

گل شمشاد پر پر شد

روز همبستگی کار گران سرا سر
جهان

ستاره زیبا یکه میخواهد از
افغانستان دیدن گند

دینمار په در شل کی

کوشانی ها در تاریخ افغانستان

لحظات در تصویر

سر نوشت دوزاده طفل بی گناه

واناسیس وزنهایش

افغانستان سرزمین دلخواه توریستان

بعد از سقوط سیگون

روز هی سال جرقه ایست که از انقلاب
در خرم افکار تاریک و سیاه انتقامه بسی
القاطی های را می سوزد که از چنین منابع
تبره و تار جوانه می زد و معروفیت و قدر
عسرت و ادبیار زندگی را برین طبقه شریف
مولود کریم نفس تحمل میگرد این عوامل
در حیرم جوش های انقلابی ارزیابی شدو
پاسخ خدمت به اکثریت مردم ، نظام هردوی
ما به متوجه خدمت به کار گران یا آن عناصر-
یکه معماران واقعی بنیان اقتصاد جا معهونامی
کنده رفاهی ها وسائل راحت زندگی مادی
و معنوی برای جوامع بشری هستند از همان
طلایه تفوق و پیروزی ، مذکوره هاو طرحایی
را عملی ویس دیزی نمود که نتیجه آن در
زندگی کارگران با برخورد اولی مناسب به
سرایط وامکانات موجود از وسائل و حقوق
مادی و معنوی حیات امروزی، مشبودوروبا -
نکشاف است چنانچه تعین حداقل مزد کارگر،
تعین ساعات کار در هفته مطابق به قوانین
جاری در کشود های راقیه، ثبت استحقاق
کو برایف و استفاده از حقوق تقاضه جهت
تعیین زندگی آینده کار گران و پرداخت مزد
اضافی برای کار اضافی از قسمهای ثبت و
تعیین است که جبهت رهنمونی حیات کارگری
به معراج تحصیل حقوق و انتیازات آنان، بر
داشته شده است .

این حرکت ویت ثبت نظام ملی و مردمی
ما از همان آغاز با عکس العمل ثبت طبقه
کارگر کشور ما وظیفه ستانه و صمیمه نه
استقبال شدو ما خبرهای را بخاطر داریم که
از خدمت انسانی بدون تقاضای مزد و معاشر
اضافی کارگران حکایت مکنند و نتیجه آن در
بلند رفتن سطح تولید در کلیه موسسات و

فابریکه های صنعتی و تولیدی آشکار شدید.

اینکه بار دیگر در سال دیگر از روز
مجلل کارگر استقبال هیکتیم ، اخلاق انقلابی

و احساسات و تعلق وظیفه ستانه بهمه ما حکم
در کشور ما که بعد از یک تحول بزرگ

انکشا فات رفاهی ها و ترقی مردم چنان ،
میکند فهم عرض تبریک روز کارگر به کار-

گران سرتاسر کشور ، یکبار دیگر خیال و خاطر،
واعقی میابد و بخاطر حلقه گرامت انسانی و

و منزالت کار و کارگر در نامین سعادت انسان
سازیم که وطن ما در آستانه زندگانی نوینی
و اعتلا و معموری جهان بهتر آشنا میسازد .

در کشور ما که رکود ورخوت متمادی با
قرار دارد و در عبور ازین مرحله به کار

کارگر اینک در تقویم زندگی ما موقع آن
دینامیزم انقلاب شکست در امواجی که ازین

شکست یدیده باید فرصت ها بسود مردم و
زحمت کشی بدون توقع و با داشش بیش از

حد نیاز دارد و منای این امر بیشتر از طبقه
ایست که چرخهای تولید و صنعت در اختیار

شیوه ها و پرنسپ های دیمو کراتیک
ملتفت باشند دست و بازو یکه بحکم لظرف

مردم احاطه میابد و با این امر است که طلس
های کهنه باطل می شود ، جبهت

پیکر ژرون دون

دولت در جمله نخستین اقدامات خوبیش حداقل دستمزد کار گران را
مناسب با مخارج زندگی و احتیاجات فروری مادی و معنوی ایشان وساعات
کار، کارگران تعیین خواهد کرد «اصل مزد مساوی در برابر کار مساوی را
برقرار خواهد ساخت .

پنجشنبه ۱۱ سور ۱۳۵۴ - ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۹۵ اویل هی

روز کار گر در فروع انقلاب

اول می که مصادف است با روز کارگر همه درک ناموس تحول و تغیر که کار و حرکت
ساله بعیت یک روز جهانی از طرف کشور آنرا افاده می نماید غافل اتفاده اند .
های جهان به تکوین استقبال میشود .
«طالعه گذشته و حال ملل جهان ، ارزیابی
در کشور ما که بعد از یک تحول بزرگ
و تاریخی ، در روش ایجاد اهداف ملی انقلاب،
آنکشا فات رفاهی ها و ترقی مردم چنان ،
نمی بقدم ارزش های دیمو کراتیک منزلت
و تحلیل ماهیت اصلی پیشرفت برق آسای
صنعت و تکنوازوی معاصر ما را بحقیقت مقام
کارگران سرتاسر کشور ، یکبار دیگر خیال و خاطر،
و اعماقی میابد و بخاطر حلقه گرامت انسانی و
و منزالت کار و کارگر در نامین سعادت انسان
سازیم که وطن ما در آستانه زندگانی نوینی
و اعتلا و معموری جهان بهتر آشنا میسازد .
در جهانی میگردد با تجلیل از روزگار
که اینک در تقویم زندگی ما موقع آن
دینامیزم انقلاب شکست در امواجی که ازین
شکست یدیده باید فرصت ها بسود مردم و
زحمت کشی بدون توقع و با داشش بیش از
حد نیاز دارد و منای این امر بیشتر از طبقه
ایست که چرخهای تولید و صنعت در اختیار
شیوه ها و پرنسپ های دیمو کراتیک
روز بروز پیشوار ترو گسترده تبریز زندگی
در جهیت آبادی و معموری وطن ، در جهیت
تعالی و ترقی ، در جهیت خدمت به نوع انسان
های کهنه باطل می شود ، جبهت

حصول مقاصد و مردمی های ملی و مردمی
دست و بازوی توانای آن است که حیات قیمتدار آنان،
بازوی آنان ، عرق ویزی ها و مجاهدات آنان
درجت آبادی و معموری وطن ، در جهیت

تعالی و ترقی ، در جهیت خدمت به نوع انسان
های سر انجام بمنظور تمثیل روز حیات ، ظهر
میکند ، تصورات خرافی و افکار بی مایه از
آن در محاسبه و سنجش های انقلابی از قلم
فاموس زندگی های دارد هیزان عدالت جمهور یت جوان ها از
بیکردد .

بهمین ترتیب تجلیل از روز باعثهای کارگر
ویتبایی ، حقیقت و راستی مردم ها از رستگاری
ها و پیروزی های نوید میدهد .
به تمنای پیروزی ها و فتوح فراوان برادران
که در دام عطالت و سکون محصور هانده و از
تجلى روز و نام شریف کارگر در قضا و کارگر .

بعد از سقوط

سیگھن

لگوین هو تور هیر انقلابیون ویتنا م فمن
با زدید اخیر خود از همبستگی مردم ویتنا م
با وجود اختلاف فکر و نظریه بین شان احیانا
وجود داشته باشد ذکر کرد و یک مخفته ۳۰
سال قبل هوچی من را بیاد داد، هوچی من
گفت: (پنج انگشت دست های مایکدیگر
تباهت ندارند ولی هر پنج انگشت در یک
دست جمع شده اند)

این قبیل افهارات بذات خود دعویست
برای همکاری وزیری با عمو و قبول واقعیان
کنونی در ویتنام جنوبی .

اتحاد ویتنام :
اتحاد ویتنام هدف دیرین انقلاب بیو ن
ت، اوئین سوا لیکه بعد از تسلیم شد ن
بگون در ویتنام عرض وجود هیکنند اتحاد
ستان شمالی و جنوبی است که از آرزو های
جی مین وهمه انقلاب بیون ویتنام بود .
تجلیل سالگرد هوجی من بتاریخ ۱۹ می
انتظار میرود در سیگون صورت پیکرد ،
واقع آغاز این اتحاد است هیرمن تی مین
بر خارجه حکومت انقلابی ویتنام اخیرا از
آن اتحاد سخن زد و عملی شدن آنرا گه
زی حل یک سلسله مسائل صورت میگیرد
مکر شد .

اما این آرزو یست که بالا خرده تحقق
یافته و با وجودیکه مکفته میشود حکومت بیگرفت
در ویتنام جنوبی رویکار خواهد آمد اتحاد
ویتنام یک جزء اساسی هدف های هر حکومت
خواهد بود که در آن سر زمین تشکیل شود.
یا یان فجایع جنگ ویتنام و مشقو یست
۲۰ ساله امریکادر ویتنام آغاز یک دوره دیگری
در آنس زمین پنداشته میشود که در واقع

تاثیر همه جانبه آن در هند چین و مالاک
همجوار هند چین و در نقاط دیگر جهان تبارز
خواهد گرد.

موقعیکه عزیمت امریکا نیان پشتد ادame
داشت حکومت سیگون خواهان هنارکه و مذاکره
حل صلح آمیز مساله ویتنام شدند ولی
مبادردان عیدان هواپی سیگون جواب قاطعی
ووده که باین پیشنهاد داده شد .
متعاقب آن برای تسليم بلاشرط حکومت
سیگون از طرف قوای حکومت وقت انقلابی
بنام مظاہر بعمل آمد.

و تسليم سیگون باین مطالبه متعاقب ختم
نیزیمت آخرین دسته از اتباع امریکا در سیگون
سودت گرفت .
هاوانه قوه :

تا دیروز موازنۀ قوه بین قوای حکومت
انقلابی ویتنام و حکومت سیگون بکلی از بین
رفته بود .
انقلابیون بر ۲ بر ۳ تمام خاک ویتنام جنوبی
سلط شده و بر ۳ تمام نقوص ویتنام جنوبی
حت تسلط انقلابیون در آمده بود بیش از
۲ ایالت ویتنام جنوبی در دست انقلابیون قرار
ماشت قوای انقلابی در اطراف سیگون به ۱۳۰ هزار
نفر هیرسید که بصورت روز افزون با
شیانی و همراهی مردم ویتنام جنوبی به
هداد آن افزوده مشد .

در حالیکه تعداد قوای حکومت سیگون
نیز نفر بود که با روحیه مضمحل و فقدان
خایر اسلحه وبا نفرت و ارزشجار مردم و خوف
ز نداشتن پشتیبان و حامی دو برو بودند .
اندیشه :

دیروز سیگون بدون استعمال قوه سقوط
کرد جنرال مین با هین بزدگ تسلیم بالشرط
ویتنام جنوبی را بعکومت وقت انقلابی
ویتنام جنوبی اعلام کرد و از عساکر حکومت
سیگون تقاضا نموده دست بسلح نزند.
جنرال مین همان شخصی است که در زیر
نکود به دیلم را در سال ۱۹۶۹ از بین برداشت
از ۳ ماه از بین رفت و هدئی دو تایلند به

بعد مکرانی و بعد به ویتنام بر کشت به
حیث رئیس جمهور بی طرف ها با تبومخالف
و د علیه بیعتدا لتی و فساد در
ویتنام مبارزه میکرد و در آن سر زمین
سپریت و علاقمندانی داشت.

وی پوره میدانست که عصر واتیکان گذشت
با گذشتن عصر واتیکان عصر مذا خلیه
کمک امریکا نیز پایان یافته و دیگر به هیچ
صورت امکان مقاومت در برابر قوای حکومت
وقت انقلابی ویتنام وجود ندارد بنا بر آن
لوشش برای مقابله با انقلاب ییون جز قتل
خونریزی بیشتر و جز ادامه فجایع بشری در
ن سر زمین هفبیومی نخواهد داشت .

در انتظار خروج امریکا تیان :
امریکا تیان بعد از شکست های پیوسم
وای سکون و مخصوصاً بعد از سقوط
ننوم بن بایان موجودیت خود را در ویتنام
ذیر فته بودند، ولی طبعاً وجود قوه امریکا
رویتنام منبع خطر تصادم احتمالی بود که
در ویتنام تصور میرفت .
بناء قوای حکومت موقت انقلابی کمبود یا
انتظر خروج کامل قوای امریکا و مشاورین
اباع امریکا درو یتنام بودند .

وقایع

۲۰

سای

معت



نمایی از مدخل موزیم کابل

کرده اند: این نقوش بحال شمس های قالبی نمونه های هند سی گلدار، نقوش خرمانها، تصویر تنہ قع و امتدال آن شلو مبر زه باستان شنا سنس فرانسوی، در مورد این مسکو کات نوشته است: «سکه های چمن حضوری کابل نسبت به مسکو کات قدیم هند، بیشتر به مسکو کات قدیم یونان شباهت دارند. از خود می توان پر سید که البته این ها میله های قالبی متعددی هستند که با معیار های نقوش یونانی بیشتر از دور اسکندر، ساخته شده اند.

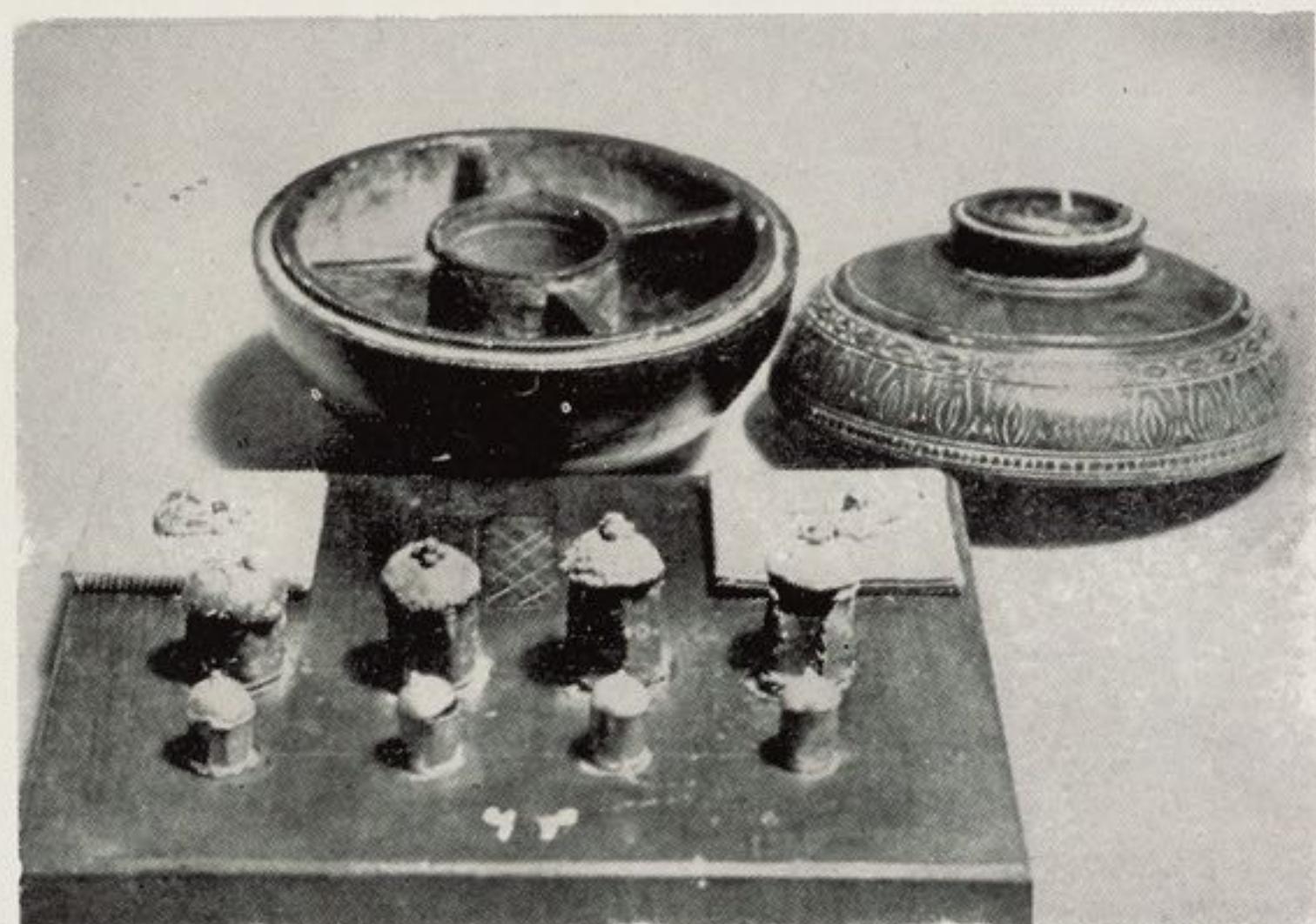
در کتاب رهنماهی مو زیم پیرامون ساختمان این سکه ها نوشته شده که نشر نقوش نقره یونانی، منحصر به قلمرو هخا منشیان نبوده بلکه ازین حدود، قدم فرا تر نهاده است. نشر معیار های نقوش نقره یونانی، توأم با معیار دیگری بوده است، چنانچه شمس های قالبی معیار (پرسیک) در کابل از زمان های قبل از اسکندر واز تکسیلا کمی بعد تر بوده است.

درین کتاب تذکر رفته که: معیار (فنیقی) مقدونی در اوایل قرن چهارم قبل از میلاد، موجودیت آن را، در ایالات مختلف این سرزمین شهادت می دهد و در قرن سوم در هند از طرف خاندان «موریا» ضرب

دریکی از رهنماهی مو زیم در قسمت مسکو کات ایالات یونان نوشته شده که بیشتر آن ها دو زمینی و چهار در همی است که بصورت واضح معلوم می شود و در

بعضی آن ها که آثار هخا منشیان دیده می شود، تصویر بری با تاج برسر و کمان در درست چپ وزو بین بدست راست، حک گردیده است. در مرور نقوش بومی یا نقوشی که شبیه بومی است، نکته جالبی که باید تذکر دهم، شکل آن ها است،

- آنچه از گنجینه چمن حضوری بدست آمده و شامل سکه هاو پارچه های زیورات می باشد، از نقره بوده واژ دوره یونان می باشد، که تأثیرات نقوش نقد، هخا منشیان نیز، بر آن ها دیده می شود. آثار مذکور از نقره است، که از نظر علمی به سه قسمت جدا گردیده است.



یکی از غنایم باستانی کشور ما که در موزیم کابل موجود است.

از گل سراب

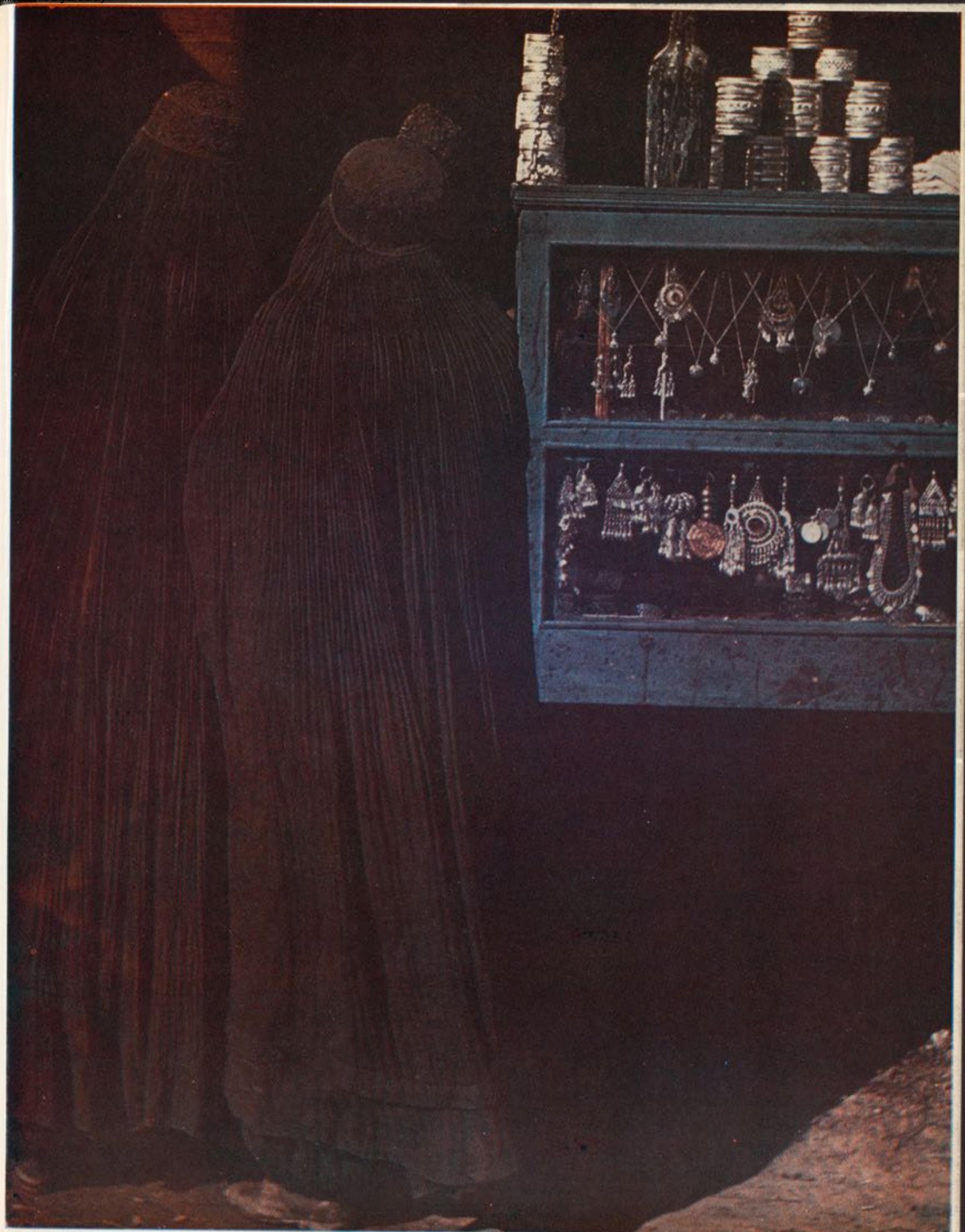
گنج کابل

یکی از قسمت های مهم مو زیم کابل، اتفاق مسکو کات آن است، که در الماری ها و تیرین های گوچ و چهار عدد آن از نقوش آتنی و سی عدد آن، از نقوش ایالات مختلف یونان باستان میباشد از جمله آن سی و سه سکه سمه درزخی (درزخی) است که با تصویر «اتنه» الهه زیبایی یونان منقوش شده و در سر اتنه بوم سر چبه بی دیده می شود که علامت افتخار آن زمان بوده است.

دریکی از رهنماهی مو زیم در قسمت مسکو کات ایالات یونان نوشته شده که بیشتر آن ها دو زمینی و چهار در همی است که

دریکی از آنجا کشف گردید که شامل سکه ها و زیورات یونانی بود. آین گنجینه از آنجا کشف یک منبع مو زیم کابل، در با ره آن میگوید:

بدست آمده و شامل سکه هاو پارچه های زیورات می باشد، از نقره بوده واژ دوره یونان می باشد، که تأثیرات نقوش نقد، هخا منشیان نیز، بر آن ها دیده می شود. آثار مذکور از نقره است، که از نظر علمی به سه قسمت جدا گردیده است.



نمی گویم که در پرده بنشین به کوه و دشت صاف و ساده بنشین

در پهنهای سال ۱۳۵۳



قرار داد همکاری متخصصین شوروی ، در
امور سروی معدن و جیوالوجی افغانستان ،
برای سال های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶ در وزارت
معدن و صنایع عقد گردید .

۷- سنبله :

مجلس عالی وزراء تمدید سیاست استقرار

به اساس مشی دولت جمهوری ما یکپزارو
دوصد و نصت چریب زمین ، به یکصد و پنج

خانواده بی زمین ، در واحد هلمند توزیع
شد .

۸- سنبله :

قرار داد صدور ده هزار تن سنگ بیرایت

از افغانستان به اتحاد شوروی ، در کابل عقد گردید .

۹- میزان :

سینمیناری درباره شخصیت مولینا جلال الدین

محمد یلغی و کارنامه های این عارف بلندپایه

کشور آغاز گردید .

۱۰- میزان :

سنگ تهداب عمارت گلینیک حیوانی ، ولایت

برداشتوسط والی آنچا گذاشتند .

۱۱- سنبله :

برداشتوسط والی آنچا گذاشتند .

۱۲- سنبله :

برو توکل کمک های بلا عوض تخفیک اتحاد

سو روی در ساحة هوا شناسی افغانستان

در مسکو به اعضاء رسید .

۱۳- سنبله :

وزیر پلان افغانستان ، قرار داد مر بوط به

فرضه و مساعدت بلا عوض عراق را ، به

افغانستان ، امضاء کرد .

۱۴- سنبله :

وزیر پلان افغانستان ، قرار داد مر بوط به

فرضه و مساعدت بلا عوض عراق را ، به

افغانستان ، امضاء کرد .

۱۵- سنبله :

یکپزار و چهار صد و هشتاد چریب زمین

دیگر در یروزه واحد هلمند ، به خانواده های

بی زمین توزیع گردید .

۱۶- سنبله :

موافقنامه عرانز یست بین دولت جمهوری

افغانستان و دولت شاهنشاهی ایران ، در

وزارت تجارت به اعضاء رسید .

۱۷- سنبله :

لیسه زراعت ولایت فراه که با صرف شش

میلیون و شصت هزار افغانی اعمار گردیده

است ، توسط والی فراه افتتاح گردید .

یک فابریکه جدید نخ تایب در جوار فابریکه

تساجی سید مرتضی به صرف چهل و پنج

میلیون افغانی ، افتتاح گردید .

۱۸- سنبله :

قرار داد خریداری سیزده هزار دوك نخ

نایب و چهار صد بایه هاشن بافت و مانستری

ملحقه آن برای فابریکه تساجی بلخ ، به

ظرفیت تولیدی ده میلیون متر بارچه در سال

که بالغ بر دو صد و ده میلیون افغانی میشود ،

در کابل به اعضاء رسید .

۱۹- بالا به پائین

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم
موقعی که بایکی از فسات در قصر ریاست
جمهوری مصالحه می نمایند .

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم
موقعیکه وزیر خارجه حکومت اتحاد ملل
کمبودیا را در قصر ریاست جمهوری پذیرفته
و باوی صحبت می نمایند .

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم
هشتمیکه دوکتور کیمنجر وزیر خارجه ایالات
متحده امریکا را پذیرفتند .



او ناسیس وزنهایش



اونا سیس ما معمتو قه اشن - ماریا کالاس در یکی از کشته سوارهای مشترک شان در عرضه کشته کریستانو در همین مسافت بود که ماریا کالاس از کف جیوانی بدر رفت.

وباعرضه نرخهای مناسب من افع آنکه او افزوده بود و وقتی در آن خوشوقتی او افزوده بیشد. چنانچه بعداز جنگ عمومی اول و دوم از همان بروی سفاین مسدود گردید باید اول مرحله باشامه اقتصادی خویش او ناسیس از بین میرفت ولی نامبرده دریافت که جهان سخت نیازمندانزی وقوع به این اکتشاف نگذاشت و به خواهد کشت لهذا به تاسیسات ساختمان سفاین غول پیکر، تانکر یک قافله بزرگ سفا یعنی نفت کش بیزد جدید پرداخت و ازین ناحیه بار دیگر سود سرشاری بدمست اورد.

تانکها از سرمایه دیگران :
شما خواننده محترم چه فکر میکند؟ آیا و ناسیس سرما یه دار دلوری بود که تانک هارا بسرما یه خود تعمیر میکرد و به این ترتیب سرمایه خودش رابه بخت و طالع میسپرد؟ آیا وقتی تانکهایش اماده حمل و نقل میشید میترسید که مصرف خرچش را پوره نخواهد کرد؟

وازین ناحیه خساره برمیداشت؟ واایا این اندیشه اورارنج میداد که اگر تا تکهایش متوقف گردد و سرمهایش را کدخداده ماند؟ البته برای یک سرمایدار دیگر همه این سوالات وارد و جالب بود ولی برای او ناسیس این حرفها مفهومی نداشت. ژوندون

اونا سیس در تمام طول عمر خود بخوابند . به آنچه علاقه داشت بول بود. اینکه این بول را چگونه بدمست بیاورد برای وزحمتکش بود اما از طرف دیگر انجه و بی تفاوت بود. با یوم هیئت - نیست همه چیز را بدمست آورداز قبیل زیرا اویک سرما یدار فوق العاده زن، کشته، جزیره و احترام و حیثیت حریص و در عین حال از نظر گریز از اکنون که از جهان چشم پوشیده باشد یک تن از کشیقترين انسان موضوع زنها و بولهای وی در مطبوع - جهان بود.

در واقع امر پیروزی اور بد بختی و بیچارگی دیگران نهفته بود. وقتی مقاله ذیل که از شترن ترجمه میشود نامبرده در عمق بحران اقتصادی سال ۱۹۳۲ موفق به خریداری شش کشته بار بردار گردید و فقط یک فیصد

قیمت انانرا برد احت که مجموع قیمت گشتهایها به یکصد و بیست هزار دلار بالغ میگردید. بر طبق قوانین اخلاقی عالمه این معها مله به دزدی بیشتر شباهت داشت که هر ساعت میپذیرند. اونا سیس از تا خیه کارهای تجارتی خویش میکشید و بار دیگر در بستر شرطه در ز میگردید و این بگونه زنها منحرف ریزی بان هامبورگ بود که مشتری یان خویشا عالمه این معها مله به دزدی بیشتر شباهت داشت اما بالآخره اونا سیس مردی نبود که به عیشه نارام بود زیرا بیوسته تلفون مبادی اخلاق عقیده داشته باشد. به این ترتیب نه تنها از بحرا نهای اطاقت بصله میگرد بلکه از وقوع کمال استفاده میگرد اینکه از وقوع جنگها حسن استقبال می نمود و اگر بدهد .

این کار های را بار دیگر بر مراتب به بحیث یک قربانی تلقی نمیگردید او خودش عقیده داشت که «اگر در طول یکسال شبانه سه ساعت کمتر به خوابی در یک سال شش هفته کما بی میکنی» و به این ترتیب بیشتر فست بزرگی در کارهای پدیده خواهد گشت. حقیقت این بود که او کمال ارزش داشت که هر وقت و همیشه جلو باشد و لو که به هدف مطلوب خویش رسیده میبود .

اما راکلین آخرین همسر ش بیدا ر خوابهای شبانه شوهرش را بیهوده میپنداشت ولهذا به منظور حفظ زیبامی و قشنگی خویش را از ماده ۱۷۰ قرار داد نکاح خط استفاده میکرد. حسب این مواد زن و شوهر حق داشتند در اطاقتی جد اگانه



اونا سیس بنابر توصیه خودش در جزیره اسکور پیون بخاک سپرده شد. نامبرده جزیره موصوف را در سال ۱۹۵۹ خریداری و از اینجا به قشنگی در آورده بود .

رخداد که برخی به نفع و برخی هم به
ضرراو ناسیس بود و اینک یک بیان
برای شما بر می‌شود.
مساعد برای ازنا سیس این بود
که در روزهای پجر بیمامی توافقی شد
یدی رخداد در آن شوهر ماریا کالاس
بیمارشد و ناگزیر گردید در یک کابین
کشتی استری شود و اونا سیس و
ماریا کالاس بر عکس ازین دریانوردی
حظ فراوان بودند و در خلا لاین
بقیه در صفحه ۵۶



وقتی که اونا سیس دریاریس تحت عمل جراحی قرار گرفت‌اکلین مرتباً به عیادتش میرفت درین عکس کریستانادختر اوناسیس یامادراند رش ژاکلین عازم شفاخانه دیده‌میشوند.

اونا سیس با موسسات ساز نده کار بدست آورده درین کار نیز سود ملیون دالر خریده بود به هشت نیم تانکرها قرار دادهای طویل المدتی بیشماری نصیب شد. اما دفعتادررسال ملیون دالر بالای جایان بفروش رساند عقد کرد و بعد این قراردادها را به ۱۹۴۵ یکی بکار روازه جهنم بروی باشکها و موسسات بیمه رویت داد اوناسیس باز گردید زیرا سفا یعنی امریکا و تعقیب دولت پیرو نجات داد. و برویت استاد مذکور از شخصیت تا صید ماہی وی در آبهای ریست بفعالیت هشتاد فیصد از باشکها قرضه بدست زوتد که دولت پیروان را بجزو قلمرو و آورده درحالیکه پوره آگاه بود که این خود اعلام کرده بود. در نتیجه بین ازیمه‌لوی آن منافع سرشاری بدست ملاحان اوناسیس و محافظین ساحلی تانکرها به کار انتقال مواد سوخت پیرو تصادمی در گرفت و در نتیجه چشم بجهان کشوند با تولد هر دوی خواهند پرداخت و وی بدون تردید سفا یعنی او ناسیس مد تی در بندرگاه انان ثروت سرشار دیگری بسرمایه او ناسیس افزوده شد ولی در هر صورت در این کودکی شان طوری نبود که غیظه دیگران را برانگیزا ند. طی میشد بسا ختمان تانکر هم اسیس وقتی بجدیتر شد که یک ملاح فارویزی شایع ساخت که سفا یعنی بیرون داشت.

ربعی که از قرضه به باشکهای دیده باشند این سیس بینج صدو هشتاد زیرا پدر شان تازه بدنبال زنان پسر میکرد. عمیشه یک بخش کوچک منافعی و یک عدد ماہی و هیل را بصورت غیر ماجری میرفت. چنانچه در سال ۱۹۵۷ راتشکیل میداد که از کار حمل و نقل قانونی صید کرده و این شکار هم وی در نیز یا باماریا کالاس اشتاشد. مواد سوخت تانکرها بدست می‌آورد. خارج از تاریخ معین شکار بعمل آمد. این زن در انوقت همسر جیوانی بود در سال ۱۹۵۰ این یونانی زرنگ است. برای اوناسیس البته در دسر شخصیکه اورا به اصطلاح کشف کرد برای بدست آوردن سر ما یه بیشتر بزرگی بشمار میرفت مخصوصاً که ویه شهرت رساند. چند ما هی ازین برخورده سپری نشده بود که اوناسیس زن و شوهر را دعوت کردیه که در سال ۱۹۵۷ فرار از مالیه واینکه سفایین خود را از پرچم کشورهای دیگری جا کشتی معروف شد که ریستانا بیا یند. هیل اقدام نمود. سازماندهی این زده تحت تعقیب بود.

بحریه به کمک و تجربه نخستین شما چه فکر میکنید آیا او خود را را مر تک شد که جبران آن دیگر برایش مشکل بود و اشتباه عبارت ازین بود که نامبرده دعوت اونا سیس را یزیرفت.

خلاص اینکه او ناسیس به هر زیرا سرمایه دار شارلاتان یونانی که کاری دست میزد نفع سرشاری از این بحریه شکار ماہی خویشا بهمنش به کشتی کریستانان اتفاقاتی جالبی

شوری برای ساختمان کالری های شاهراه
موافقنامه تحقیق مشترک درساحه باستان
سالنگ امضاء شد.

۱۱- جندی:

سال بین المللی زن با پیام پیغامی محمد
داؤد رئیس دولت و صدراعظم طی مخفی در
کابل نتاداری تجلیل گردید.

۱۰- جندی:

دعبود دبایوی، او منصوب عالم، ملی
شخصیت بازیزد روشنان دیرینی دخلورسونی
کالری بین المللی سیمینار، پرانستلشو.

۲۵- جندی:

سال بین المللی توریزم در حوزه جنوب آسیا
در هتل انتر کانتی نتال تجلیل گردید.

۸- دلو:

موافقنامه قرضه دو میلیون دالر به منظور
تولید مصارف اضافی لین انتقال برق کجک
امضاء گردید.

۹- دلو:

یکهزار و شصت و هشت چریب زمین دیگر
در پروژه وادی هلمند وار غنداب به یکصد و
سی و چهار خانواده بی زمین توزیع شده است.

۱۳- دلو:

فابریکه پشمینه بافی پلچرخی کابل،
پس از سه سال رکود، مجدداً بکار آمد.

۱۵- دلو:

شبکه آب مشروب منطقه قله تکولسوالی
کوز کنر افتتاح گردید.

بروتول تبادله اموال بین دولت افغانستان
و اتحاد جماهیر شوروی برای سال ۱۹۷۵ در
وزارت تجارت به امضاء رسید.

۱۷- دلو:

دیگورم بنیادی معارف افغانستان در معرض
قرارداد دو تیم میلیون روبل قرضه اتحاد اجرا قرار گرفت.

۱۱- عقرب:

موافقنامه تحقیق مشترک درساحه باستان
شناختی بین افغانستان و چاپان در کابل عقد گردید.

۶- قوس:

بروتول همکاری تغذیه در ساحه نفت،
بین دولت چمپوری افغانستان و چمپوری عراق
در کابل عقد گردید.

۶- قوس:

موافقنامه تجارتی، برای اکتشاف بیشتر
روابط تجارتی بین افغانستان و کانادا، در
وزارت تجارت به امضاء رسید.

۱۱- قوس:

بروتول تجارتی به منظور توسعه تجارت،
بین چمپوری افغانستان و چکسلواکیا در
وزارت تجارت به امضاء رسید.

۱۴- قوس:

سنگ تهداب عمارت وزارت اطلاعات
و کلتور توسط پوهاند دکتور نوین وزیر
اطلاعات و کلتور و پیغامی غوث الدین فایق
وزیر فواید عامه، در جوار عمارت مطبوع دوستی
گذاشته شد.

اداره اکتشافی ملل متحد، معادل بیش از
دو میلیون دالر مواد خذایی به افغانستان کمک
بلاغ عرض می نماید.

۲۰- قوس:

موافقنامه قرضه چهارده میلیون دالر، مربوط
به تمویل «صارف اسعاری»، ساختمان دروازه
های پرچاوه بند کجکی، از طرف هیأت مدیره
بانک اکتشاف آسیایی تصویب شد.

۸- جندی:

قرارداد دو تیم میلیون روبل قرضه اتحاد اجرا قرار گرفت.



دکتور بیزارک وزیر معارف هنگامیکه از لوحه مکتب امامی پرده را بر میدارد.

در پهنهای سال ۱۳۵۳

۲۲- سنبه:

دوین جلسه منطقه چهارم شبکه «خبر ای ای»
چهل و هفت میلیون بین کودک-سینما وی با
آسیا در کابل افتتاح گردید.



روزه‌مبستگی کارگران سراسر جهان و حل پروندهای زنان کارگر

در افغانستان

نویسنده: راحله راسخ

و افسانه کاری کارگران را همراه به روزهای تعطیل برداخته و کار شانه و جبری یعنی بیکاری را رسماً ملتفی نموده است.

در بازیه خطاب بمردم افغانستان باز هم درباره زندگی اجتماعی کارگران ارزش‌گردیده است:

« دولت قانون مترقبی و دموکراتیک کار را

بمنثور اصلاح و بسیود شرایط کار و تراویث مسئولیت حقوق فردی و اجتماعی کارگران صنعتی وزراعتی وضع و تطبیق خواهد گردید. »

بدارای تبعیض اوقات کار و لغو کارآجباری و بیکاری واجهای معاش افسانه کاری کارگران افغانستان در حصه زنان کارگر که با مشکلات وايجاد کو پرایی های وسیع و بیمه های صحی در آینده می‌توان اذعان گردیده در اهداف

عالیه دولت جمهوری توجه جدی نسبت بوضع زندگانی کارگران بعمل آمده و با اصلاحات

بنیادی که در ساختمان آینده وطن در نظر است همراه باهمه مردم افغانستان کارگران نیز در فضای آرام و آسوده ای زندگانی خواهد

نمود و دولت جمهوری ضمن تصمیمات و اقدامات انسانی در حیطه امکانات و وسائل دست‌داشته

توجه به جوانان کارگران داشته و در حصه نفوذ کار گودگان و سالخوردگان نیز عملای گام‌های

تجددی برداشته که از توجه و دید درست نسبت به وضع گودگان یعنی آنکه آینده به ایشان تعلق داشته و سالخوردگان که عمری در خدمت وطن بوده اند سر چشم می‌گیرد.

همچنان ماقولات برای همه کارگران در سراسر کشور که سابقاً برای همه کارگران در بیش قبود چاره سازی شده واجهای کارگران نساجی کشور می‌توان یادآورشد.

همنطور هم در عقب ماشین‌ها نان‌بزی سیلوها و کرین‌های انتقال پلیت هاومنتاز کاری ساختمان‌های چند سهم فعالانه داشته و به هموطنان خدمت می‌نمایند.

بدارای آنچه گفته آمد جا دارد بمناسب برگزاری روزگارگر در افغانستان ضمن تبریکی

در همه محله‌های کارگر نشین در نظر گرفته شده و معاشر نه پنج سیزده آرد کوبیو نی برای کارگران داده می‌شود.

اگر از توجه و نظر داشتی که در حصه زندگی کارگران به عمل آمده بگذر دیم دو لغت جمهوری افغانستان در حصه زنان کارگر که با مشکلات

و برایهم های کوئنگون محیطی واجتمعاً عسی در فابریکه های وطن به کار مشغول اند

نیز دقت و توجه جدی معطوف داشته، تسبیلات قابل یاد آوری در زمینه فراهم نمود. که از جمله

و ساده‌باش این روز به زنان و مردان کارگر وطن رخصتی ایام بار داری و بعد از ولادت با

اجراهی معاش اصلی را می‌توان یاد مختصر از تاریخچه روزگارگر یاد آور دی

به عمل آید.

در سال ۱۸۸۶ روز اول ماه می کارگران شیکاگو ایالت متحده نسبت تعین ساعت کار و اعتراف بخطار اخراج کارگران از کار به تشکیل اجتماعاتی برداختند.

بعداً در سال ۱۸۸۹ بنابر پیشنهاد کارگران امریکا و تصویب کنفرانس بین‌المللی کارگران اول ماه (می) عیسوی بعیت روزگارگر در ساخته شناخته شد که بعداز آن همه ساله بر سریت شناخته شد که بعداز آن همه ساله در کشورهای جهان این روز بنام کارگران تجلیل می‌شود و خواسته‌های کارگران هر کشور

توسط کارگران مطرح می‌شود. با اینکه بیشتر از نیم قرن و کمتر از یک قرن از آنروز می‌گذرد به تعداد کشورهای که این روز را برگزار می‌نمایند افزایش بعمل می‌آید شاید که در افغانستان عزیز نیز این روز برافتخار رسماً تجلیل می‌شود.

همنطور هم در عقب ماشین‌ها نان‌بزی سیلوها و کرین‌های انتقال پلیت هاومنتاز کاری ساختمان‌های چند سهم فعالانه داشته و به هموطنان خدمت می‌نمایند.

به ارتباط آنچه گفته آمد جا دارد بمناسب برگزاری روزگارگر در افغانستان ضمن تبریکی

قصه‌ای از غصه‌ها

تسبیه و ترتیب از هریم محبوب

بدون پر گویی و بدون حاشیه
بردازی قصه‌ام را برای تان تحریر
میکنم.

دو ماه از آن شب سپری میشود.
گفتم دو ماه، یعنی مشکل من از همان
دو ماه قبل آغاز یافت و وزرها این
مشکل را با خود مشغول ساخت.

کرچه مشکلم را با همه دوستان
ازدیک و صمیمی ام در میان گذاشتمن

ولی متنه سفاته سر آنجام بهدر—
ماندگی گرانید و نتوانستم گره از
مشکلم بگشایم. ناچار خواستم تا
شما به قرباد من برسید و مرآ ازین
تفکرها خفه کن که نابورم خواهد

کرد نجات بدھید.

آن شب طبق معمول عده زیادی از

دوستان نزدیک و جوانان همیشگی
اندیشه روز بروزنگین تراز گذشته

سالم به منزل مامی امداد من که
درخیال و خاطرم جان میگرفت و مرآ

شخصانه علاقه مند این گونه پارتی
هاو جوش و خوشها بوده و هستم

و چون شب های دیگر شیکترین لباس
را بوسیدم. تا اندازه سر و صورتم را

آرایش ملایم و دخترانه دادم و منتظر
ماندم. تا آنکه مثل همیشه مجلس

ساعت هشت شب آغاز یافت. نا—
کفته نباید گذاشت که در گذشته‌ها

یعنی آن زمانیکه اصلاً از پارتی و شب
نشینی در خانه ما خبری نبود. دختر

کم رو و خجالتی بیش نبود. زمانیکه
میخواستم با جوانی از اقارب احوال

بررسی کنم او لاحد میزدم. که این
بخشیده‌اند. و بدین گونه مسند را

احوال بررسی از خود شنایمتی بکار
مغلل شب نشینی‌ها راه یافتم

داند. ولی بعد از احسان کردم که ز
زدیف دیگر همسا لانه‌بیوز هستم

معاشرتی تبارز رهم. روز هاوروزها
نگهبانی هوس کردم که باید من هم
و شب‌ها یکی بعد دیگر آمدند و دورفتند

بهمثل دیگران لباس بیوشم، به
و در مرور ایام این مجالس بزرگتر

محالس بروم و مهیمانی بدهم خودرا

و بلا وقفتر میشد پدر و مادرم بدن
آرامسته بسازم و ازین قبیل گپ‌ها.

دخانست در کارهای من و بدون پرسان
دیگری مشغول که و طوری و آن‌مود همه جا یخش شد که مادر و میخو هیم

این مفکوره زمانی در ذهنم ایجاد شد
و جویان مر گذاشت تا آنجاییکه

که احسان کردم دیگران از من کناره
دلم میخواهد به تشکیل دادن چنین دهد.

چون از یک جانب مهیمان گفته
شیرینی خوری اماده نشده بود که

گیری میکنند و در عین حال شادتر و
مجالس از دیگران میگیرم. میشند و از جانب دیگر نسبت به

دریافتمن به چه خلای عظیمی افتاده‌ام.

آن شب هم طبق معمول عده ای از
سایر بیگانه تر بود بیلزوم نبود که

شروع صنف دوم پوهنخی بود.
این مسئله را بامادر و پدرم که تا
ازدرازه ذهن روش دارند درمیان—
گذاشتمن. پدرم موافقه نمیکرد. مادرم دوستان نزدیک و جوانان همیشگی
بهمز جمله مخالفین سر سخت این

گونه پارتی‌های است که بالا خره‌جز
پشمیمانی و ندامت نتیجه ای ندارد.
زیاد کوشیدم که بتوانم بادلایل

منطقی آنها را قانع بسازم. این
دوستان نزدیک و جوانان همیشگی
همین علت و کششی عجیبی که در

حال نگاهش نیفته بود مر او داشت
او را شده بود.

از از ملایم موسیقی با خنده هاوغلله تاهرچه زود تر با او آشنا شوم.

هادرز هم امیخت. بوی سر گیج در تصمیم خود مرد بود. هیچ

شخصانه علاقه مند این گونه پارتی
هاو جوش و خوشها بوده و بالا خره‌موفق

اصطلاح «نق» بزنم. وبالا خره‌موفق غرق ساخته بود. من هم برای پدری بی
بایسیری شدن چند تانیه گرفتار

شدم تا بر آنها بیروز گردم و قرار
بیشتر مهیمان ها این طرف و آن میرفتم مردی شده باشم که بکار بیگانه‌ونا

برین شد که بعد از یکماه چنین شادر سر مست خوشحال و خندان آشنا چلوه میکرد.

مجلس‌های اما مختص تر واقع‌سازی وی خبر از دنیای دیگران... اما...
بالاخره با قدرت باور نکردنی به

تر به منزل ما بریا شود و من هم
نگاهان دو نگاه به مثل دو تیراز کمان طرفش کشانده شدم. وقتی دستم

با مقابل با دختران خاله و کاکایم
به پارتی‌های که دعوت میشند بروم. کردم میخواهد مرآ بیلعد و نا بودم فتم که ازینکه

من بسویش رفته بودم. بپر حمال
چون فرزند ناز دانه و ناز پر فامیل کند. چهره اش به کلی بیگانه‌ونا

حستم بالاخره قبول کردند. بساور آشنا بود. بزای اولین مرتبه اوراد
شروع اشنا ایم ماکه بعد ها طوفان

کنید آن روز آن قدر خوشحال بودم که
منزل مان میدیدم. هر چند فکر
های ویران کنی را در پی داشت از آن
میخواستم با جوانی از اقارب احوال

بررسی کنم اولاً حدس میزدم که این
بخشیده‌اند. و بدین گونه مسند را
مغلل شب نشدم تنها وارام در گوشم — یاد رستوران و یا تیلکونی ملاقات

ایحوال بررسی از خود شنایمتی بکار
و توانستم خود را منحیت دختر جوان

داند. ولی بعد از احسان کردم که ز
زدیف دیگر همسا لانه‌بیوز هستم

معاشرتی تبارز رهم. روز هاوروزها

نگهبانی هوس کردم که باید من هم
و شب‌ها یکی بعد دیگر آمدند و دورفتند

بهمثل دیگران لباس بیوشم، به
و در مرور ایام این مجالس بزرگتر

محالس بروم و مهیمانی بدهم خودرا

و بلا وقفتر میشد پدر و مادرم بدن
آرامسته بسازم و ازین قبیل گپ‌ها.

دخانست در کارهای من و بدون پرسان
دیگری مشغول که و طوری و آن‌مود همه جا یخش شد که مادر و میخو هیم

این مفکوره زمانی در ذهنم ایجاد شد
و جویان مر گذاشت تا آنجاییکه

که احسان کردم دیگران از من کناره
دلم میخواهد به تشکیل دادن چنین دهد.

چون از یک جانب مهیمان گفته
شیرینی خوری اماده نشده بود که

گیری میکنند و در عین حال شادتر و
مجالس از دیگران میگیرم. میشند و از جانب دیگر نسبت به

دریافتمن به چه خلای عظیمی افتاده‌ام.

آن شب هم طبق معمول عده ای از
سایر بیگانه تر بود بیلزوم نبود که

فوتو راپور از مرتفعی روستان

بی‌اکه

بریم به مزار



سالنگ زیبا و شاعرانه در مدخل دره باین منتظره بدیع مسافر را خوش آمدید می‌گوید.

ما دوستانی که در هفته گذشته با آن ها معرفی شدید سفر شمالی را آغاز کردیم. این سفر طولانی از چاریکار آغاز یافت . فصله گل غندی را در هفته گذشته برایتان گفت . اینک که راهی هزار شریف هستیم دلم می‌خواهد، شما هم خواننده های محترم زوندون درین سفر باما همراه باشید . در حالیکه سرک درکنار کوه باز هم تادیده کار رونده مکتب اند. دسته جمعی از سرک به بیان می‌آیند. بعضاهم عذفازین معلمین روی بلطفک چیزکه سنه نوع کوه را چشم می‌بینند و آن عا زراعت آرام آرام کم می‌شود ، فقط درخت هائیسته و گرم قصه‌گویی دیده می‌شوند. از ها و بعضی بیکان کردخانگی که در کنار کوه عبارت از کوههای خاکی و سنگی کوه های همسفرم میرسم که اسم مکتب آنها را بگوید. قرار دارد دیده می‌شود اگر وجود خانه‌های او مکتب متوسطه سالنگ را معرفی می‌کنند. نیمه برفی و کوه های پربرف است مدهون کو هستانی که یکی تقریباً بالای دیگر اعمارشده ورق بزند

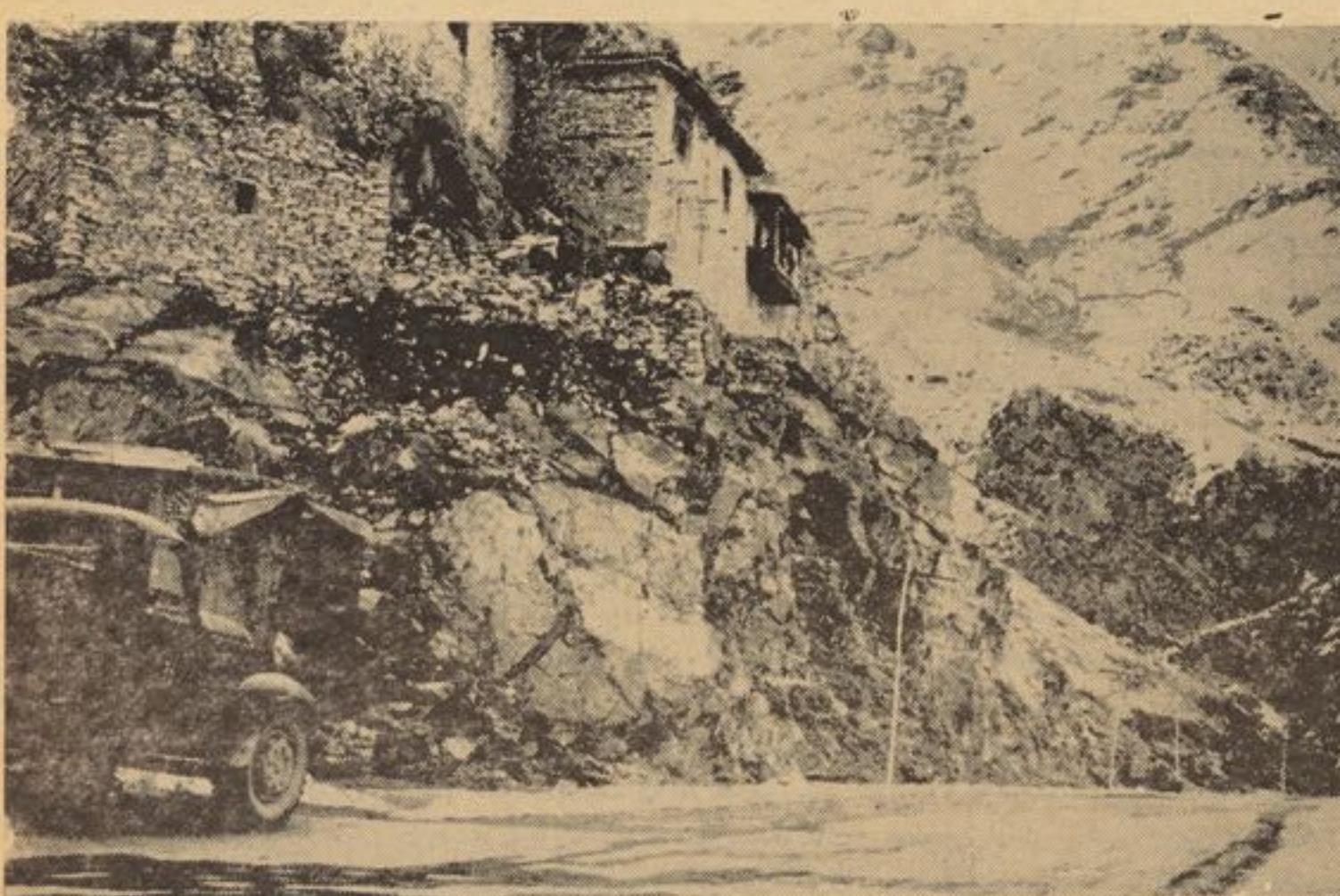
ما در هفته گذشته با آن ها معرفی شدید سفر شمالی را آغاز کردیم. این سفر طولانی از چاریکار آغاز یافت . فصله گل غندی را در هفته گذشته برایتان گفت . اینک که راهی هزار شریف هستیم دلم می‌خواهد، شما هم خواننده های محترم زوندون درین سفر باما همراه باشید . درین سفر باشید تا از طبیعت زیبا لذت ببریم و بهتر با مناطق شمالی سر زمین خود آشنا شویم .

ساعت هفت صبح است . آفتاب ترازه سر کشیده همه جا را شاعرانه ساخته است. درست راست سرک راه هواییان باارغوان زار خود. دل را از دل خانه بیرون می‌آرد. دوستان در چشم من تعجب رامشاده می‌کنند و من برای اینکه خیلی هم نادیده و نا آشنا با سر زمین خود معز فی نشوم ، سر خم می‌اندازم.

آرام آرام زیبایی هارا سلک های خارای خورد و بزرگ نابود می‌سازد البته بستم چپ سرک بروان سرسیزی دوام دارد، امسادر قسم راست سرک خالک هارا کنار هم انبائسته اند. دوستی بدام میرسد و از بروزه آییاری بروان که زیر کار است نام میرد.

موتر شرکت حاجی یعقوب باسرعت سر سام آوری بروان را پشت سر می‌گذارد و باسوسی جبل السراج می‌رویم . بل هنک را آشنا هایم . بیادم می‌آید که دوستان زیادی از فامیل ها نصوار بل هنک می‌گذریم ، بیگانگی عیشگی را در خود احساس نمی‌کنم .

یکزانمانی قصه های زیادی از دوره سالنگ شنیده بودم. این دره را واقعاً در خور قصه وستایش می‌ایم. موتر مانند سرعت خود را من بازد و من فرست این رامی هایم که بهتر به دامنه های کوه و دریای خروشانی که از سمت مقابل



مردمی که با ساختن های سالنگ باختن ها و بر باری های آن آشنا قدمی اند در گمر عادیان خانه سنگی زندگی دارند .

میدانیم که خنده های مابخاطر اشعاری است که خواننده آن هارا (شاه فرد گویان) می خواند.
لب لعلش بوسیدم یعنی گفت
که ای ناقابل ناگرده کار آهسته آهسته
موتر ماسالنگ راعقب هیگلدارد. از تونل های سربسته و سر باز می گذریم. تونل سربسته را ۱۸ چراغ گشتن عدد آن سبز است روشن می کنند.

دوستان تذکر میدهند که ماسالنگ ۲۴ ساعت

ذیر مراقبت عمله حفظ و مراقبت سالنگ قرار دارد و من هم گفته های آنها را قبول می کنم چون درینجا و آنجا عساکر خواه کار و حفظ و مراقبت رامی بینم.

برف در طول راه، در کنار های سرکدیده می شود و دوستان تبصره می کنند که بر فتن در ماه های جوزا هم می بارند.

عکاسی هارا به بازگشت می گزد ارم، چه فکر می کنم که اگر از عهده یادداشت ها و تبصره ها هم برآیم کاری مهم را از پیش برداهم.

اینک سواری هارا هی طرف دیگر سالنگ می شوند کوه های پر از جنگلات و دریا دو باره همسفر مانیشد. دو شاخ و حتی تازدیک های خنگان توجه مسافرین را آهنتگ های دل انگیزی جلب می کند در چهاره ها گاهگاهی اتر خستگی و ناراحتی سفر دیده می شود بعض اهم قطعی های تصوar دست بدست می گردند.

در خودهم احساس اندکی ناراحتی می کنم. دوستان خوش اند. راننده تندری را آغاز کرده است. جاده از بالایی به پایان میرسد یکبار متوجه مشوم که قسمت های بالایی خنگان رسیده است و با برگ زدن موتر یک تکری تصوar در موتو رازیکی بدیگری پاس داده می شود.

موتر زود حرکت می کند. بوی تصوar فضای موتر را آلوده می سازد. سرودهای محلی ختم می شوند. سرک که آرام آرام هارا از گناره های دریا و سرسبزی های پایان می بردیم وادی سرسبز تری هدایت می شود.

حیوانات، روی سرک قیردیده می شوند. بعض مردم هم درایسو و آنسو بظره می خورند دوستم می گوید که خنگان رسیده.

امیدوارم خواننده غریز خورده نگیرد که او رادر خنگان رها می کنم، ادامه این سفر تپادر گفته آینده برای مامیسر خواهد شد. عکس هایی که می بینید همه رادر راه بازگشت تپه دیده ام از طرف باد و باران و از جانی هم تندرانی های موتروان کمتر مجال عکاسی را یعنی داده است امید می کنم تحلیه های پسند افتاد.

موتر تند رو اورا نهشوند. بحث می کنند من به رفیق پهلوی ام نظر

صدای هم آهنتگ فضای موتر را پر می کند

گفتم که بهای بوسه ای داشتند

دوچوکی عقب توافز من دو سیاه سر رولج

نشسته اند که خنده های ستریوی شان خلای

مونوتون بودن آهنتگ های هم آهنتگ را که از

بلند نمی شود، حلقة تپه را روی سر دی

(کست) می گذارد. در واقع اوبداد سوا ری

وافع من عم با آن های یک جامی خشم و همه می

من شود.

آبادی ها، خانه ها و گردنهای گل آسود فقط

دارم دلم نهی خواهد سکوت را در هم

بسکنم.

در ایور موتر خلی برش و در واقع شوی

کاملی است در لحظاتی که از کس صدای

مونوتون بودن آهنتگ های هم آهنتگ را که از

تپه ستریوی موتر برون می آید پر می کند. در

هامی دست تاشی سالنگ و ناله های ماشین

شند می شود که از سالنگ و سرمهای سخت آن

افغانستان، در آغاز قرن چهارم قبل از میلاد انتشار یافته است.

گنج تپه می نجان:

در جریان حفریات دیگری که در سال ۱۹۳۳ در تپه می نجان صورت گرفت و درین حفریات هیأت باستان شناسان فرانسوی حصه داشتند در پای زینه معبد بودایی «امیانی» پر از سکه بدست آمد.

در داخل این امیان دوازده سکه طلازی، کو شانو ساسانی، به شکل جام، سه صد و شصت و هشت سکه نقره بی از درخم (درهم) های ساسانی وجود داشت.

راول کوریل باستان شناس می شود که این سکه های را مطا لعه کرده عقیده دارد که یکی ازین مسکو کات طلازی کو شانو ساسانی بو ده و متعلق به بهرام دوم (۲۷۵-۲۷۳) میلادی می باشد.

ده عدد آن به یک حکمران ناشناس منسوب شده و یک سکه باقیمانده، از روی نوشته اش تشخیص گردیده که متعلق به «اور میزد» است.

نکته جالب دیگر این است که هنوز زبانیکه بر روی این مسکو کات نوشته شده، شناخته نشده و رسم الخط این زبان، از الفبای یو نانی است مقایسه یافته است.

تو ماس باستان شناس دیگری، عقیده دارد، که این رسم الخط وزبان بنام «تخاری» یاد می گردیده است.

در باره مسکو کات نقره این گنجینه که در خم های ساسانی است، اظهار عقیده شده که سه صد و بیست و شش دانه آن، از شاهیبور دو م، (۳۷۹-۳۱۰ میلادی) بیست و هشت عدد آن از از د شیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ میلادی) و چهارده عدد آن از شاهیبور سوم (۳۸۳-۳۸۸ میلادی) می باشد.

در اینجا به نظر می خورند که طبیعت اند کسی

دارم دلم نهی خواهد سکوت را در هم

بسکنم.

سرک هاری بچان در دل گوه جای میگیرد. کوتل

تسخیخ شده می رود درون موتر می

دوستانه و همه می انتشار یافته است.

دوچوکی عقب توافز من دو سیاه سر رولج

کاملی است در لحظاتی که از کس صدای

مونوتون بودن آهنتگ های هم آهنتگ را که از

تپه ستریوی موتر برون می آید پر می کند. در

هامی دست تاشی سالنگ و ناله های ماشین

شند می شود که از سالنگ و سرمهای سخت آن

آنچه تپه می نجان:

در جریان حفریات دیگری که در

سال ۱۹۳۳ در تپه می نجان صورت

گرفت و درین حفریات هیأت باستان

شناسان فرانسوی حصه داشتند در

پای زینه معبد بودایی «امیانی» پر از

سکه بدست آمد.

در داخل این امیان دوازده سکه

طلایی، کو شانو ساسانی، به شکل

جام، سه صد و شصت و هشت

سکه نقره بی از درخم (درهم) های

ساسانی وجود داشت.

راول کوریل باستان شناس

معروف که این سکه های را مطا لعه

کرده عقیده دارد که یکی ازین مسکو

کات طلازی کو شانو ساسانی بو ده

و متعلق به بهرام دوم (۲۷۵-۲۷۳) میلادی می باشد.

ده عدد آن به یک حکمران ناشناس

منسوب شده و یک سکه باقیمانده،

از روی نوشته اش تشخیص گردیده

که متعلق به «اور میزد» است.

نکته جالب دیگر این است که

هنوز زبانیکه بر روی این مسکو کات

نوشته شده، شناخته نشده و رسم الخط

این زبان، از الفبای یو نانی است مقایسه

یافته است.

تو ماس باستان شناس دیگری،

عقیده دارد، که این رسم الخط وزبان

بنام «تخاری» یاد می گردیده است.

درین «تخاری» یاد م

کلید شهر

میاهی

به مدیر مجله میرهن

داده شد

بر و بلم ها و اهداف زنان
اساسا در تمام جهان بین شکل است. این
بیشماری از زنان همه روزه مخواهند تاریخ نازل
شان به حیث بهترین زن - و مادر و درگار
و مسلک شان بحیث بهترین همکار و در حیات
زنان در افغانستان هفته گذشته دو میاهی افشار
نمود.

اهداف ما تسا衡 حقوق مساوی در مقابل گار
مساوی نبود بلکه هدف آنست که زنان قادر
زنان در افغانستان در عقب چادری ها بنشانند
ایشان درگار های مائند تدریس در مقابله
گردند تارهای حیات شانرا انتقام نمایند.

میرهن نقیسه عباسی که مدیر مجله میرهن
کار مساوی حاصل نداشتند وی احساس
شریه درسته افغانستان میاشد. این
کار مساوی حاصل نداشتند وی احساس
بیناید که این مشکله یکقدم فسورد خود

نظریات را مل مصالحه در ختم مسافت خود
زنان محسوب میگردد. چرا باید درین مسورد
عیان خارج هتلدارند دارند استباعاتی حاصل
نموده است.

وی گفت: این مرکز موسیقی، رسامی
و پروگرام های تربیتی عادی را با هم امتحان
داده است. برخلاف آن درین مرکز غایبی که ای
حقیقی موجود است که در آن اطفال یک غوارت
مکمل را به ظرفیت کوچک اعمام نمایند.
ایشان خود پلان های اعمام منزل را طرح نموده
و چوب هارا با افزار کوچک ازهندوده منزل را
اعمام نموده و بعد آنرا رنگ میکنند.

وی ادامه داد: این عملیات برای اطفال یک
تجربه فوق العاده را بارگزارد. این تجربه
اطفال را با اطراف ساختمان آشنا ساخته و به ایشان
زمینه آنرا مساعد میسازد که بینند مسلک آینده
شان چگونه خواهد بود؟

وی گفت: مطالب مجله «هز» شbahet زیادی
بمجله میرهن داشته و عن اهداف را اختیار
نماید و من هذاکر بـاگلوریاستایم دیگر
مقدیـاً اتفـم گلوریـا دارـی اـفـکـار بـسـیـار روـشن
بـودـه کـه تـائـیـر عـمـدـهـا روـی اـیـالـاتـ مـتـحـدـهـ اـمـرـیـکـا
چـمـتـیـکـوـغـیرـهـ رـهـنـمـایـیـ لـازـمـ رـاحـاصـلـ مـیدـارـندـ
مـیرـهـنـ عـبـاسـیـ اـزـشـعـبـ کـارـمـجلـهـ «ـهزـ»ـ گـهـ
ایـشـانـ درـخـتـمـ رـوـزـعـادـیـ تـحـصـیـلـیـ شـانـ درـینـ
ماـهـانـهـ دـارـایـ تـیـازـ ۴۰۰۰۰ـ شـمـارـهـ مـیـباـشـدـ
مرـکـزـ مـسـاـفـرـتـ وـ عـلـمـیـاتـ آـنـرـاـ شـبـیـهـ مـیرـهـنـ
مـصـرـوفـ مـیـباـشـدـ.

مـیرـهـنـ عـبـاسـیـ مـسـاـفـرـتـشـ رـاـ اـزـ واـسـتـگـنـ
دـیـسـیـ آـغاـزـ نـمـودـهـ وـدـرـآـنجـاـ بـاـدـاـکـتـرـوـتـ بـیـکـنـ
مـدـیرـاـدـارـ سـالـ بـینـ الـمـلـلـیـ زـنـ وـمـامـورـیـنـ شـعـبـیـ
اـمـوـرـزـنـانـ درـوـزـاـرـتـ کـارـ وـاـسـتـیـوتـ تـعـلـیـمـاـتـ
بـینـ الـمـلـلـیـ کـهـ پـرـوـگـرـامـ،ـ شـاـهـدـاتـ وـزـمـنـهـ مـسـاـفـرـتـ
وـیـ رـاـ درـ اـمـرـیـکـاـ مـسـاـعـدـ سـاـخـتـهـ اـسـتـ مـلـاـقـاتـ
هـایـ بـعـلـمـ آـورـدـ.ـ وـیـ هـمـجـانـ اـزـ قـصـرـسـفـیدـ
اـفـامـتـگـاهـ رـیـاستـ چـمـبـورـیـ وـ مـرـکـزـ هـنـرـیـ
جـانـ اـفـکـنـدـیـ دـیدـنـ نـمـودـهـ اـسـتـ.
درـینـ مـسـاـفـرـتـ وـیـ دـیدـنـ اـزـهـارـتـ فـورـدـ
کـنـکـیـکـتـ،ـ اـبـشـارـ نـیـاـگـارـاـ درـبـلـوـ،ـ نـیـوـیـارـکـ
سـیـسـنـتـانـ،ـ اوـهـایـوـ،ـ دـوـلـانـدـ،ـ وـیـامـ بـیـجـ فـلـورـیدـاـ
نـیـزـ شـاـمـلـ بـودـ.

درـمـیـامـ فـلـورـیدـاـکـهـ اـخـرـینـ توـنـفـ رـسـمـیـ
مـیرـهـنـ عـبـاسـیـ رـاـ تـشـکـیـلـ مـیدـادـ وـیـ درـدـعـوـتـیـ کـهـ
بـهـ اـفـتـخـارـوـیـ تـرـتـیـبـ یـافـتـهـ بـودـ درـدـرـانـ ۵۵ـ تـسـنـ
ازـ زـنـانـ بـرـجـسـتـهـ اـمـوـرـمـلـیـ،ـ تـجـارـتـ،ـ حـکـومـتـیـ
وـهـنـرـیـ اـشـتـرـاـکـ وـرـزـیدـهـ بـودـندـ شـرـکـتـ جـسـتـ
وـیـ درـایـنـ اـجـمـاعـ مـوـقـعـ زـنـ رـاـ درـ اـفـغانـسـتـانـ
چـهـ درـگـذـشـتـ وـجـهـ درـحـالـ مـوـرـدـ بـعـثـ فـرـارـ دـادـ
وـبـانـهـ درـزـمـنـهـ اـبـرـادـ نـمـودـ وـدـرـاـخـیرـ گـلـبـسـهـ
هـیـامـ اـزـطـرـفـ رـوـزـگـارـدـانـ کـهـشـنـرـ بـهـ بـسـوـیـ
اـعـطاـ مـرـدـیدـ.ـ اـینـ دـعـوـتـ اـزـطـرـفـ بـیـفـلـهـ گـهـتـهـارـگـیـ
آـمـرـ پـرـوـگـرـامـ «ـرـکـزـ یـذـرـانـیـ وـزـارتـ خـارـجـهـ
اـمـرـیـکـاـ تـرـتـیـبـ یـافـتـهـ بـودـ.

باـوجـودـیـکـهـ مـمـکـنـ اـزـنـگـاهـ رـشـتـهـ هـایـ شـانـ
نـخـاـوتـ هـایـ وـجـودـ دـاشـتـ باـشـتـ اـمـاحـاـصـلـ
کـارـشـانـ عـینـ چـیـزـ اـسـتـ.

مـیرـهـنـ عـبـاسـیـ بـعـیـثـ مدـیرـ مـجلـهـ مـیرـهـنـ
بـهـ تـشـرـیـهـ هـایـ اـمـرـیـکـانـ عـلـاـقـهـ خـاصـیـ نـشـانـ دـادـ
درـشـهـرـ نـیـوـیـارـکـ وـیـ بـاـمـرـیـانـ چـنـدـینـ مـجلـهـ
اـمـرـیـکـانـ مـلـاـقـاتـ هـایـ بـعـملـ آـورـدـ.

نـکـتـهـ چـالـبـ تـوـجـهـ مـسـافـرـتـ مـیرـهـنـ عـبـاسـیـ رـاـ

مـذـاـكـرـهـ باـگـلـورـیـاـسـتـایـمـ مدـیرـ مـجلـهـ (ـهزـ)ـ گـهـ

نـخـسـتـیـنـ بـارـدـسـالـ ۱۹۷۲ـ دـرـاـمـرـیـکـاـ هـنـشـرـ

گـوـدـیدـ وـاـزـطـرـفـ زـنـانـ بـعـیـثـ پـلـتـ فـارـمـ اـفـکـارـ

وـعـقـایـدـ شـانـ مـوـرـدـ اـسـتـفـادـهـ قـرـارـ مـیـگـیرـدـ

تـشـکـیـلـ مـیـسـهـدـ.

وـیـ گـفـتـ: مـطـالـبـ مـجـلـهـ (ـهزـ)ـ شـبـاهـتـ زـیـادـیـ

بـمـجـلـهـ مـیرـهـنـ دـاشـتـهـ وـعـنـ اـهـدـافـ رـاـ اـخـتـیـارـ

مـیـتـمـایـدـ وـمـنـ هـذاـکـرـ بـاـگـلـورـیـاـسـتـایـمـ دـاـبـسـارـ

سـالـهـ دـرـمـرـاـکـزـ هـنـرـلـوـکـسـ شـامـلـ بـودـهـ دـرـآـنجـاـ

دـرـ فـعـالـیـتـ هـایـ مـخـتـلـفـ هـایـ مـاـنـتـدـ دـرـامـ،ـ دـرـ

چـمـتـیـکـوـغـیرـهـ رـهـنـمـایـیـ لـازـمـ رـاحـاصـلـ مـیدـارـندـ

مـیرـهـنـ عـبـاسـیـ اـزـشـعـبـ کـارـمـجلـهـ (ـهزـ)ـ گـهـ

ایـشـانـ درـخـتـمـ رـوـزـعـادـیـ تـحـصـیـلـیـ شـانـ درـینـ

دـیدـنـ نـمـودـهـ وـ عـلـمـیـاتـ آـنـرـاـ شـبـیـهـ مـیرـهـنـ

مـصـرـوفـ مـیـباـشـدـ.

یـافـتـهـ استـ.

مـیرـهـنـ عـبـاسـیـ درـهـنـگـامـ اـقـامـتـ خـودـدـرـنـیـوـیـارـکـ

بـاـمـیرـهـنـ چـارـلـزـ اـبـرـاهـیـمـ اـمـرـکـیـتـهـ مـهـمـانـ دـارـیـ

مـلـلـمـتـحـدـ بـرـایـ سـالـ بـینـ الـمـلـلـیـ زـنـ ۱۹۷۵ـ مـلـاـقـاتـ

نـمـودـهـ وـبـلـانـهـایـ بـهـشـیـ بـرـتـجـلـیـلـ اـزـسـالـ بـینـ الـمـلـلـیـ

زـنـدـاـ درـصـفـحـاتـ مـیرـهـنـ مـوـرـدـ بـعـثـ قـرـارـدـادـ

وـیـ تـوـضـيـعـ دـادـگـهـ مـجـلـهـ مـاـضـيـتـ رـاـ رـوـيـ

زـنـانـ تـارـیـخـیـ وـحـیـاتـ مـعاـصـرـگـهـ درـرـشـتـهـ هـایـ

سـیـاسـیـ،ـ آـرـتـ،ـ اـدـبـاتـ وـغـیرـهـ مـعـرـفـ اـنـدـ

بـهـ نـشـرـ مـیـسـپـارـدـ.ـ مـاعـتـقـدـیـمـ کـهـ اـینـ زـنـ هـرـنـوـعـ

مـلـیـتـیـ کـهـ دـاشـتـ بـاشـتـ مـتـعـلـقـ بـهـهـمـهـ زـنـانـ

جـیـانـ اـنـدـ.

بـظـورـ عـثـالـ مـاـدـامـ کـبـورـیـ نـهـتـبـاـیـکـ فـرـاتـسـوـیـ

بـودـ بـلـکـهـ بـهـهـمـهـ زـنـ جـیـانـ مـتـعـلـقـ بـیـشـتـ

تـامـ زـنـانـ جـیـانـ بـاـدـرـاجـعـ بـهـ هـمـدـیـگـرـ مـعـلـوـمـاتـ

دـاشـتـهـ بـاشـتـ مـتـامـوـقـفـ وـارـزـشـ هـایـ شـانـسـرـاـ

تـشـبـیـتـ نـمـودـهـ بـتوـانـدـ.

مـیرـهـنـ عـبـاسـیـ درـطـوـلـ مـسـافـرـتـ خـودـاـزـیـگـهـدـهـ

هـرـاـکـرـهـ رـهـنـهـایـ خـانـوـادـهـ وـبـرـوـشـگـاهـهـ دـرـشـهـرـ

هـایـ مـخـتـلـفـ اـیـالـاتـ مـتـعـدـهـ اـمـرـیـکـاـ دـیدـنـ نـمـودـهـ

وـفـعـالـیـتـ هـایـ شـانـسـرـاـ خـیـلـیـ زـیـادـ عـشـابـهـ بـهـ طـرـزـ

گـارـهـرـاـکـرـهـ اـفـغـانـیـ خـوانـدـ.

وـیـ بـعـهـدـهـ اـزـ پـرـوـشـگـاهـ هـنـرـلـوـکـسـ

شـرـیـهـ دـبـرـمـنـوـ ۶۰۰۰۰۰ـ مـلـاـقـاتـ

بـیـشـمـارـیـ اـزـ زـنـانـهـمـهـ رـوـزـهـ مـخـواـهـنـدـ تـارـیـخـ نـهـضـتـ

شـانـ بـهـ حـیـثـ بـهـتـرـینـ زـنـ - وـمـادرـ وـ درـگـارـ

وـمـسلـکـ شـانـ بـحـیـثـ بـهـتـرـینـ هـمـکـارـ وـدـرـحـیـاتـ

سـیـاسـیـ شـانـ بـهـتـرـینـ فـرـدـجـاءـهـ بـاشـتـ

نویسنده ، شاه محمد وف
مترجم : ش

شاعر بزرگ

اذهب مازه و سمت

قسمت چهارم



هر کزی نستید، هنلا هنگا می که مو سم بارش
آغاز می یابد، در هریک از دهکده ها، جوان
دختران محل برای تفرج دور هم گرد آمدند
ساخته های درختان (منگو) و (بی بول) گاز
می بندند، این تراشه ها رامی سرایند.... ترانه
ها و حیستانهای خسرو اورا شهرت زیاد
پوشیدند، بعد نیز شهرت وی رویه فروتنی
رفت، من خیر از اینها سرو د دیگری رانمی
شنسم که از ششصد سال باشیم ایشمه
مورد قبول همکان فرار داشته، عشق و علاقه
مردم را نسبت بخود جذب نموده باشد و نیز در
طول ایشمه هدت طولانی، عتن اصلی آن -
بدون کمترین تعریف خوانده شود) (جواهر
لال نیرو، کشف هند، صفحه ۲۵۷).

برطبق نوشته دانشمند هند شبیل نعمانی
امیر خسرو در مسابقه موسیقی بر (گیسل
نایال) موسیقی دان معروف پرروز برآمد.

امیر خسرو در ردیف آهنگهای هندی -
ترانه های (رسی رانیز به مبارت عجیبی کمیز
نموده، باهم آهنگ ساختن موسیقی هر بوطبه
دوملت (جهان نوینی) یدرید آورده است) -
(شعر العجم، ص ۹۹-۱۰۰).

امیر خسرو نه تنها با داستانهای تاریخی
بقیه در صفحه ۴۰

پیوسته به گذشته
خویش را در آهنگ هندی میخواند
است. تمام متنا بعی که از نظر ما
گذشته، امیر خسرو را در فن موسیقی
نیز بحیث یک صاحب نظر پرجسته
معرفی میکند.

امیر خسرو چه در ساحة شعر
وادب و چه در ساحة فن موسیقی
بمداد راج کمال رسید و سه مجموعه
آثار درین رشته بقید تحریر در
آورده است.

میتوان گفت که احاطه کامل
امیر خسرو بر فو لکلور غنی مر دمان
هند بود امکان داد تا در فن موسیقی
نیز به مو فقیت های بزرگی دست
یابد.

او سرود ها و ترانه های خویش را
بزبان هندی که برای عامه مردم قابل
فهم بود تو شته است.

جواهر لال نیرو در باره سرو دهای امیر
خسرو هیکوید: (او درباره فضول مختلف
سال، زندگی و مظاهر گوناگون آن، درباره
ورود عروس به منزل درباره هجران، باران..
ترانه هاسرود. این ترانه ها راهنوز هم زود زود
میسرایند و ممکن است آنها را در هریک از
دهکده ها و شهر های هندوستان شما لی و -



ترجمه احمد غوث زلمی

ستار ڈر زیبای کہ میخواهد از افغانستان دیدن کند

کارو لین مونا کو ستارہ زیبای لباس زیبای به تن گرده بود کہ میتوانست به خوبی بییند . پرنسپ کارو لین آرزو دارد تا سینمای غرب کہ یکی از چهره های زیبایی اورا دوچند آن میسا خست . عکاسی میخواست عکسی ۱۹۷۱ توسط موثر لنداور مسا فرتی به ستاره فلمی بگیرد ، اما پرنسپ افغانستان مملکت کو هستانی خوش شناخته شده سینما غرب میباشد ، او درین شب دختری شده بود ، طنazo رینی کہ نمیخواهد کسی از دخترش آب و هوای سفر به نماید و تابستان رادرین هزار بھار زندگی خویشاں اگذشتاندہ دل فریب . عکس نا هحرم بگیرد تا چاپ عکس مملکت زیبای بیان رساند .

حالا جوان زیبا ، مقبول و قشنگی موهای خویش را مانند سبد گلی اورا روزنامه ها اختصاصی بیار آراسته بود ، لباسی به تن گرده بود کہ شده است . آورد مانع میشد ، اما عکاس دریک خود را همراه با فامیل خویش در سویس میگذراند .



پیغله رئیسه در کارگاه ساعت سازیش به شاگردان میامو ز دو آنان را باکار و مجاهده آشنا می سازد.

دختر یکه روی تصادف ساعت ساز شد

راعقب گذاشته از سن و سال اصلیش بزر گتر معلوم می شود. میکو شند تا جواب سوا لهای طویل و طولانی رابه گفتن (بلی) و یا (نخیر) خلاصه سازد. پیغله رئیسه که در صنف نهم مکتب متوسط آقا علی شمس مصر و ف تحصیل است. میکو ید: به مضامین اجتماعی خیلی علاقمندم و در آینده میخواهم به یو هنخی ادبیات شامل کردم و میکوشم بیشتر از بیشتر استعدادم را بر ورش دهم تا بتوانم روزی به این خواسته ام نایل آیم. وی در حالیکه مطا لعه بیشتر با متأثت و شهامت قابل و صفحی ثابت وی که شائزده بهار زندگی اش و گستردۀ تر کتب، مجلات وغیره آثار

نموده اند و یا دشوارها دست و بینجه نرم نموده اند اگون نیز میکو شند پایه پای مردان پیش بروند و بارهای سنگین اجتماعی را بدوش کشند. معاون و مدد گار مرد با شند و با پیشرفت علم و تکنا لو رزی به کار انجام باچه جد و جهدی بانا ملایمات زندگی در پیکار اند و ازین پیکار که اینها همه وهمه نمایانگر شهامت و شجاعت همین طبقه است. از همین جهت بود که گفتگوی با پیغله رئیسه خود و انکشاف کشور شان متحده شوند و برای از بین بردن وریشه کن مهارت و لیاقت چشمگیری را نسبت گردیده است به عمل آوردم. رئیسه دختر یست متین و آرام نا مساوی برز مند. گرچه زنان افغان در گذشته ها واندکی خجول. وی که شائزده بهار زندگی اش و گستردۀ تر کتب، مجلات وغیره آثار

شکی نیست که دور ماندن زنان از اجتماع و فعالیت های اجتماعی نیمی از نیروی اجتماعی را راکد میگذارد، لهذا هر فعالیت و اقدامی که در جهت راه یابی زن به فعالیت های گستردۀ تر اجتماعی صورت پذیر باشد و هر تلاشیکه برای از میان برداشتن تفاوت های حقوقی و مدنی میان زن و مرد صورت گیرد هم مفید است وهم ارزنده. اما باید خاطر نشان گرد که شرایط خاص فر هنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی در کشور ما همراه با یک سلسله عرف و عادات خرافی زنرا در همه اطراف و اکناف و مخصوصا در قراء و روستا ها در

و نامرعی می‌اند یشد گفت:
خود میدانید که «احتیاج مادر ایجاد است» همین فلسفه بود که مرا به گوش دکان کشانید و مجبورم ساخت سحر گاهان خیلی و قدر از دیگران بسترم را ترک گویم و بالای میگوید: گرچه قبل ازند گی تقریباً میز کارم که دریک گوشه اطاق منزلم متوسط داشتیم پدرم دریکی از سرای میباشد رفته و برای اینکه در برابر های شهر دکان بنجارگی داشت مشتریانم «دروغگوی» معروف نشوم مگر و قتیکه سرای مذکور در اثر باید کار شانرا به وقت معین انجام حريق و بران شده‌همه دارانی و سامان و لوازم دکان نیز از بین رفت و بدرم را به مشکلات اقتصادی زیاد دچار ساخت از آن جائیکه پدرم هیج معاون و مددگار دیگر نداشت بقیه در صفحه ۴۶

شکی نیست که دور ماندن زنا ناز اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی، نیمی از نیروی اجتماع را راکد می‌کند.

مقدم و سود مند را به همه جوانان مخصوصاً دختران تو صیه مینماید میگوید: چقدر خوب است اگر معلمین رو حیه شاگردانش را درک نموده و واقعه رهنما و مددگاری خوبی برای شاگردانش باشد.

ویراییکی از روزها در حالیکه با لباس مکتبی اش ملبس بود در دفتر مجله دیدم وازوی سوالات بی نمودم که شما اینجا مطالعه می‌نمایید.

خوب پیغله رئیسه لطفاً بگویند که ساعت سازی را زندگی؟ و چطور؟ آموختید آیا ذوق و استعداد خود تان در کار بود و یا مجبو ریتم سبب شد که شما را به گوشة دکان ساعت سازی کشاند.

— گفت اگر راستش را بخواهید پای هر دو موضوع دخیل بود هم استعداد و هم مجبو ریتم اما نقش بزرگتر را «مجبوریت» داشت.

گرچه طفلی ۱۲-۱۳ ساله بیش نبود که توجه ام را همین رقص، باندول دقیقه گرد و ثانیه گرد وغیره پر زدهای خود و بزرگ ساعت جلب گرد. زیرا کاکایم که در همسایکی مازنده‌گی داشت ساعت ساز بود و قدمی وی مصروف ساختن ساعت می‌نشستم و متوجه می‌پهلویش می‌نشستم و متوجه می‌بود من ساعتها گذاشت شود یا کجا می‌ساعت نوادن و اصلاح شود این وضع روزها، ماهها وبالاخره سالها طول کشید تا اینکه یکی از روزها که کاکایم بخانه نبود و یکی از مشتریان ساعتی را برای ترمیم به او سپرده بودند و قدمی بخانه داخل شدم توجه ام را ساعت سر میزی که بالای میز کار کاکایم بود جلب کرد. دانستم که حتمن این ساعت تر میم طلب است بدون اینکه متوجه بقیه ما جرا گرد با سامان و لوازم که قبل اشنا بود ساعت را باز کردم. دانستم نقص دو کجاست. نقصش را گرفتم و ساعت را دوباره بستم وقتی دیدم ساعت می‌گرد خیلی احساس خوشی برایم دست داد و بایک پر خورد تصادفی امروز دیگر افتخار آنرا دارم که یک ساعت ساز ماهر باشم.

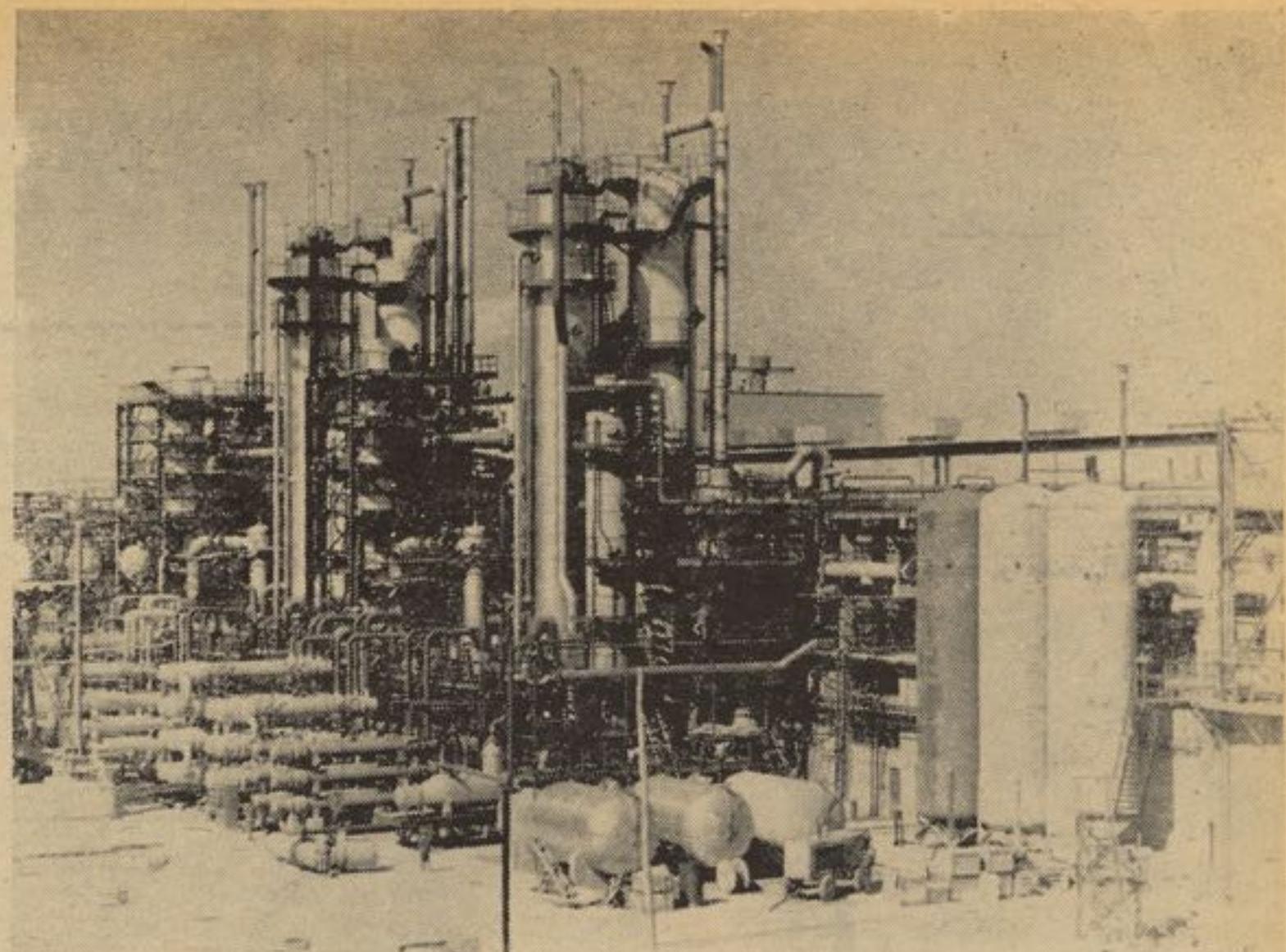


پیغله رئیسه اولین دختر ساعت ساز

صدتن بوریا و تو لید روزانه فابریکه برق سی و شش هزار کیلووات افزایی بر قیمت میاند، علاوه بر یک مقدار اضافی امونیا، اکسیژن و نایتروزن نیز هستواند تولید نماید. اینجیر رحیمی مطالب فوق را در جواب سوالی اظهار داشته و اضافه کرده: تا هنوز در قسمت تربیه کذر ملی تعویز طور شاید و بایدگر فته نشده و سعی خواهیم نمود. تادرین زمینه راه های بهتری جستجو نمایم. ازیدوسا ختمان تاکنون در قسمت تصفیه حسابهای فابریکه کار نشده و تصمیم اینستیکه حسابهای فابریکه را بطور کلی در زمینه ساختمان و موئنار تصفیه نمایم. چون عنقریب فابریکه به ظرف فیت اعظم خودمی رسد و این مقدار کود در حال حاضر بالاتر از احتیاج داخل کشور است، کوشش هیکنیم تا در خارج بازار فروش به قیمت مناسب و خوب پیدا کنیم، بر علاوه تولیدات فرعی فابریکه بوریا و برق در قسمت تولیدات اساسی (کسود امونیا، اکسیژن، نایتروزن و کاربن دای - اکساید) از دنیاد بعمل آمد و ازین طریق نیازمندی هوسان صنعتی داخل کشور معرفی گردیده و بهای ترتیب از خروج اسعار جلو گیری به عمل خواهد آمد.

بناغلی رحیمی افزود:

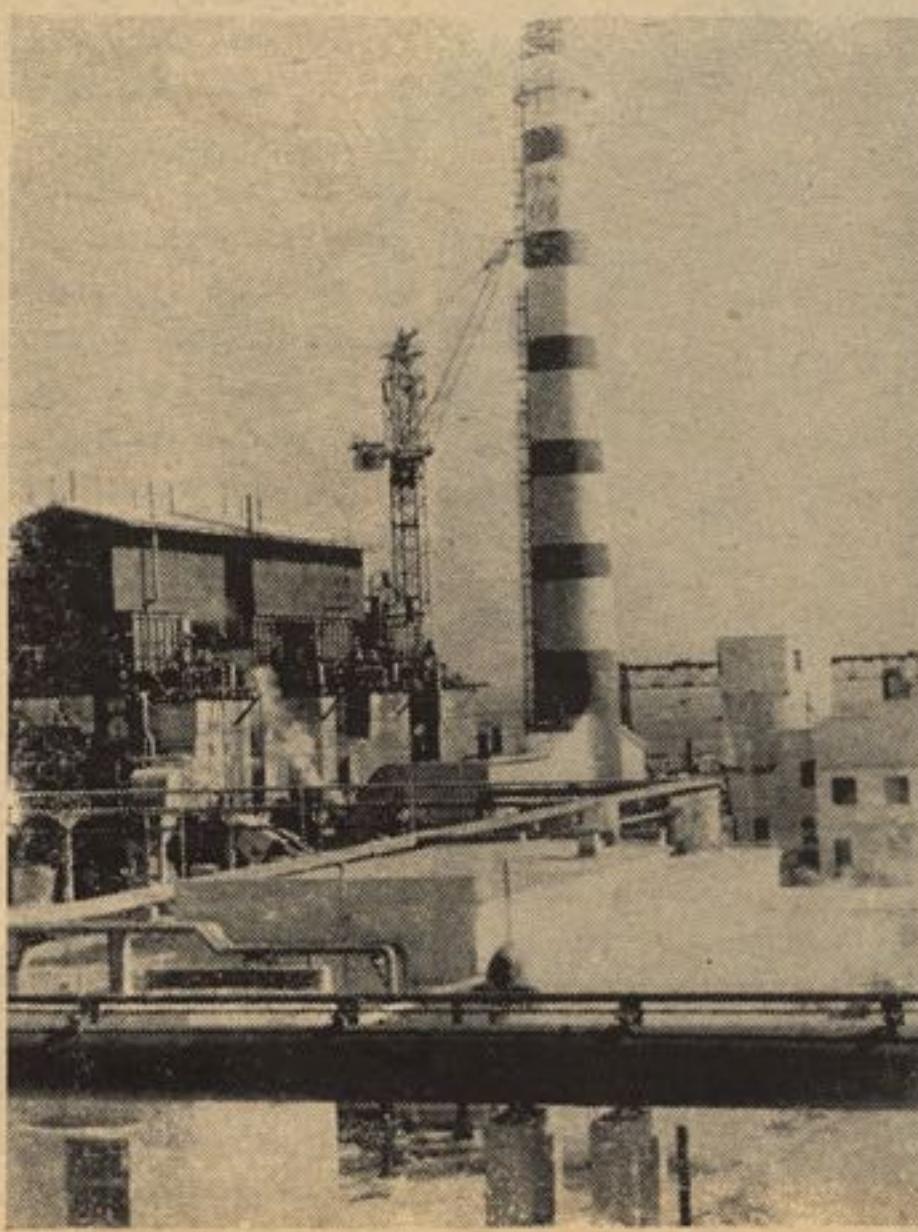
جهت تداوی کارگران یک شفاخانه بجهز ساخته شده که متناسبانه تاکنون نظر به عدم وجودیت بررسوند طبق وادویه کافی است از شفاخانه استفاده کامل بعمل نمی آید چون صحت کارگران یک هو ضوع بسیار مهم و در در خور هرگونه اهمیت است سعی خواهیم نمود



از تاسیسات کود و برق هزار شریف شعبه کتویرشن میان فابریکه کود

را بور از احمد غوث زلمی

از فابریکه های کود و برق هزار شریف دیدن کنید



دستگاه بخار فابریکه برق هزار شریف

کشور عزیز ما افغانستان هما نظوریکه به آن ساختمانها «لوچهای» (دکیماوی سری کوه های شاه معنوسر بفلک کشیده + دارد دارای اودھ رازی برپشنا ریاست) جلب نظر میکند زمینهای فراغ، وادیهای شاداب و دشت های که هر وطن خواه اشتیاق عجیب برای دیدن آن سرسیز بوده که این سرسیزی به خصوص

در نواحی شمال مملکت ما چشم گیر است و امکانات اکتشاف زراعت و نیرو هندي اقتصاد زراعتی را ممکن می سازد.

اکتشاف زراعت و قیمت بتر میتواند میسر خود را بسیار کند که صنعت هم راه خود را بسوی کمال باز نماید.

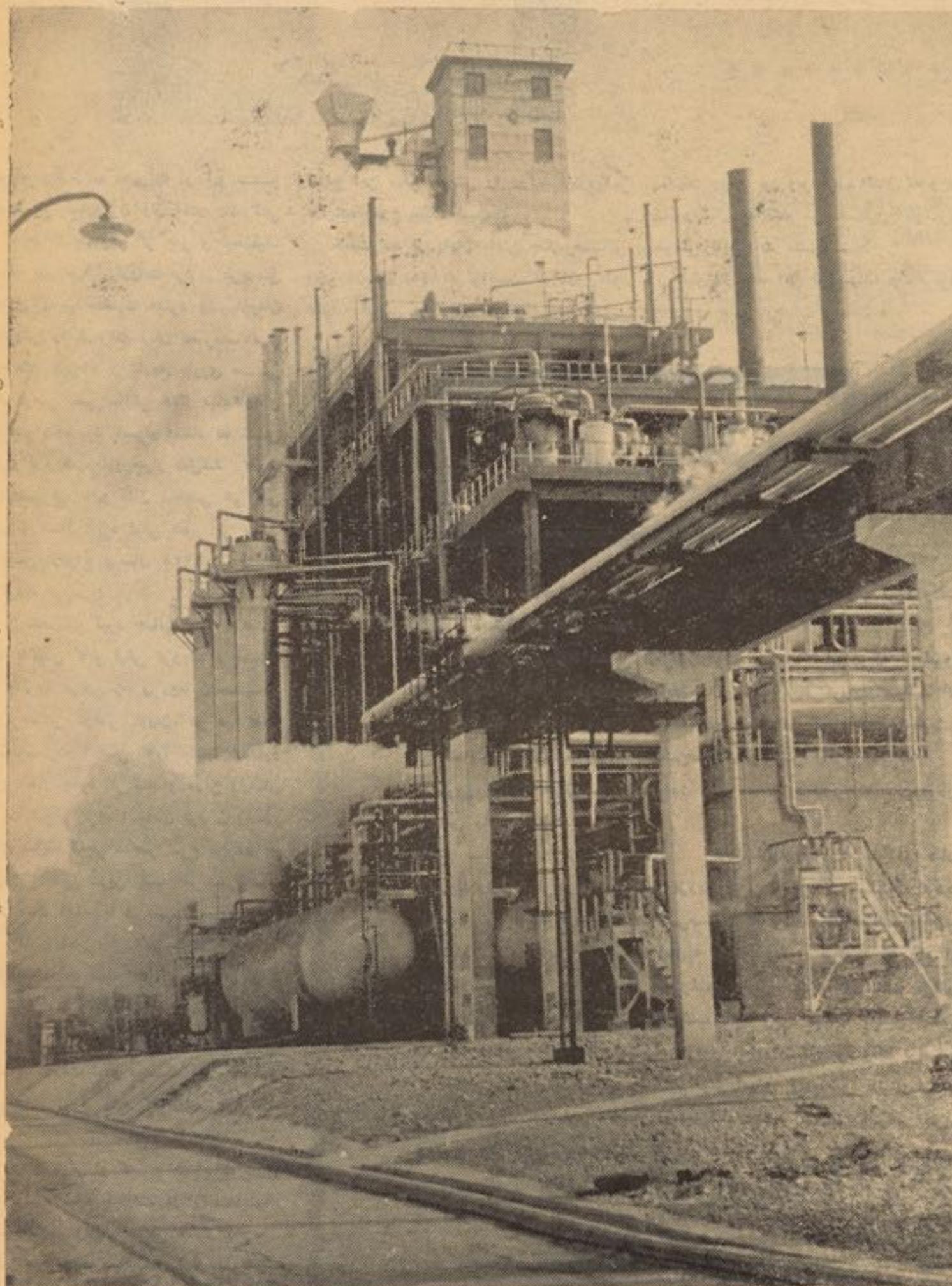
وقتی انسان شمن باز دید از صفحه ای که از ازولایت بلخ دیدن بعمل آورد، در عین کیلو متري غر بشهر هزار شریف، آنجاکه کوه های البرز و شادیان و وادی بزرگ وسیع دریای بلخ را تشکیل داده ساختمان نام فابریکه پیداست هدف اساسی این فابریکه تولید بوریا میباشد تولیدات فابریکه های عظیم و ماشین های خوب بیکرداری بیند که سرو صنای آنچه تجهیزات تو اینجاکه های بزرگ زمانی های خوب بیکرداری بیند بر سر راه خود معطوف میباشد و بازدیگشدن

ساحه بودوباس فابریکه ۳۶۰ جریب فابریکه
مامورین دولت میانند امایه خاطر فعال
کود ۱۶۰ جریب و فابریکه بر ق ۹۰ جریب
نگهدارن فابریکه ها رکعت کارگران و کار
زهین را احتوا نموده که به این حساب تمام
مندان در ۲۴ ساعت متراو باکاری می نمایند.
۵۱. پنجصدو ده جریب ز میں میشود.
چرا درین ساحه بر ق حرارتی تأسیس
شده و عدف آن چیست و نیز بگوید که بر ق آن
در کجا بمصرف میرسد؟
فابریکه بر ق حرارتی فعلی برای فعال
نگهدارن فابریکه کود احدا ت شده لیکن
حالا از برق آن بر علاوه فابریکه کود، در ساحه
بودو! س پرسونل برو زه، هزار شریف بولجخ
استفاده میشود.

یکتعداد متخصصین افغانی در بعضی نقاط
کار مستقلانه کار هینما یند به این مفہوم که -
متخصصین سوروی راعو ض نموده اندریاست
کودو برق در قسمت تربه کدر ملى تجاویز
جدی را لخان نموده که از طریق دایر نمودن
کورسها و تدریس شبا روزی کارگران و کار-
کتوانش، هنان سنتز امونیا و تولید کار-
بامید و فابریکه برق مشکل از شعبه توربین
خارجی است و دریک وقت کم نایل خواهد
دیگر بخار برق، نصفیه کیمیاوی اب باشیان
کمکی یعنی دستگاه های تپیه آب، و رکشاب
سیستم کار ند برو زه به چه ترتیب
اساسی و تحول بخانه ادونیا میباشد ..

سیستم کار در فابریکه از طرف روز -

فابریکه ها و ساحه بودوباس برسونل
مانند سایر مو سات مطابق قانو ن حاضری
بروزه چه میزان را احتوا نموده است؟



دستگاه تولید کار بامید کود و برق هزار شریف

نادوین خدمت تاحدتوان مال در تداوی و طب
وقایه کارگران تجاویز لازمه اتخاذ نمایم. در
اینده در نظر است تابسته بندي کودرا اصلاح
نمایم و بامارک مخصوص من خود فابریکه به بازار
فروش بسپاریم. به منظور آرامی و آسایش
بهتر کارگران فابریکه درسا حه بودوباس یک
قسمت از خانه هاسا خته شده و کار جدی
جهت توسعه آن دوام دارد و در نظر است که به
تدربیع بعد از تعویض متخصصین خارجی از
طرف متخصصین داخلی برای تمامی متخصصین
در جوار فابریکه جای سکونت داده شود.
از بنا غلی انجینر رحیمی پرسیدم که از
آغاز تولید فابریکه تا حال چه مقدار کود بوریا
تولید و چه مقدار کود تاکنون از فابریکه انتقال
داده شده است و در جوا ب گفت: از آغاز
تولید تا اوایل حمل امسال به مقدار هجده هزار
شش صد و نود دوتن کود بوریا
تولید و مقدار یازده هزار نه صد هفتاد و شش
تن آن توسط افغان کود از فابریکه انتقال داده
شده است.

سخن از افغان کود کدام مرجع دیگر هم از
شما کود خردباری مینماید و آیا شما در زمینه
بازار یابی کدام اقدام نموده اید؟
- طرف معامله برو زه کودو برق قرار
بروتوكول که بین وزارت های معدن و صنایع
وزرایت به امضا رسیده، افغان کود بوده با
موسسات دیگری معامله فروش نداریم فابریکه
کودو برق یکی از صنایع تولیدی بوده بازار یابی
وغیره مسائل آن هر بوزارت معدن و
صنایع میباشد.

- بوجی هایی که کود در آن بسته بشد میشود
ستندرد است یا خیر واگر ستندزیست کدام
تعویزی درورد آغاز نموده اید.
- بوجی هایی که تاکنون کود در آن بسته
بندي شده غیر ستندزد بوده و از بوجی های مستعمل
تپیه ارزاق کار سازی شده امادر قسمت خریطه
های ستندزد، ریاست بلان وزارت معدن با
جایان، اتریش و هو سنه
پلاستیک سازی مقصودی داخل افغان است.
- بدچه تعداد انجینر، کارمند و کارگر در
بروزه مصروف کار اند؟

۵۱۸۰ نفر فعلی در فابریکه های کود و برق مصروف کار
میباشد. تعداد انجینر انداخته داشتیم
چهل نفر بوده و کارگران و کارمندان افغانی فعلی
در حدود چار هزار نفر همیسرد.

متخصصین خار جی تاچه مدت در فابریکه
مصطفوف فعالیت خواهند بود؟
متخصصین سوروی تاوقتی در بر روزه کودو
برق مصروف کار خواهند بود که کدر ملس
افغانی در قالب آنها تریه گردد امید واریم هر
چه زودتر آنها عو ض نمایند.
آیا متخصصین افغانی راییک زمان معین
مکلف موظف به تسلیم گزی از متخصصین
سوروی نموده اید تاچه مدت میتوانند کار را
کاملا تسلیم شوند؟

زیگریدا

ویدزیت

زوندون تقدیم میکند

ناموران تاریخ

۱۹۴۹ - ۱۸۸۲ - ۱۸۵۲

ترجمه و تکارش: حسین هدی



۱۸۰۹ - ۱۸۵۲



لو بی برائیل

این آموز گارگمنام «انستیتو ملی نایبنایان» درباریس کمتر توجه و دقت را بخود معطوف ساخته است.

از لو بی برائیل فقط اندکی از مردم را قوف بود اما اکثر او که تا امروز هم از نیازمندی های نایبیت میم نایبنایان جوان است «خط کوران» میباشد که عزاد هانایبا نیکمک آن درهای بسته بشست جاویدان کتبیرا برخ خویش می کشایند و بدالوسیله خواندن اموختن فرمیدن و نوشتن را فرا میگیرند.

لو بی برائیل هنوز سه ساله بود که بوسیله یک کارد گارگاه پدر خود را ساخت مجروح ساخت و قدرت بیشی خویش را از دست داد.

او در سال ۱۸۱۹ در انستیتو نایبنایان پاریس گه تا آخر حیات در آن باقی بماند پذیرفته شد این طفل بیدار بزود ترین فرصت یکی از لایق ترین شاگردان استیتو گردید و بوسیله معاونت تدریسی چوانان بسر گزیده شد و بعد از مدتی تدریس مستقل شاگردان یک صفت داشته بود.

در این چریان این معلم نایبناویمال به مشکل دیگری برخورد که رفع آن کار ساده و سهل نبود و آن احساس علم قدرت خواندن آثار و کتب ادبی و علمی جوان بود که او را ساخت می آزد و بیزحمت نایوانی اندیش میگرد. در آن زمان چیزی بنام «نوشته های شب تاب» وجود داشت که قابل نمس بود و حروف پلاستیک را قبل خواندن میساخت اما این نوشتة های بایت پیچیده و فوق العاده مشکل بود و فقط بر اساس صدای کلمات و آهنگ الفاظ بنایافته بود. لو بی برائیل این نظام و سیستم سواد آموزی و آموزش نایبنایان را مکمل ساخت و تعداد نهرات آن را که تا به ۱۲ هیرسید یه شش اختصار نموده و از گاه دستور نگارش و گرامر تحریر شکل درست و مکمل تری را به آن داد نمود.

این «الطبای برائیل» به اندیشه بی ساده و بی تکلف بود که بزود ترین فرصت در تمام ممالک نفوذ یافت. کشود فرانسه این کاشف بزرگ خود را بوسیله ترتیب یک گاردانخوار و لیزیون شرف بورد ستایش و تمجید قرار داد.

زیگریدا اوند زیست دختریک آر گیو لو زیست شپر نارویزن واژ مادر دنمارکی درآیته درج نموده است. نخست بعد از بایان یافتن چنگ و حشمتاک خویش نایل آمد مشتبه شد. یعنی در سال ۱۹۴۵ توانت به ناروی کشور جهارسال بعد این نویسنده و شاعر بزرگ مالوف خویش برگردید در قوای حا تشر نارویزی جسم از جهان بربست.

زیگرید اوند زیست دختریک آر گیو لو زیست شپر نارویزن واژ مادر دنمارکی است که حیات به اوهر تن چیزی نیخشید. هنگا میکه پدر س قبل از وقت مرد از طریق حسابداری کسب معاشیت میکرد و شببار و مان های خویش را در حیات زنان عصر داستانها و انسانه های فیرهانا ن تاریخ ناروی می نوشت. در سن سی سالگی هنگا میکه کارهای بزرگی انجام داده بود باسوار استاد نما شن طرح ازدواج ریخت و مادر چهار طفل شد. که بعد اینها را باصر ف مالو هنال شخصی خویش در گودبراند سنتال، نزد لیلی همیر تر بیست گرد. این ازدواج در سال ۱۹۲۵ به طلاق منجر گردید.

بعد از نخستین نبرد جهانی بدو ن کدام وصلت به گیش کاتو لیکی گرویده و معتقد گردید و تقریبا در عین زمان رومان سه جلدی «گریستین درخت لاوران» او هم که می باشیست شیرت آفاقی اورا بنیان گذاشت در مقابل انتظار جلوه گزند. او درین رومان سر نوشت شو م گروه انسانان قرون وسطی را باتکای سایکا لوجی معاصر شرح می دهد. ناروی باستانی درین کتب تعریف و توصیف گردیده است آیین یا ل فیر مانی او وحال تعقیل نوام باعشق و مرگ نبرد، جمال و جنگ و مو جودیت صلح جویی درس ز مین زیبای شمال از جمله موادر توصیفی آنست. جبه نگارش در سال ۱۹۲۸ (۱۹۲۸) حایز جایزه - نوبل برای ادبیات شدو بوسیله آن یکمقدار مجموعی وزیاد بیو ل رابه کاریتای بخشش نمود.

سه رومان دیگر او که بالاحساسات عمیق مذهبی نوشتند شده عبارتند از «گیمنادینا»، «بنه سوزانند» و «انکیلامیری». در دو مین نبرد جهانی از فراز سویدن روسه و جایان بسوی امریکا پرواز کردو

کوشانی‌ها در تاریخ افغانستان

تئم و نگارش از : ر، اشعه

کسا نیکه کم و بیش با اوراق ذین
ناریخ آشنائی دارند نامی از کوشان
و کوشانی راشنیده و خوانده اند، این
نام بلند آوازه که آوازه همرو فیت
آن در کشور های دور افتاده و مجاور
پهنه گردیده، در حوالی ۵۰ ق. موارد
حوزه کاپیسا و کابل گردید.

ارد حوزه کاپیسا و کابل شدن بوجای
خرین پادشاهان یونانی کابل را
گرفتند و سلطنت را جدید و مستحکمی
ادر جوار شبر یونانی بگرام گذاشتند
این شهر با تخت تا بستا نبی سلاطه
یونانی های بزرگ گردید.

پایتخت تابستانی ازین چهت که صفت بزرگی یاد می کنند که در عصر
کوشانی های بزرگ غیر از بگرام هذکور در هر رشته های
وهر تر دیگر هم داشتند یکی در حیاتی، مدنی، مذهبی و فرهنگی کار
او شاوارا یعنی پشاور و دیگری در های بزرگ و بی سابقه چه در
کی از نقاط وسطی کندهار . کوشان شهر افغانستان آن عصر و
دوره کوشانی های بزرگ از حوالی چه در خاکهای مفتوحه آن به عمل آمده
قبل از آغاز عهد مسیح تاریخ - است و ازین دوره مجلل آثار و معابدی
ول قرن سوم عهد هذکور در کابل بی شمار در کنده هارا، هده و پشاور
کاپیسا، اطراف پهلوان کوه بگرام
و قرن وادر بر میگمود .

که در تاریخ افغانستان قدیم از ودر توپ دره غرب چار یکار، بامیان بودایی افغانستان در دو قرن مخصوص دوره های بزرگ بشمار می رود . وسایر نقاط به مشاهده هیر سد که عهد کوشانی ترقی بی سابقه کرد . درین فرصت بود که افغانستان برخی این معابد منحصر به بود یزم خود کوشان شاهان به ساختن کوهشانی های بزرگ به نبوده ذیرا سایر ادیان و مذاهب نیز وتراش مجسمه های خویش واعضای کوشانی عصر آزادی های داشتند که خاندان سلطنتی اهمیت زیاد میدادند درین شهر معروف گردید . درین شاهد مجلل ترین معابد غیر بودایی وشواهدی از نقاط مختلف افغانستان بعد ازینکه کوشانی ها در کوشان شاهد هستند دامنه کشور این دوره آتشگاه سرخ کوتول است بدست آمده که این حقایق را ثابت کشانی خویش را پیشتر به شمال که از شش سال با یعنی طرف در شمال می کند .

گشانی خویش را بینسر به سمال کهار سس سال پاییزرف در سمن می نمد .
شرق ترکستان چینی یاسنکیا نک افغا نستان کشف شده است . دوره کوشانی های بزرگ از نظر
پیغامبر شرق در خاک های نیم قاره مبلغان کوشانی افغا نستان آئین سیاست واداره و مملکت داری یکی از
بودایی راتا اقصای شرق آسیا دوره های بزرگ تاریخ افغا نستان
می نند بسط دادند .

دوره کوشانی های بزرگ در منشور ساختند . قدمی محسوب می شود .
ناریخ افغا نستان قدیم یک دوره چنانچه معماری آن دوره با پیرایه و عرو روز با کشف پارچه های جدید بزرگ عمرانی مذهبی، هنری، وادبی های مذهبی خود باعث ظهور مجلل هیکل تراشی، کتیبه، سکه و مداد ترین بنها و گنبدها گردید که بقایای وغیره سندیگری را براسناد گذشته است .

که آنارو شواهد آن بصورت مسکو- برخی از آن هاتا اکنون دیده می باشد .
کات، معابد، استوپه ها هیکل تراشی شود .
ها، گنبدیه ها باقی مانده و مطا لعه هیکل تراشی و تراش هیکل های رادر تاریخ افغانستان عزیز و در
هر یک آن وقت کافی می خواهد . بزرگ و عظیم الجبه بسیار فعمول تاریخ پر ارج این گوشه شرق و
جهانی کوشانه ای از آن حست به بود، مدرسه هیکل سازی بو نانو آسمان نمایان محسا زد .

روی هم رفته تاریخ کوشانی هاسه
مرحله دارد که مرحله اولی آنرا در
آسیای مرکزی، بخش سوم آن در نیم
قاره هندو پاکستان و قسمت عمده
که مرحله وسطی آنست در خاکهای
افغانستان سپری گردید. و این
مهترین دوره یام مرحله تاریخ کوشانی
است که طی آن کوشانی‌ها در سرزمین
افغانستان خوی و بوی و زند گانی
بدوی خویش را گذاشته و در ایر
تماس با سرزمین هدفی با خبر رو
غرفهان هتمدن آن دارای نظام، درن،
فرهنگ، رسم الخط، ادبیات و هنر،
صنایع و آبدات مجلل گردیدند.
قرار یکه منابع شرقی چینی و منابع
یونانی نشان میدهد کوشانی‌ها در
ایر جنگ‌های شدیدیکه با هیوانات گنو
(هن‌ها) به عمل آورده‌اند در حوا لی

۱۳۸ ق، م در گرد و نواح فرغانه رسیله
ودر حوالی ۷۰ ق، م رود آمودرا عبور
نموده در باختر جای سلاله پادشاهان
یونان و باختری را گرفتند. همین‌ترین
کانون رهایش ایشان در شمال
هنلوکشن، علاقه بغلان بود که آثار و
شواهد آنین و فرهنگ کوشانیان از
نقاط مختلف آن کشف شده میرود.
در جهان: ۹ ق، م کوشانه ها

شیخ علی‌شیر نوایی



دوقع توکر آمد و اطلاع دادکه امسی برای سفر آماده ساخته است، شاعر من اینکه لزوم حرکت خود را بسوی مرد سلطان، همین حالا شنیده باشد، با ترد اطر داشت: (حالا من آیم) و باز هم مثل لحظ قبل آرام به کام زدن ادامه داد، با بالغیان و خدمتکاران دیگر صحبت کرد، به من بجهان کوچک آنان دست گشید سپس مشتی م طلا و فقره از جیب کشیده به مکان توزیع کرد، بجهان «خصوصا خیلی زیاد خرسند شد» آنها جست و خیز زنان، شور و فریاد کرد کامن سکه هاردار مشت های خود می‌شوند و کاهن همیگر نشان میدادند، کلا نسای که از چشم ان شان قروغ «جیت نسبت ر خواجه شان می‌بارید، با او پدرود گفتند، برایش (سفر خوب) آرزو کردند.

نوایی به خانه برگشته چکمن و کلام در کرد، صاحب دارا و شیخ بهلوان را فرا خواه اجرای کار های لازم را دستور داد، و پیاره و بنه‌گسانی که می‌بایستی از عقب برآم ای اوی همراهی کنند، معلومات گرفت و همین در صحن سویلی قدم گذاشت، چشمش به گروم از دوستان و زدیکان افتاده برای وداع آش بودند در میان آنها آصفی، شیخیم سویلی، مر تاض، عطاالله، مولانا زمانی، مولانا خوار فصیح الدین، سلطانمراد، بهلوان محمد سعید را احاطه کردند، شاعر ازینکه از آدمیان عزیز دوست داشتند جدا می‌گردید قلب متأثر از دقایقی چند استاده روی یا با آنها به گذر برداخت و کوشید با سخنان، حرکات و مهرب خود هر یک از آنان را خشنود سازد، از میر-

ناش و سلطانمراد خواهش کرد تا اگر از علمی شان زودتر بدانجام برسد، یه یک نسخه از هر گدام به مرد بفرستند، ر سایه لطف و محبت دوستان، خود را بسی حس کرد، سپس بجا بکر روی اسب نشسته بجز راند و نازمانی که سیاهی مشا یعنی گزینه بحشم میرسید، چند بار به عقب نگاه کرد، همیکه از شیر ببرون شد، اسب خود را به طرف مرد، بلکه راسا بسوی هزار سعدالدین کاشغی راند.

جامی اورامانند همیشه با خرسندی و علاقه‌مند استقبال کرد، همیکه نوایی نشست، تیسر ملایم بر لیان شاعر کهنسال نقش بست ا بالوجه باریک و بزخود گفت:

- حالا چشمان هارا در راه مرد بانقدر می‌گذارید؟

- چه میتوان کرد که جزر قفن جاره دیگر

خلاصه داستان

خبر باز گشت علی‌شیر نوایی به مردان و انتقام او به جیت مهر دار دولت، چون حاده میهمی انگاس میکند، اهالی خراسان این تقدیر را بفال نیک میگیرند و چشم افیس بسوی او میدوزند.

چندی بعد میرزا یادگار یکی از تسیز از گان تموری علم بقاوت بلند میکند و با وجود شکست فاحشی که از حسین بایقرامی خورد، موفق نمیشود در اثر خیانت برخی از سر تر دیگان (بیکها)، شیر هرات را اشغال نماید.

حسین بایقرما پس از مدتی آوارگی در بادغیس و میمه سر انجام شامگاهی بر هرات هجوم میبرد و بیادی نوایی قدرت از کف رفته «ادویاره» بدست می‌آورد و میرزا یادگار را بقتل میرساند.

دزستان همان سال بر اساس یک فرمان علی‌شیر نوایی به وظیفه خطیر امارت انتساب میگردد این اقدام در عین حالیکه حس خصوصت و گین توزی مخالفان را برپنی انگیزد، بورد تایید اهالی عدالت پسند هرات و گافه مردم خراسان قرار میگیرد روزی بعداز آنکه پیش از این می‌گذرد طرف تایید جدی سلطان فرار نمیگیرد، وی ناراضی از کاخ سرای خارج میگردد و نزد شاعر بزرگ عبدالرحمان جامی می‌رود.

نظام اسلام یا آهنگی بر متن‌نده اطهار داشت: عنوانی داروغه شهر بنویسید تا همین الساعه: سدر هر حال باید از نظر جناب مظفر میرزا واقع شد و از ایشان اجازه خواست: توانی ایشان را بخواهد دورداده گفت: - شهزاده ما خیلی آرزو خواهند شد. من به طبیعت ایشان خوب آشناشی دارم. نوایی نگاهی نفرت بار بسوی او انداخت و آنگاه خطاب به نظام اسلام گفت:

شاعر فرمان را در حب گذاشت و با ممتاز طرف در واژه روان شد.

فصل شانزدهم

-۱-

اوآخر فصل خزان است، زستان که به تبلی از راه میرسد، هنوز جبرة خود را نمایان نکرده.

نفس حاضرین قیدش دشمنان شاعر تو ایستاده تو ایست به نیست صفر من به این جهت مسله بی برد، باید بروی توضیح داد جنایتی بزرگتر از حمایت جنایتکاران وجود ندارد.

درست مائند روز های بهار، حرارت مطبوع خود را نثار میکند، درختان باغ بالا وان طلا بی پیچ و تاب میخورند، برگهای زرین یکی بعد دیگر باز امی و تبلی فرو میزند و بر زمین تصادفی معنای دارد.

نوایی باز هر خنده اورا مخاطب ساخت: - جوانان آبرومند و محترم؟ چطور میتوان مطبوع خزان غرق تکر در پیش امون دکر گونی های طبیعت و زندگی و دستخوش آلوده اند، مورد احترام قرار داد... دوستم؟ نوایی به یکی از منشان خطاب کرد فرمانی

فصل چهاردهم

۱۰ - ۱۱ - ۱۲ -

ترجمه: ح، ش

علی‌شیر نوایی

- باکی تاردد، برای اجسام یک امر مهم آمدام.

مجددالدین باتسبی مصنوعی گفت:

- یعنی؟ شاید ماراهم از آن امر مطلع گردانند.

- بعقیده کمیته ذواتی که در اینجا وجود دارند میباید ازین امر آگاهی داشته باشند. نظریه یک سلسه معلوماتی که در دسترس سی من است کویا درینجا برای توقیف، قاتلان دختر بافته برخی ملاحظات و مشکلاتی وجود دارد، میخواستم عوامل و اسباب این‌ها نعم را بدانم.

مجددالدین طوری به چشمان حاضرین نگاه کرد که کویی میخواهد آنها را با خود همراهی بسازد و گفت:

در حقیقت این مسله خیلی نازک و حساس است، مشکل اساسی ازینجا نشان میکند که تیتوان در زمینه برخلا ف آرزوی شهزاده مظفر میرزا رسمت به کار برد، نوایی پرسید.

غمبر از شهزاده، چه موافع دیگری وجود دارد؟

مجددالدین سرخ و سیز شد، برای اینکه چشمان خود را بتواند بزمین نگاه کرد و با سر اینگکی جواب داد:

ملاحظات دیگر اهمیتی ندارد، نوایی بطرف همه نظر انداخت.

- سپاس خدایبرا که هنوز در گشور معا حکومت، حکمرانه قانون و حقوق وجود دارد هر کام از کس جنایتی سر بزنند، باید آنرا اورد تحقیق فرازداد و جنایتکار را متناسب به جرمی که از تکاب کرده مجازات نمود. در عکس آن نمی توان مملکت را اداره کرد، همکن لیست در مورد بینگوئه اعمال ناشا یسته برای احتمی حقوق و امتیاز جداییه قابل شد.

خود شاعر را در باره این اثر بعنوان دلیل ذکر کرد. خسرو چندین گفتاره بود؛ هر گاه روز گار فرار شد که در ازدگر گونی زمان، تمام نظم های من از صحته گیتی محو گردد، در آن صورت اگر فقط یک قصیده ام در بای ابزار باقی بماند، برای من بستنده خواهد بود.

هر آنکه این اثر مر بخواهد، بقوت و توانایی من در شعر بی خواهد برد

جامی با شنیدن نظریات نوایی درین زمینه سکوت اختبار کرده بود. نوایی حالابه معنی آن سکوت بی میرد که بالاخره این اثر را بوجود آورده است او با خود اندیشید، معلوم میشود که ستایش خسرو تاین حد در حضور جامی اشتباه آمیز بوده است! اما ناگهان رنگ تبسم بر چهره اش میکرد.

(ادامه دارد)

همینکه وابی میخواست ۱ جازه پر گشته بکیرد، شاعر کهنسال با اشاره‌ی که معنی کمی توقف کنید را خاده میمود، درین کتاب بهایی که

پیرامونش چیده شده بود، به

جستجو پرداخت و یک دسته کا غذ بی پشتی راکه بشکل کتاب دوخته شده بود، بی تقدیم کرد. فوری کتابرا در همانجا ورق زد بحر البار!

با یک نظر بی برد که بجواب قصیده دریای ابرار امیر خسرو سروده شده است... جامی بلاورنگ یا چتمنان شاعر نظر کرد. برچمراه او تبسم کرم غرور آمیز مشاهده کرد که بر کسی کران نمی آمد. نوایی دفعتا صحبت قبلی را بحاطر آورد. باز هم چشمان خود را در لای ورقها پنهان ساخت گویی او نوعی انفعال احساس میکرد.

یکی دو هفته قبل در همین خانه، ضمن صحبت با جامی پیرامون آثار امیر خسرو، نوایی خانه افسوس نگر خسرو را با تهایت صمیمیت و حرارت متود و مخصوصاً دریای ابرار او را رهگذر ابراز داشت.

بهایی بس بلند قایل شد. سخنان

- انشاء الله بر دشمنان حقیقت و بر بیساد گران چیزه میگردید. هام در راه دفاع ازین امر پیوسته حاضر و آماده ایم. جامی مخصوصاً جمله اخیر را بایمان راسخ افهار داشت. نوایی خاطر نشان ساخت که ممکن است تمام فصل زستان را در مرد و باقی بماند، مخصوصاً در مورد اینکه اخیراً قلبش به خلوات و سکوت تعامل برختر نشان میدهد از برخورد بالا هل سرای احساس خستگی میکند سخن گفت:

حيات فقیرانه، محیط پراز جلوه

های معنی رنگارنگ این مرد بزرگوار که شهرنش در کوش و کنار جهان می بیجید، قلب نوایی را گرویده خود میساخت و دلش را بسوی دلیای معنی آزادار علایق میگانید. او طبیعتادر و پیش صفت بود، این خصلت گاهی در قلب او نلاطم های نیرومندی را بر می انگیخت، امتحن تایب این وضع بسوی در ویشی روی نمی آورد، بلکه به انجام وظایف انسانی خود در برابر صردم و جامعه به سعادت و شاد کامن انسانها، به دیواری میراب شده از چشمۀ عدالت و نور انسانیت، توجه میمود. (گل زندگی) در قلب او بالاودن نازه پر فروع، لبریز از طراوت و شادی میشگفت. جامی این قصیلت دوست خود را عمیقاً درک میگرد و آنرا شایسته حرمت

نماید. آیا جناب عالی شان ازین موضوع اطلاع داشتند؟

جامعی پاسخ داد:

- دیروز عدهای از شهزاد گان و بیک ها اینجا آمدند بودند، از آنها شنیدم میمیں با روشن دامن گفت سلطنت از اوامر سلطان یک و چیمه است!

- استقلال ضمیر و خرد و اطاعت ازو امر آنها مقدس است.

جامعی که از نقاط ضعف خاقان، نخن و گفتاره اهتمامات مجلدالدین، بیک ها و حلقة های وابسته به سرای، نسبت به نوایی کاملاً آگاهی داشت، ازین وضع سخت برآشته میگردید و نسبت به دستان گشیف و آلدۀ ای که وجودان یاک شاعر بزرگ و شخصیت بی نظر زمان را گرم هاج حملات خویش قرار میدادند، سخت اظهار تنفر میگرد. او پاور داشت که نوایی میتواند بیاری ذکای سرشار خود نیرو های متعدد و سرگش را بسود مردم و دولت مهار کند، جلویداد و تعاون را بگیرد و به عمق کار های که نوایی آغاز کرده بود، بی میگرد و از همین رهگذر طرفدار آن نبود که نوایی کاملاً از کار های دولت گناره گیرد.

جامعی با اعتماد واطمنان همیشگی گفت:

- خدمت در راه سعادت و آرامش مردم.

خدمت در راه خدماست.

نوایی دست بر سینه گذاشته خطاب به شاعر کهنسال اظهار داشت:

- بنده نیز دیوانه وار گرویدن این اندیشه است. حالا میدام برای انسانی که در خدمت سرای قرار میگیرد لازم بوده است تا نکنک و بسخر کت باشد، اعمال قبیح و وزشت را نادیده انکار و هر گاه از راز های رده بردازد، رذیانش بریده میشده است و این دشوار تر از هر کار دیگری است. من نمیتوانم امری مشکلتر و طاقت فرسان را ازین تصور نمایم.

جامعی مدتن در سکوت فرو رفت، فسق و فجور موجود در سرای و اتحاد معنوی روز افزون خاقان را در لظر مجسم ساخت.. طبیعی بودن اختناقی راکه برای نوایی در آن محظوظ است و فشار ی راکه از ناحیه وجدان بروی وارد می آید، باز هم عمیقت احساس کرد، او با تمام طبیعت سویقانه خود به پیروزی حفیت ایمان داشت.



۹۶۲۲۲

جهانگرد

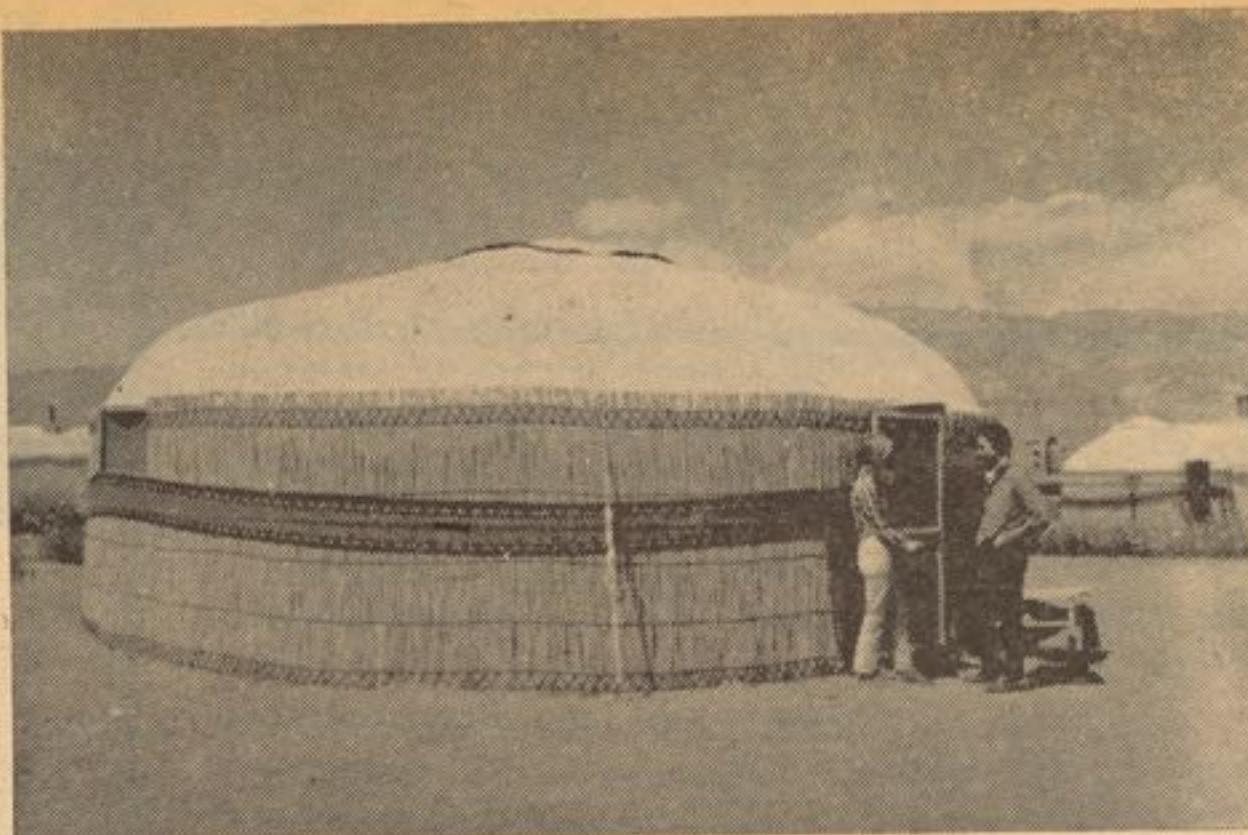
در سال

از ۱۹۷۴

کشورها

دیدن

کودا



خرگاه های محلی که عمه و سابل آسایش در آن تعییه بوده و با دیزاین جالب آراسته می باشد.

وی علاوه عیکند:

- در سال ۱۹۶۴ در جوگات گرخندوی اداره بین‌النما (افغان تور) بیان آمد، که با وسائل نقلیه مجیز، از گروپ های خارجی پذیرایی کند، این اداره مسوول تر تیپ رعنی و تدارک محل بود و باش برای سیاحان در داخل کشور می باشد.

مدیر تبلیغات گرخندوی میگوید:

- یکی از فعالیت های این هو سسه معرفی افغانستان به جهان خارج است، که با بخش پوسترها، برو شور ها و سایر نشرات هعرف فرهنگ، تاریخ و ادب افغانستان، انجام میدهد.

عینچنان انترا ک در بجا معین المللي - تور یزم و چاب کتب و هنرمنی نقاط باستانی افغانستان، نیز به همین منظور، از طریق گرخندوی صورت میگیرد.

نحوه دیگر فعالیت های ماتیبه و سایه ترانسپورتی، تدارک جای و فرآهم آوری- تسهیلات برای خارجی هایی که از کشورها دیدن میکنند، این خدمات توسط اداره افغان تور صورت میگیرد.

وی در مورد این اداره میگوید:

- افغان تور باشی از یکپیار آ ۳۱ نس مسافرتی بین المللي تماس دارد، گروپ های جهانگردان توسط این آژانسها، به افغان تور، معرفی میشوند و این اداره توسط و سایل نقلیه ذهنی مجسّه خود، آنرا در داخل کشور پذیرایی نموده و جریان سفر شان - را در افغانستان و باز دید از گوشه های دلچسب کشور تنظیم میکند.

موسسه گرخندوی تشکیلات خاص در ولایت بامیان برای پذیرایی از سیاحان دارد هتل اختصاصی و خرگاه های محلی گرخندوی در آنها، برای اقا هت جهانگردان ۱ خصوص داده شده است. شخص خرگاه محلی که دیزین و سایل آن همه، شبیه خرگاه های

از نگاه اورود سیاحان بود، چه درین زیع سال وعوامل اقتصادی و سیاسی دیگری سبب شد.

بیش از (۳۴۳۱۳) نفره افغانستان وارد شدند

تاکراف تعداد جهانگردان در کشور های در حالیکه رقم آن در ربع او ل (۱۳۸۶۹) در -

تورستیک در سال های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ یکبار

بایس باید قبل ازین سال ها علا قمندی -

نفر بود. هاباطر ح برو گرام های تازه خود،

اعیادوار هستیم که ورود سیا حان را به کشور

طوری تنظیم کنیم که در فضو ل دیگرسال نیز،

سالانه هزاران سیاح قم به کشور های

رقم آنها نایت وقابل تو جه باشد، چنانچه

متلبخ سیو ت عنعنی بز کشی در ماه مارچ

باعث شد، تا دسته دسته خار جان فقط برای

نمایشی این مسابقات که در جهان بی نظیر و

برای دیدن نقاط دلچسب و تاریخی کشورهایه

افغانستان آمدند این رقم در سال ۱۹۷۱ به

«۱۱۳۱۰» نفر رسیده ولی همانطوریکه گفتیم

سال‌های بعد به اثر بعراضا ت اقتصادی و

سازی از تعداد سیاحان کاسته شده و در سال

۱۹۷۳ به ۹۱۶۶۲ نفر رسید ..

گرخندوی که یکانه هو سسه تنظیم امسور

تورستیک در افغانستان است، د رسال

۱۹۷۴ با تطبق بعضی برو گرام های موئسر

وابتكارات اساسی مطابق خواسته های دولت

جمهوری توانت تا از کا هش رو ز فزون -

سیاحان به کشور جلو گیری نماید و برای

جلب بیشتر جهان گردان قسم هایی بر دارد

سوال دیگر را درباره تایخجه گر گرخندوی

این تلاشها زود نتیجه داد چنانچه احصاییه

های اخیر نشان مید هد که در طی سال ۱۹۷۴

گراف جهانگردان خار جی که از افغانستان

دیدن گرده اند، به ۹۶۲۲ نفر بالغ گردد.

مستقل مطبوعات آن زمان تاسیس گردید و چند

گرخندوی در گفتگوی کو تا هی که باوی داشتم

در آغاز هدف از تاسیس آن، پذیرایی از یکعده

در سال ۷۴ از راه اسلام قلعه (۳۸۸۲۹) محدود مور خین و داشتمدان بود که بکشور

نراز طریق تور خم (۳۶۵۱۲) نفره از راه -

مامی آمدن، اهمیت توریزم در جهان و هجوم

خارجیان بسوی کشور ما، سبب شد تا

گرخندوی توسعه بینا کند و بیخت یک

میدان هوایی بین اعلی کابل (۱۷۸۹۰) نفر

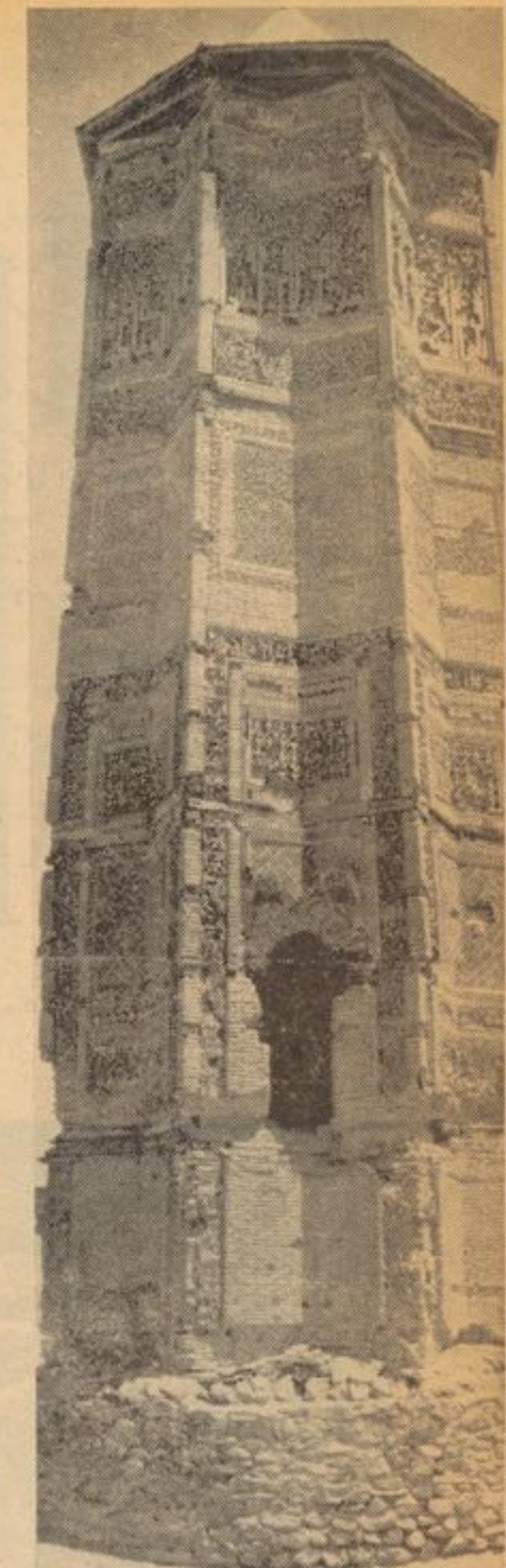
ساحبه افغانستان سفر گرده اند.

موسسه مکمل بمنظور پذیرایی از باز دید

کنندگان خارجی از کشور و ارایه معلوم مات

وی افزود: دریج سو م سال در حقیقت بهترین قصل

موئی درباره افغانستان به فما لیت پردازد.



این مینار هعرف علمت و بزرگی نزدیکی
می باشد

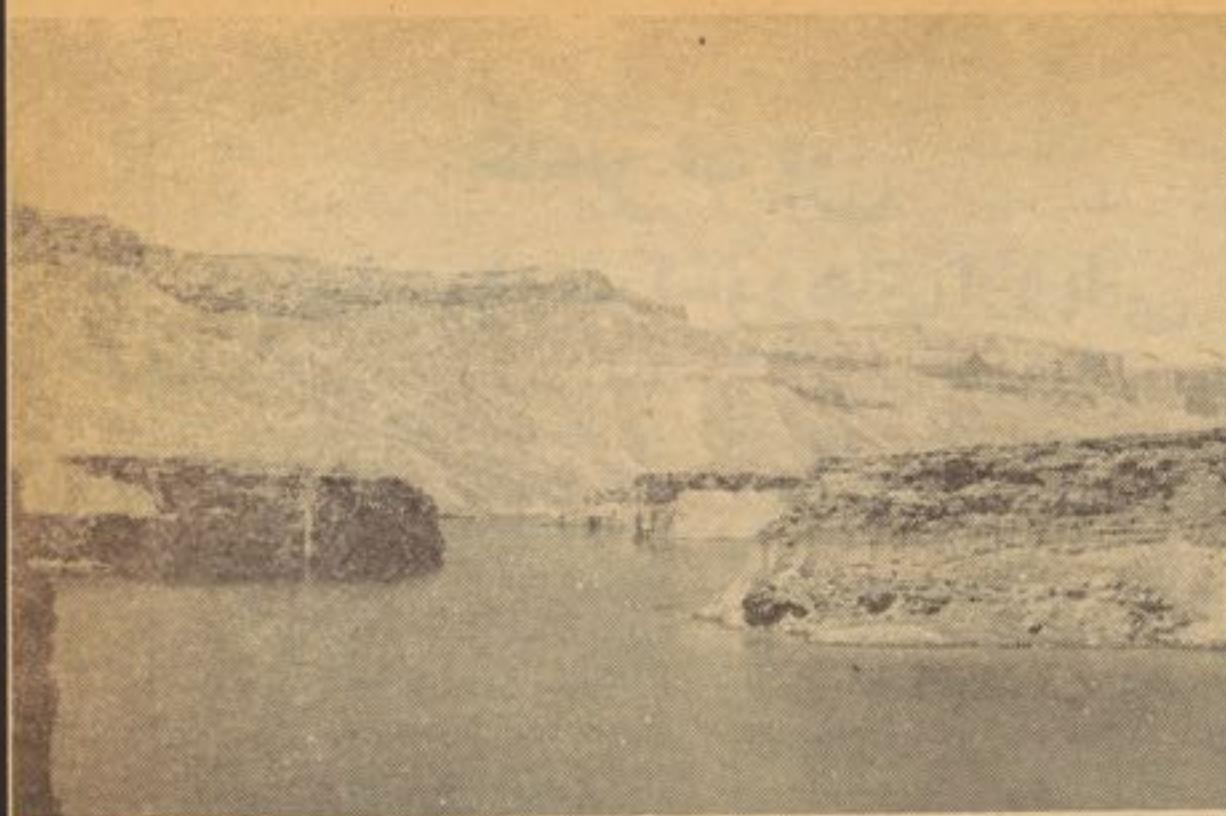
از گل احمد زهاب نوابی

افغانستان

سوزه

دلخواه

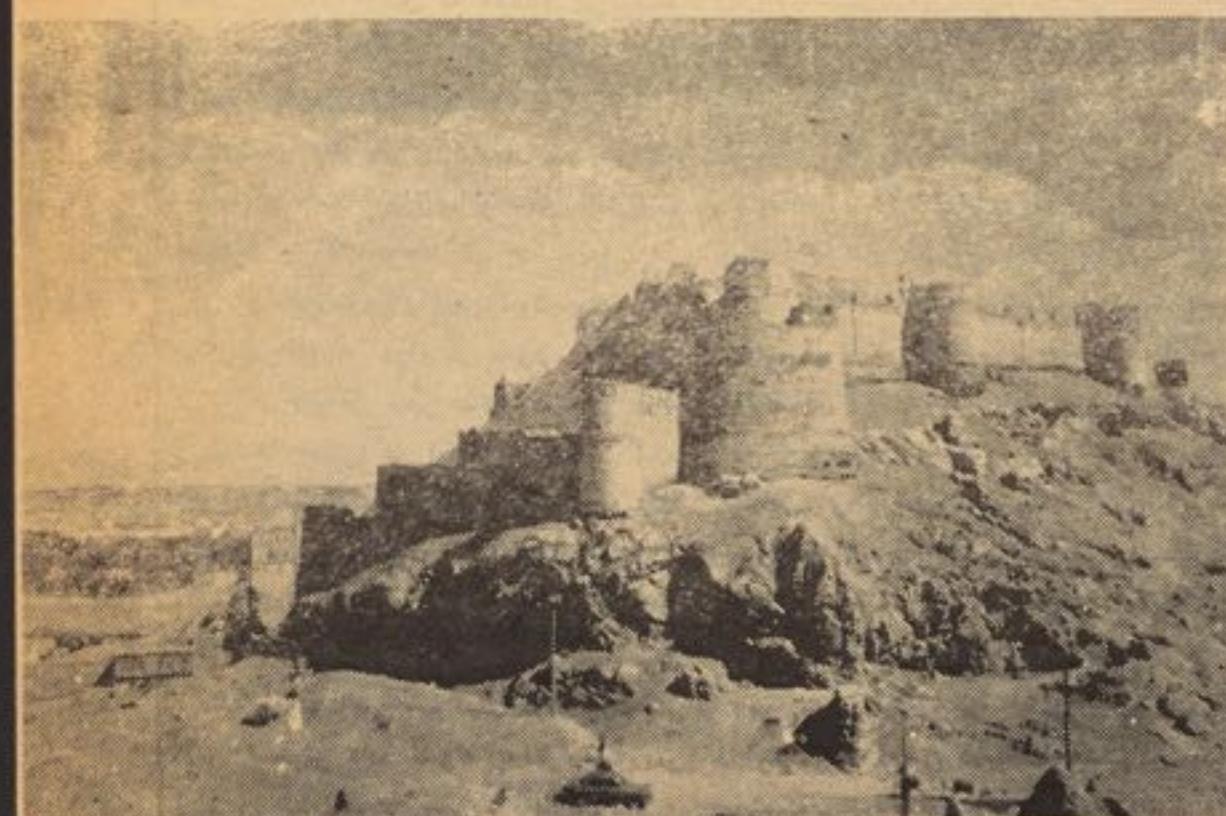
نوریستهان



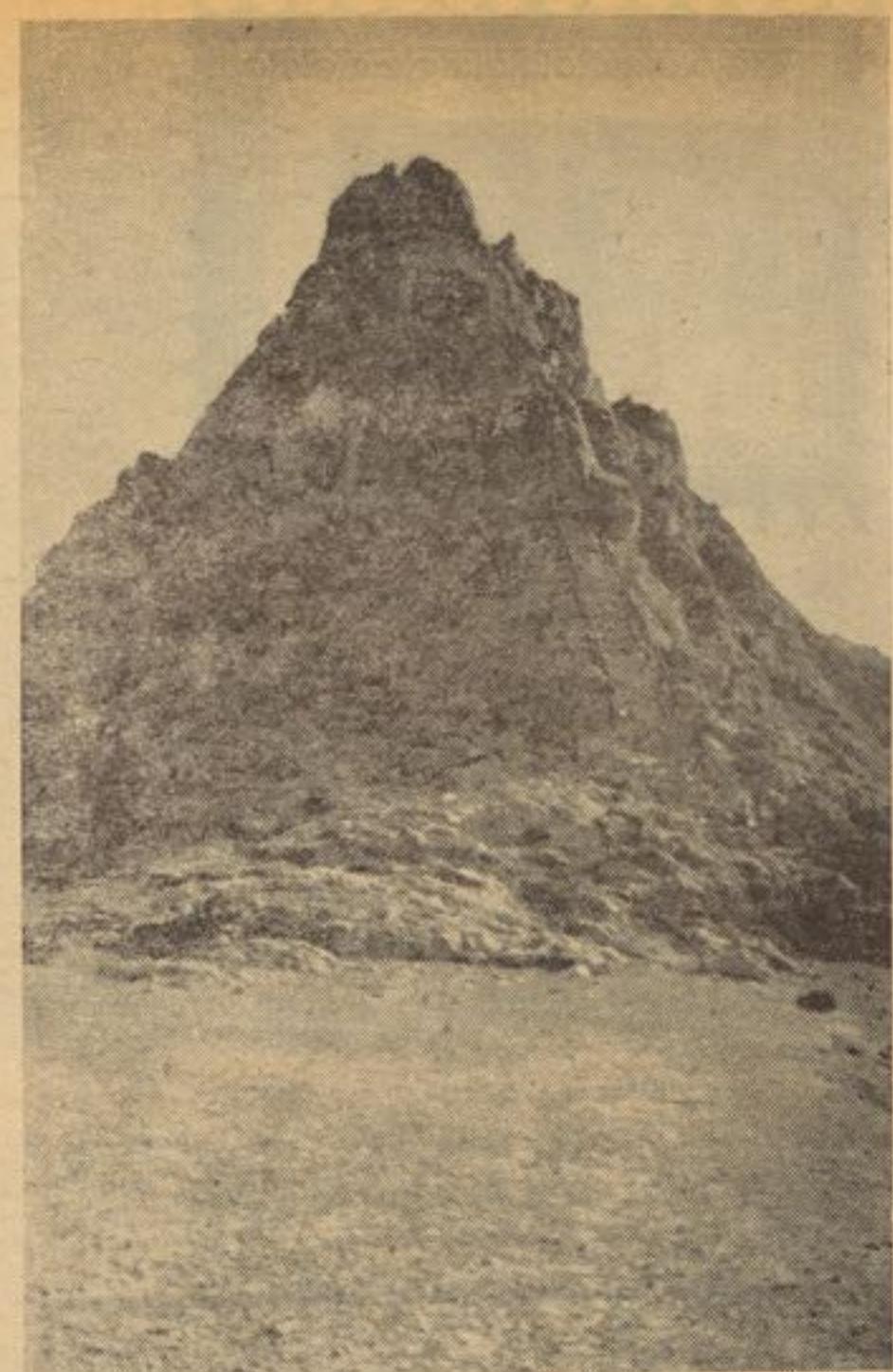
بند امیر از شگهار های طبیعت در دل کوهستان های مرکزی وطن ما



استویه گلدره نمود عربستان وردم ما



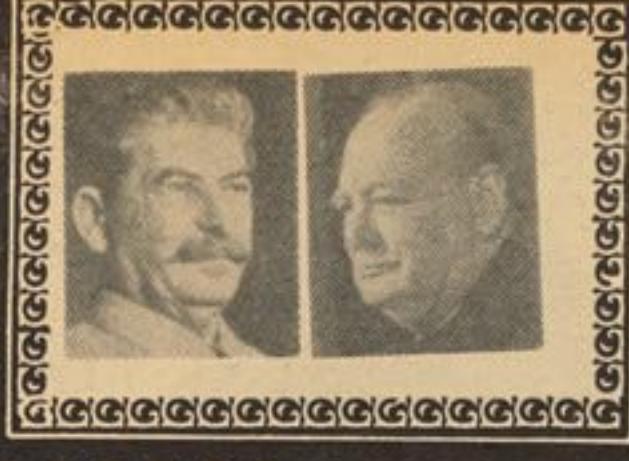
بالا حصار کابل یا خاطره بجلل شکستها و قهر مانی ها



چهل زینه کندوار اعجوبة صنعت و معهاری

پیاده گردی؛ صید هاهی و شکار برای سیما حان خار جی در کشور همه همای گردیده است

اردم صفحات شهل کشور است برای اقامات مکورید: سو سمه بین المللی و دیزم تصویب شده است. دریانه علاوه نهاد، دریابان ن توبه و نسبت تردد ناسال ۱۹۷۵ بعیت سال بین المللی توریزم در کشور عای جنو ب آسیا تجلیل شاغلی رو بسان ، دریازه برو گرام عای کرده کشور هی این حوزه که نامن نازه گرخندوی هیگوید: از این آخر برو گرام های پیاده گردی در ساحات مساعد کشور شکار، صید هاهی - خالدار ، گهینوردی و سوار کاری رانیز برای راتجذیل میکنند. سفر لانکا، فیمال ، بنگلہ دیش و منکولیام باشد. با بر و گرام هی اختصاصی این سال علاقه مندان خار جی در نظر گرفته ایم و امید - تولید یک فلم مشترک که برای جلب دارم این برو گرام ها سبب جلب بیشتر - سیحان به این مطالب موثر است ، همین اکنون به استراک افغانستان ، در هندر حال وی در اخیر این گفت و شنود راجع به سال تکمیل است و برو سور اختصاص مشترک سیمان گردان با افغانستان گردد. من المللی توریزم در همها لک حوزه جنوب آسیا در جهان آماده چاپ شده است .



مارشال ستالین

جرجل

فرار یک سرباز: ۱۵ کیلو متر دورتر از سرحد غربی اتحاد شوروی از داخل شهر مستحکم بر سرتیپ توپخانه یکی از سر بازان آلمانی بنام (دلفرد سکو) گردان هاینس گودریان مؤذن‌قوای ترک‌دار در فریاد تبلیغ از دریایی برداشت (سر جند رومانیه و شوروی) شناکان بخارا اتحاد شوروی امان نخستین عملیات و پیشرفت قوارا تماساً پیشود وی در خاطرات خود تذکر نمود. دریخت و پیوسته‌های پیش‌فراؤ روسها را از (ساعت سه و پانزده دقیقه شلیک نیروی دنبت ۲۱ جون بود ویک ساعت بعد رسالت توبه‌ای مانگاز یافت و پیوسته‌های چهل ارگان‌بریه عمومیه اتحاد شوروی او امری دقت نیاجم شدید هواپیماهای ستو کان می‌بینی بر اتخاذ تدا بین تدافعی مقابل تعریض عمد پرواز عملیات را دنبال نمود ساعت ۰۶:۰۰ آغاز شدند که این اولین پیش‌شارکنندگان «پوک» آلمان صادر نمود که این اولین پیش‌شارکنندگان «پوک» سلسله مراتب ساعت ۰۷:۰۰ به شعبات حرکات به پیشوی آغاز کرد این واحد هامانع از در هارسید و آن قطعاً نیکه در خطوط حدودی به فرقه‌های ۱۷ و ۱۸ زره‌دار بودند و به ۰۷:۰۰ بودند کمترین دستوری دریافت نکردند زیرا دفعه نخستین تانک‌های قرقه ۱۸ از دریا

- قسمت دوم -

بهای جنگ

دوم جهانی

محروم برآسانی نیروی آلمان ناچونت همه را تارو عبور نمود.

این ناتک هایکوی روز هیوشیاگی عوطف‌زن مار نموده بود.

۰۰۰

اقدا مات و تشیبات من همه
بصورت کمال و تمام علیه رو سیه
میباشد اگر غربی‌ها آنقدر کور باطن
واحمق باشند که منظور مرانقه‌مند
مجبور خواهم شد که با رو سبابیک
موافقه بر سم تا ابتدای غربی‌ها را
سر کوب نموده و بعد مقابل اتحاد
شوری شاگرز نمایم - روز نا همه
تاریخی ۹۳۹-۸-۱۱ هتلر به کار دل
بورک هارد

کارل بورکهارد مؤرخ و دیپلومات سویسی از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۰ یعنی شروع جنگ کمپسیار جامعه ملل در شیر دانزیگ بود که آنرا از سر بازان از گلوه های که مانند زاله بالای شان فرمی تقدیم کردند.

کتاب وی تقلیل قول نمودیم.

عصر ذهن در ترانسپورت کشورهای اروپائی

خط افسانوی اورنیت اکسپرس عیجان داده خواهد شد. شماره جاهنی پارکتگ در شیر خیلی‌ها کاهش خواهد یافت و جاده‌های هنگامیکه یک رشته ریل هابتا ریخ هجولای سال ۱۸۸۳ از یاریس بسوی قسطنطیه برآمد افتاد در مسافت توسط ریل عصر نوین آغاز یافته. این ترن لو کس که در طول راه مسافت ۸۱ ساعت اش ازین بسیاری کشیده‌است ایوان مردان و عمالک نقش بزرگی بازی نمود. این از یادیان قرن ۱۹ در اروپا شبکه خط ریل بزرگ و تندیک بهم که دارای ارتباطات جهانی بود بوجود آمده بود. اروپایی شدن راه های ریل در زمانی آغاز گردید که در مسورد ایجاد جامعه‌اتصای اروپا هنوز نصوری هم وجود نداشت.

سروصداوگاز های زهردار مشکلات شیر فرانکفورت نیز همانندیرا بلنم بسیاری از شیرهای بزرگ جهان میباشد. در طرح پالیسی ترانسپورتی فردای چمپوریت فدرالی ایلان باید این امر در نظر گرفته شود که در سال ۱۹۸۵ سه چهارم قسمت نفوس این کشور در مناطق شیری پسر خواهد بود. اگر افزایش استفاده از موتورهای شخصی درین مناطق آبادشده اجراه داده شود انتظار آن می‌رود که تصادم‌های ترافیکی بیشتر شده، صداوگاز های زهر اگرین صحت وسلامت مردم را بیش از اینکشافات این قاره به شمار می‌روند. مسافرینی که اکنون یک چوکنی یا یک بستر توسط گمپ و تر هادر فرانکفورت برای خود بیش کرایه میکنند اصلًا باین امر نمی‌اندیشند که راه بیهانی سان ازمان کشورهای اروپا بیشتر از نشجه پیشرفت‌های تغییکی می‌باشد.

بین سالیان ۱۹۶۳ و ۱۹۷۳ شبکه های راه موتور روزگار داده شده بودند گردیده و مجموع ۸۱۲۵ میل رسیده است. از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۴ تبا در آلمان فدرال شاهراه های آن گشود از ۱۶۶۹۰ میل به ۲۳۸۷۵ میل توسعه یافته است. موتورهای لاری بصورت بیهوده و مسلسل بروی این سرگاههای حمل اشیاء مصرف اند در سال ۱۹۷۲ در حدود ۱۹۳ میلیون تن اسیا بروی شاهراههای آلمان غرب می‌باشد. مثلاً مصرف توسعه و حفظ و مراقبه‌های اصلات زهی ایلی و هوایی ایلان غربی بین سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۵ در حدود ۲۷ میلیارد مارک تخمین گردیده است.

سرعت: ۱۲۵ میل فی ساعت: سرعت و برا بلم های مواصلات مدنی تنها محدود و منحصر به ایلان فدرال بوده و بسی سرحد می‌باشد. هر روزه در حدود ۳۰۰۰ فر کوینها کن یاروم سفر نماید بو شاخت خواهد دید که اگر هر کشور بصورت جداگانه در حل برا بلم های خوبش اقدام نماید کاری خواهد بود نامعمول. یک پالیسی واحد ترانسپورت برای اروپا باید مسائل کوئاگون عملی حمل و نقل می‌گردیده بود. بیشتر از نمی‌این‌عله توسط موتور می‌ایند. در صورتیکه بازدید گنبدگان را باین تعداد بیافزاریم تخفیف برای اروپا باید مسائل کوئاگون عملی حمل و نقل بین المللی را مد نظر بگیرد.

مشکله نموده اند که سرگهای فرانکفورت بیش ازین گسترش داده نشوند به خط ریل اروپایی این سبکه ریل که کوینها کن را باروم و لندن را بقیه در صفحه ۴۷

باعجیب ترین ملل گیتی آشنا شوید

۱- باوصول این نلکرام بلافاصله تمام
تجزیرات شفر تخریب گردید، دستگاه نلکراف
بحال غیر قابل استعمال در آورد شد.

۲- از آشنا خواهش میرود پسرعت لازمه
به پاسخی مولو نف اطلاع بدیند که یک خبر
غایل- برایش ازانه میکنند (...).

تلکراف فن شولنیورگ سفیر کبیر آلمانیس
از آخوند و حل نلکرام اندکی قبل از ساعت ۴
صیح یامستشار خود (کوستاف هیلنک) بدفتر

کار مولو نف حاضر شد وطبق وظیفه یک
نوته سراپا مبتدل را که حاکم ارشکستان بیمان
دوستی از طرف روسیه بود یا بعضی اتهامات
دیگر فرالت نمود و خلاصه اینکه از باعث عهد
شکنی و عدم رعایت مقررات معاهده اینکه فوهرر
(پیشوای آلمان) به تیره های نظامی آلمان امن
داده است که برای خشنی تهدیدات روسیه
با تمام وسایط وامکانات دست داشته مقابله
نماید (...).

چند دقیقه یک سکوت عمیق حکمر ماند
بعد مولو نف پرسید ،

(ایا نوته و بیانات شما حکم یک اعلان جنگ
رادارد ؟)

شولنیورگ که تصمیم هتلر را دیوای نکس
محض می بینداشت و می خواست کدام راه مسالمت
آمین جدید را بین هتلر و سنتالین جستجو نماید
با خیلی انگصار با زوان خود را بعلام اظهار
بیچارگی بلند نمود.

مولو نف پای برخاست و با حدت زیاد گفت:
(حرکات آلمان یک بیمان شکنی مطلق و عدوی
از سیستم های مودت و اعتماد است که در تاریخ
تغیر آن وجود ندارد علی را که آلمان برای
تهاجم خود بیان من کند بیانه های پوچ و
مزخرف است).

وزیر خارجه شوروی سپس با نوش خاص
افرود (این چیز را متصور نمی کردیم) در اخیر
خوسروانه دست عدو دیبلومات آلمان را
نشود.

هیبتکه مولو نف عربات اعلان جنگ را به
بولیت بورو خبرداد سنتالین خود را به کرسی
اندخت و پیور فرورفت و به آلس اصرار و
خشش زوکف و تیره های سرحدی امر داده شد
که تعرض دشمن را متوقف ساخته متجاوز را
ناید.

این اواخر بالاخره ساعت ۷ و یک ریبع تابه
قصمات کوچک صادر شد در صورتیکه تأثیت
قوای آلمان در تمام نقاط سرحدات روسیه را زیر
یا گذاشته و ساعت ها قبل همه وا لکد مال
نموده بود.

هتلر بتاریخ ۵ مرداد ۱۳۴۰ به درستی
وال قرار گاه خود جنرال هالدر
گفت:

روس ها مردم بی از ذش اند و
قوای نظامی آنها فاقد رهبران
لایق میباشد.

دیگر همچو یکشنبه عباوهی دهل ها
باقیه در صفحه ۴۶

هتلر به تاریخ ۳۱ مرداد ۱۹۴۰ به
جنرال هالدر امر داد

در خلال این کشمکش ها با یه کار
روسیه یکطرفه شود او پرسیمو ن
وقتی مفهوم دارد که ما این کشور را
بیک ضریب از پا در افغانیم یک
اندازه زمین را گرفت. کفايت نمی
کند زیرا توقف در زمستان خطر ناک
است.

از نیم شب به تمام هیکاران ستردرستین و
کمساریت های خلقی اتحاد تدبیر دفاعی
ایران گردید و ساعت دوازده و نیم این قضیه
به سنتالین خبر داده شد که به اساس اطلاع یکنفر
فراری در هر لحظه تعرض آلمان را باید انتظار
برد ساعت سه و هنده دقیقه اولین رایسر
پرواز دسته های نیروی هوایی آلمان « بلا
خانمه چند دقیقه بعد اولین بمباردمان از طرف
سوکاها خبر داده شد .

لوی درستین اتحاد شوروی گنور کن-کزوکت
با بیرون موضوع رایه کر ملین رایور داده
از دفایقی از طریق جنالیکه تو کریوال بود
پاستالین ارتباط قایم شد که ساده دفعه طول
کتسید ناانکه سنتالین کوشی را گرفت و زوکت
از روی هدایت خواست .

سنتالین خاموش ماند و همیکه زوک طالب
هدایت شد تنها صدای نفس کشیدن تندو
خشش اورا شنید بعداز تامل طولانی عاقبت
سنتالین امرداد تاهیات « بولیت بورو » دفتر میانی
حزب جمع گردند.

درین بین از نام شبکه های خطوط دفاعی
رایور هجوم آلمانها خبر داده می شد
ساعت ۴ و نیم اعصابی بولیت بورو جمع
امدند کمیسر دفاع تیم شنکو زوکت رایه
جنسه احضار گردند.
زوزف سنتالین بارنک پریده در حالیکه
پایپ پر شده بدستش بود گفت:
(ما باید پسرعت ممکنه سفیر آلمان را
احضار کنم).

سفیر آلمان درین فرصت حاضر به الجام
وظایف خود بود و می خواست راجع بیک مطلب
خیلی مهم بازیز امور خارجه اتحاد شوروی
(موتوتف) مذاکره کندر پسمن از طرف بولیت بورو
بهم مولو نف دستور داده شد تا بلاغ اسکله سفیر
را بذیرد.

هتلر بتاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۴۰ بیاوران
خود گفت :

اگر انسان این مجسمه غول پیکر
را بدوستی محکم بندی نماید قبل
از آنکه دنیا خبر شود پسریع ترین
فر صحت درهم خواهد شد شکست.

به ساعت سه شب تلکراف سفارت آلمان
مقیم ماسکو به تاک تاک آغاز نمود مدد لول
آن اینکه :

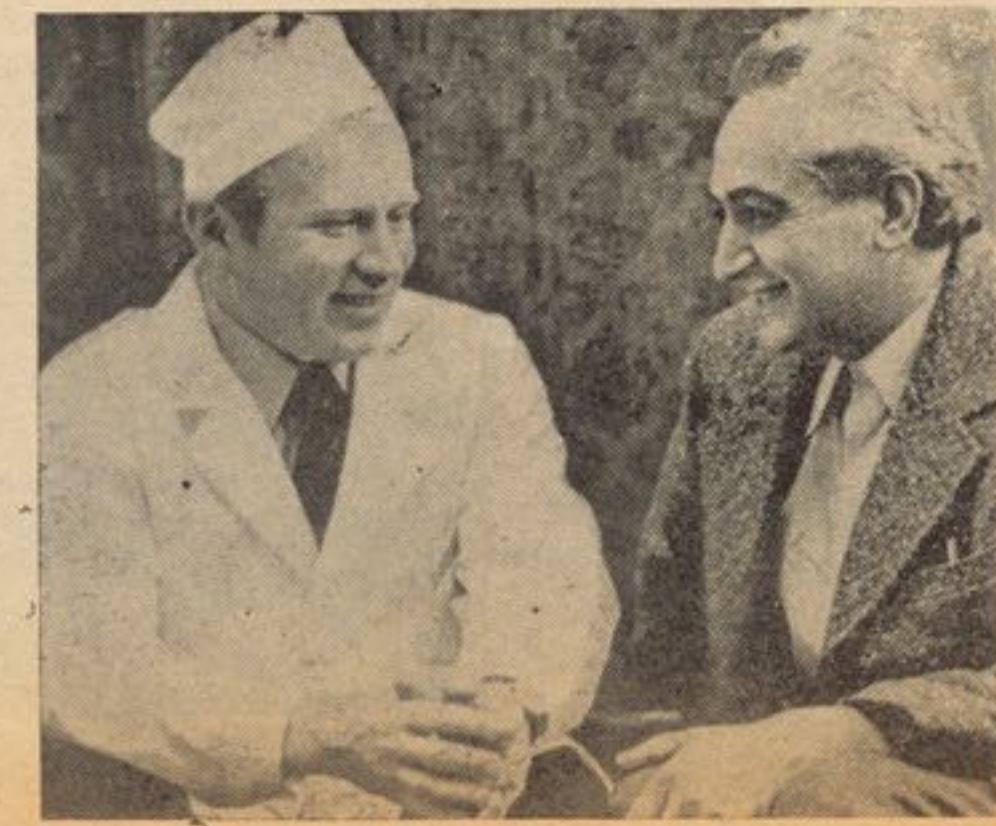
(دستور محظمه رایش - تنها برای شخص
سوزن - کلید محل شفر جداگانه و پیوست از برلین
خبر داده شد .



عدد از عساکر شوروی در اسارت سر بازان هیتلری



عساکر شکست خود رده هتلر با این ترتیب از جاده های ماسکو
عبور داده شد



ترجمه و تهیه: الجنیب عزیز الله کهگدا

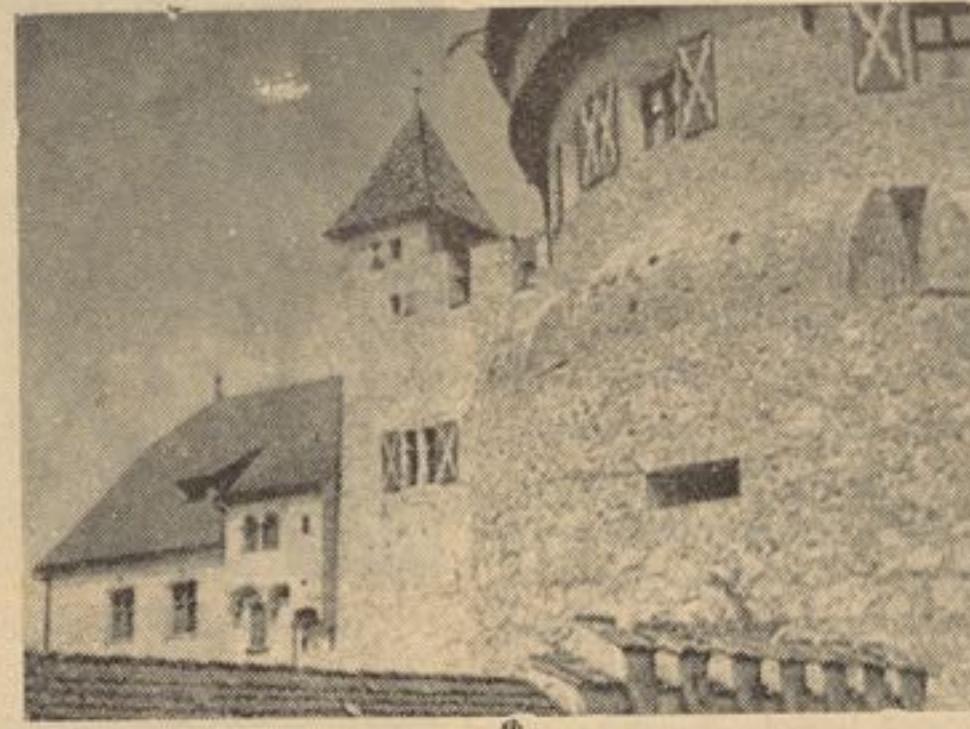
باعجب ترین ملل گیتی آشنا شوید

کشور ۲۰ هزار نفری

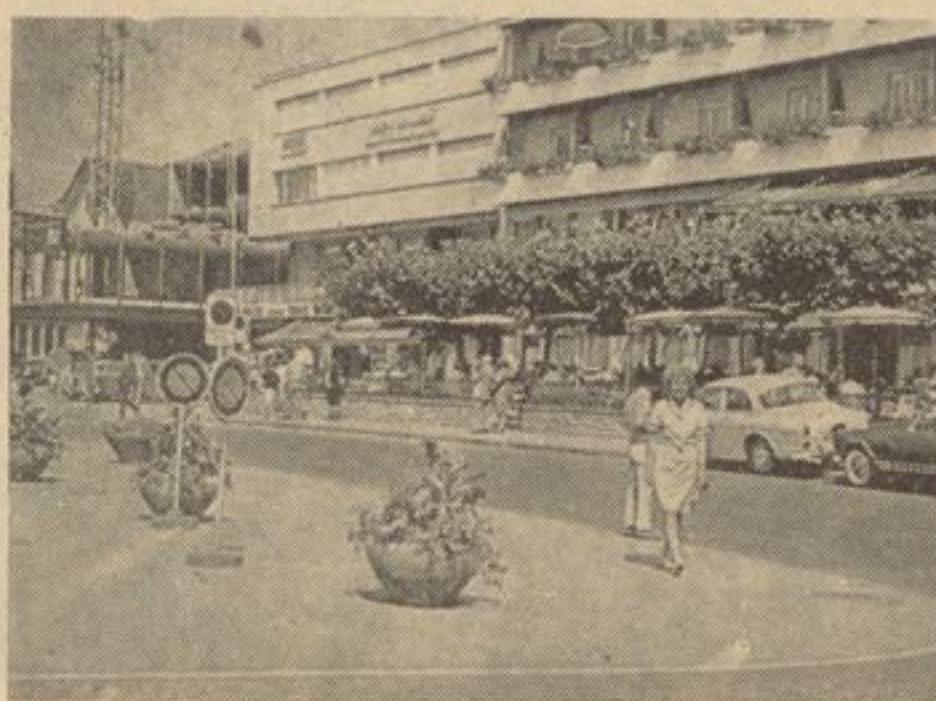
که حرم و مجرم در آن را هدایت لیختنشتین

اتحادیه کشورهای رن بشمار آورد و هنگامیکه این اتحادیه بایروس وارد چنگ شد پادشاه لیختنشتین نیز قوای هر کب از ۳۷ فر روزنهیدان چنگ کرد اما افسوس که گنگره برادران قرارداد صلح بایروس بسته بیشتر لیختنشتین را فراموش نمود و سلطنت زان دوم پسران اول که طولانی ترین دوره حکمرانی در تاریخ لیختنشتین بشمار میرود با مرگ او در سال ۱۹۲۹ پایان یافت و بعد ازاو برادرها ساله وی زمام حکومت را بدست گرفت.

وادوز پایتخت فنلاند این کشور باعتماد دوجاده فوارگرفته که باهم موازی اند و از طرف غرب بسوی قلعه کوههای آلپ پیش رفته است که در آن از دوردیوارهای قصر شهر مذکور بخوبی معلوم میشود. مهمترین قسمت شهر همان

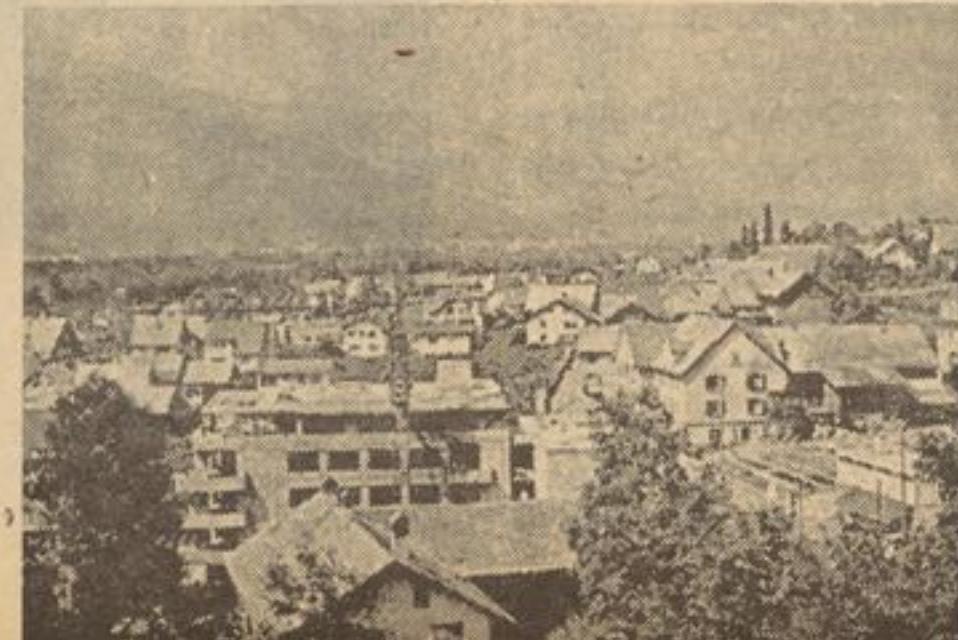


وسط نمایندگی میکند.



قسمت مرکزی پایتخت لیختنشتین که کافی، هتل، رستوران و فروشگاه بزرگ در همن محل تمرکز باقته اند. در مقابل این جاده وزیر نکت پستی که در سراسر چنان معروف است وجود دارد.

اویت اشتراوسی، چاده همومی میباشد که عمارت پستخانه هر کز لقل شوردا مشخص میسازد. در پستخانه یک بیرونی عظیمی همه روزه دیده میشود از اینکه چرا دیسته خانه آنقدر از حجم موجود است شاید تصویر گنید که اهالی این سرزمین به مکانیه علاقه منداند در حالیکه چنین نیست زیرا کشور لیختنشتین آنقدر کوچک است که احتیاج به ارسال مکتب ندارد تمام این از حجم هماناً بطبقه تویست است که عده بیشتر آثارهای آلمانی، سویسی، فرانسوی ایتالی و اتریشی تشکیل میشود. قبل از جنگ بودجه این کشور از عایدات دوفابریکه دندان هسته ای سازی تأمین میشود بهترین هشتادی لیختنشتین کشور آلمان بوده که ۱۹۶۹



کوشه ای از شهر وادوز پایتخت لیختنشتین.

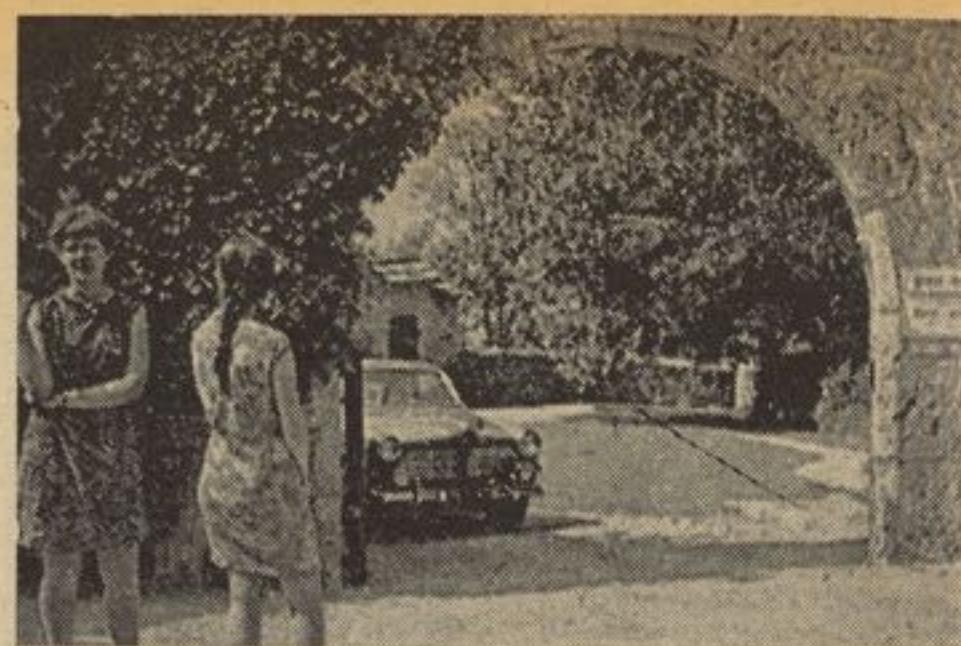
جادهایکه به امتداد دریای رن کشیده شده است طرف چپ آن قلل آلپ و بطرف راست وادی نسبتا هموار رن قرار دارد. در جوار دریای رن کشور کوچک لیختنشتین موقعیت دارد. این سرزمین کوهستانی که بواسطه دریای رن علیا بطول ۲۰۰۰ متر از اتریش چندان شده دارد دور از ماجراهای واندوههای سایر ملل اروپایی و زد خود رود جهانی در قلب اروپایان دوکشور هم زبان و کوهستانی زندگی میکند. لیختنشتین که یکی از جمله چهار کشور میکروسکوپی اروپایی میباشد مملکتی است بس زیبا و آرام پلی که بالای دریای رن بین سویس و لیختنشتین قرار دارد شکل بین المللی را داشته یکی از چهارراهی های میم اروپایی بشمار میگردد بعلاوه در زمان امپراتوری روم این راه مهم از طریق وادی دریای رن و کوتل اسپلوك بین میدونان ایتالیا و علاقه او گوست ویلن دیلکوم (در حال حاضر علاقه باوری) است.

یک طرف در یا برق سرخ، صلیب سفید سویزی لند و بطرف دیگری، برق آبی و سرخ شیزاده نشین لیختنشتین در اشتراز است کدام غرفه پاسبانان سرحدی در هر دو طرف دیده نمیشود تسباق بین سرحدات دو کشور آویخته شده اند حکایت از آن میکنند که فرمانروایان همانا برقهای سان میباشند و بعده برازیل چند دیگر بعده شهر پیش هزار نفری (وادوز) داخل میشوند که در حقیقت پایتخت این کشور تابلوها و آثاریکه بر دیوارهای قصر وادوز آویخته شده اند حکایت از آن میکنند که فرمانروایان مفتخر این سرزمین همواره شجاع و جنگجو بوده اند. الottیس یکی از حکمرانان لیختنشتین که دوستدار علم و هنر بود بر اثر اطلاع از وقایع انقلاب کبیر فرانسه سخت بیجان آمده و در همان هنگام قوای بکمال دولت برای جنگ با انقلابیون فرستاد. در ۱۸۵۰ الottیس وفات یافته و برادرش بسلطنت رسید این مرد که دیبلومات زبردستی پیشمار میرفت چنان ساختی پیش گرفت که چندی بعد تاپلیون کبیر این کشور را جزء دولت رسید و تراویتی که در بن قصر فراهم آمده انسازی بادا فسانه های ادوار قدیم میاندازد. قالین ها مجسمه های عظیم و شاعکار های تقاضی در عرصه چشم را خیره میکنند. توریست ها مدخلی بر آن میجوبند در هر طرف قصر به دروازه های بسته و یا تابلوی بریقات بیزنس داایی شخصی بر میخوردند و لی اگر بخت شان و در لحنندی برخوردن که دروازه قصر باز شود دواز آن در وحله اول یموزین «مور کالسکه» سیاه خارج میشود از اینکه گخواهد بود خدامید اند شاید مصاحب اهل دربار و با خود شیزاده باشد؟

اعضای این خانواده که امروز از قدیمترین خانواده های اروپایی و در عین حال یکی از آخرین خاندان های سلطنتی دنیا بشمار میروند هاست که براین سرزمین صلح و آزادی حکمرانی دارند. زان آدام پسر کلان این خانواده بسال ۱۱۶۹ کشور را به مبلغ یکصد و پنجاه هزار گرون خریداری کرد و پس

میرسد بیترین هوتل این کشور (انگل) و از شرق بغرب ۹ کیلومتر طول و عرض این «لیندی» میباشد علاوه بر آن منازل شخصی کشور میرسد که جمله ۱۵۷ کیلو متر هر بربع کواری نیز برای استقبال مسافرین آماده اند ساحه دا دربر میگردید به استفاده دریای دن زبنا بهمین حساب اهالی این کشور ویکاره هوتل وادی گرم، کوه های خلقه شده از باد های را درجهان قایم گرده است و سالانه یک سرد آبی و موازی بالا سلسه کوهی رینکان عایدات سرشاری را به چیز این کشور و به تعقیب آن وادی بلند دریای سامین وغیره درین ساحه کوچک جاه گرفته اند هردو طرف میریزاند.

بعد از شهزاده و صد راعظم، رئیس وادی رن با دیوارهای کوهی ملون بسته شده بولیس مهمترین شخص کشور بشمار میرود اندکه در قسمت سویس قرار دارند و در اوکه مشمول برقراری انتظامات است ولی وادی مذکور تماماً حیات اقتصادی و زراعی تاکنون هیچ معجزه ای درین کشور پیدا نشده یعنی همه قریه های زمین های زراعی و تاداره بولیس اورا تعقیب کند زیرا هردم فابریکات کشور مذکور تجمع گرده اندکه در لیختنشتین چنان ساکت و عاقل و خوش خلق تاسالهای اخیر اهالی از زراعت و تربیه حیوانات اندکه حتی فکر کار خلاف هم در مغایله آنها زندگی میگردند اکنون کشور زراعی و صنعتی



مدخل قصر که منعه را به خانواده شیخزاده نشین لیختنشتین میباشد.



در این جا نظری قصر وادوز را با چند نمونه از تکه های پستی این کشور ترسیم می شود.

هم ساله برای هریک از افراد المانی یک عدد ندان خریداری میگرد و لی امروز چون دیگر آلمانی برای خرید ندان هسته ای احتیاج ندارند از این تکه کشور لیختنشتین منبع عایداتی دیگری برای خودسرانگ کرده است و آنهم طبع تکت پستی میباشد لاسکن این تکه ها کمتر برای چسباندن بروی پاکت بکار میبرند زیرا کشور لیختنشتین آنقدر گوچک است که هیچ یک از افراد آن بفکر نوشتن مکتوب بیک دیگر نمی افتد و تنها طالبین تکه ها گلکسیونر های میلیونر و نادانی اندکه بولهای گزاف و بی شماری را برای خریداری سلسه های مختلف تکت پستی میبردازند. هر گاه بودجه کشور رویه گسر میگذارد فوراً یک سری تکت پستی انتشار میابد و سیلی از تروت بخواه دولت سرازیر میشود زیرا علاقمندان آن بجمع آوری تکه های قایل هدایت هنگفتی برای خریداری تکه ها میبردازند.

درین کشور از طفل گوچک تا کهن سالترین اعماق این سرزمین گوچکداری گلکسیون پستی میباشد. پسته جدیدی که از طبع می برآید شما خود پسته خانه را قیاس کنید که چه محشری در آنجا خواهد بود گلشته از همه بزرگترین ارزش را برای شخص شیخزاده دارد زیرا موصوف ۲۵ درصد پستی در همه جاه نصب است در پهلوی پسته خانه موژیم عالی تکت پستی فرادر دارد که در تمام جهان مشبور و ممتاز است درین موژیم تمام تکه های اتریش را که تا ۱۹۲۱ بطبع رسیده بوده ایوان مشاهده نموده که باعلافه زایدالوصیقی تزئین و مرتب شده اند و هزاران نفر توریست و دوستداران تکت پستی در آن دیده میشود بعد از آن تاریخ لیختنشتین شروع به طبع تکه های کشور خود نموده که بسیاری این تکه ها درویانا رسم و طبع شده است. در اوائل تکه ها صرف منحصر به منظره قصر، آثار تاریخی و تصویر شیخزاده بود و سپس در سالهای سی به تکه های که تصویر قلقل زیبا، وادی های سرسیز و سنا توریم ها تبدیل گردید. بعد از جنگ جهانی دوم سلسه شهر، شکار و سپس سلسه زیبا ترین رسمی و عکس ها از آثار رسمی های معروف لیختنشتین بطبع میرسید. عمارت پست و گلیسای زیبای مارکس شماره ۶

کردیده در سال ۱۹۴۱ پیشتر از ۴۰ فیصد خطرور نمیکند. درین کشور هیچکس جنایت ۱۸۷۳) و همچنین عمارت بهاروالی و بانک را بیاد ندارد و اگر هم در ۱۹۰۸ سختی از یک جمعیت این کشور د ر زراعت استغلال دارند لیختنشتین، بانک مویزد لند و دیگر بانک های قتل بینان آمد هیچگاه این موضوع بائیان در حالیکه امروز گمتر از پیش فیصله اهالی نرسید تازه اگر هم اتفاقاً یک جنایت واقعی دریف قرار دارند که برای چنین کشور گوچک در صنایع ماشینی و دستی مصروف اند و در در لیختنشتین روی بددهد چون قوانین این کشور چنین حادثه ای را پیش بینی نکرده اند حدود ۴۰ فابریکات خرد و بزرگ که از ۳۰- ناچار باید قاتل وایرانی سرحد های فرسنگی ۴۰ نفر کارگر در آن مشغول اندکه تمام اینجا بسیاری از همه بزرگترین ارزش بصورت درست و اتو ما تیکن فعال اند تولیدات درهایان کشورهای گوچک اروپایی لیختنشتین این کشور چنیست وارزش عالی را دارا اند. درهایان کشورهای گوچک اروپایی لیختنشتین این کشور چنیست وارزش عالی را دارا اند.

چوانترین کشور اروپایی بشمار میرود وجود پ تولیدات صنعتی لیختنشتین بصنایع ماشین این مملکت ابی در ۱۷۱۹ بوده و پنج سال آلات تکیه میکند بزرگترین فابریکه لیختنشتین پیش چش (۲۵۰) ساله کشور خویش را با فیرم سویس بنام (اورلیکون) میباشد علاوه بر فابریکات ماشین الات در لیختنشتین فابریکات هر اسام شانداری برگزار گردند. هرگزه و کنار کشور مذکور موجود است. دفتر مسافرتی لیختنشتین سیر علمی دنیک سازی، کتسرو، میوه جات و سامان در کشور گوچکی که جمعیت آن از پیش هزار اخلاق نیز وجود دارد که تو لیدات آن در اروپا در کشور گوچکی که جمعیت آن از پیش هزار میدارد و میتوان درحال حاضر ۶۰ هوتل نفر تجاوز نمیکند در هر یک هوتل موجود است که بهر ۳۳۳ نفر یک هوتل را عبور گرد از شمال بجنوب ۲۵ کیلو متر



بناغلی «رنه ابی» وزیر معا د فرانسه که از تر میم و تعمیر منزل خود در «مانترگران، مراقبتی نماید خود نیز عملادور کار تعمیر اشترانک میورزد اینجا او «کراچی دستی مساله تعمیر را به محل کار نقل عملی میبردند، اینجا او تراکتور جویه کشی را هدایت مینماید.

بناغلی «رنه ابی» وزیر معا د فرانسه که از تر میم و تعمیر منزل خود در «مانترگران، مراقبتی نماید خود نیز عملادور کار تعمیر اشترانک میورزد اینجا او «کراچی دستی مساله تعمیر را به محل کار نقل میدهد.

لحظات در ت...

در عکس پایان بناغلی پانگو رئیس جمهور گابون با اعضای خانواده اش در محل سکنی واقع دامنه های (آلپ ماریتیم) دیده می شود. رئیس جمهور سی و شش ساله گابون که از جوا نترین رو سای جمهور کشور های افریقایی است با همسر و نه فرزندش و دیگر اعضای خانواده از حیات رسمی و تشریفاتی به میدان سکنی رو آورده است.



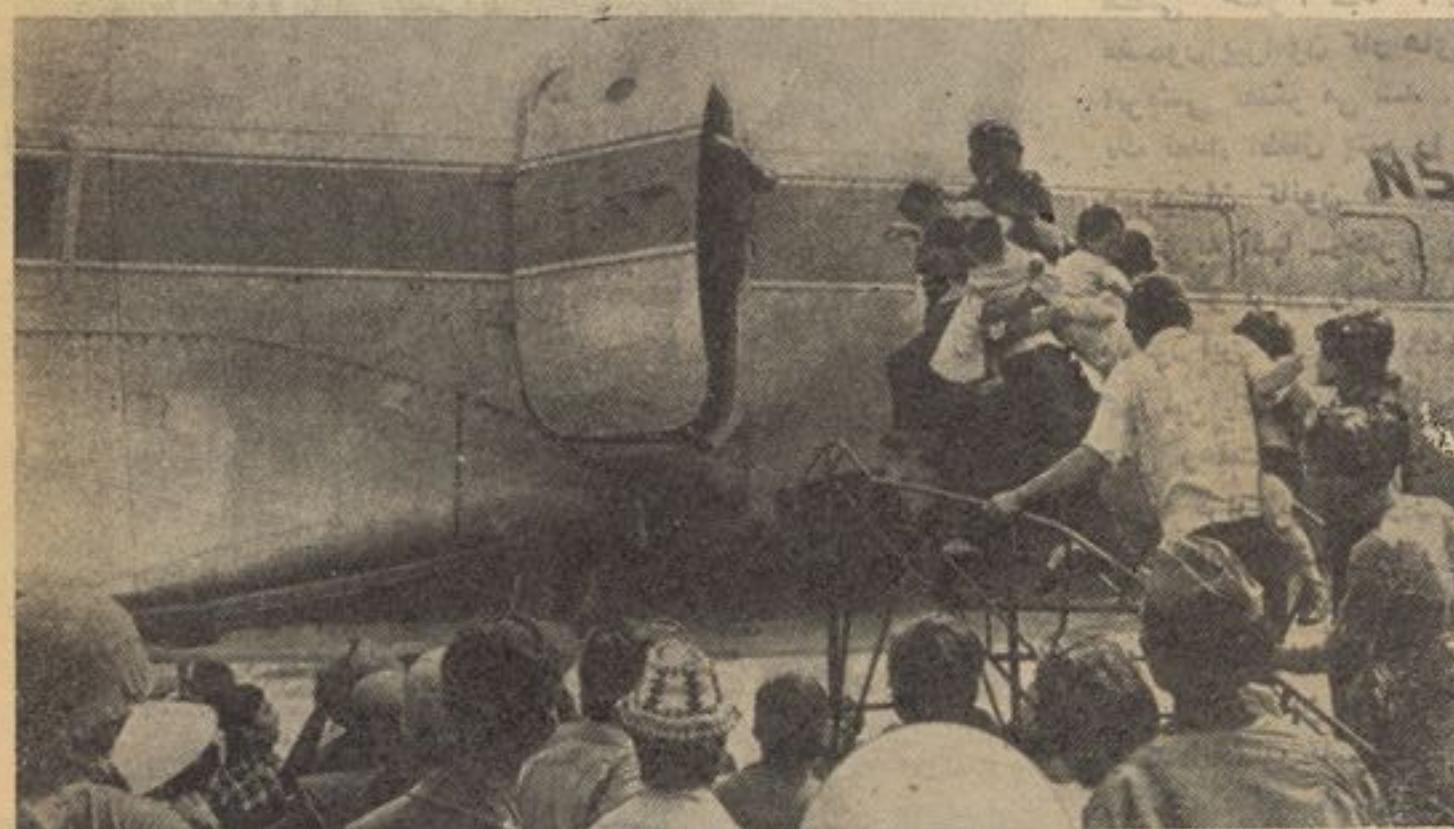


در قبر سtan خا نواذه سلطنتی
در ریاض، مزار مرحوم ملک فیصل
در جوار مقابر اجدادی وی دیده می
شود بعضی اعضا خا نواذه او بر
سر قبرش دیده می شوند.

د تصویر

طی سه هفته دوازده ولایت در
ویتنام سقوط کرد، اینجا چند تن از
عساکر هزیمت یافته و یتنامی در
حالتی دیده می شوند که میان افراد
ملکی ایکه سعی دارند از طریق بحر
ازویتنام خارج شوند در تلاش فرار
هستند مگر غافل از آنکه قوای طرف
مقابل راهها را از هر جانب قطع کرده
وکنترول جاره ها و معا بر را در
اختیار دارند.

طی راتیکه برای انتقال اطفال
ویتمانی مؤلفند پیو سته ما موریت
خود را انجام مید هند با اطفال برخی
از عساکر نیز فرار می نمایند.



تا در واژه دخول طیاره بسته نشده همه تلاش میورزند خود و اطفال شان زود تر موقع نجات یابند
با این حالت لحظه به لحظه میدان طیاره از هجوم کسانیکه سعی می کنند خود را نجات بد هند مزد حم
می شود.



ترجمه ع. رشنو

مادر نوشت

دوازده طفل بی گناه

این قصه دراز و زیبایی است
قصه‌ی که در شهرهای مورت و
میباشد که در همه جا می‌توان نمونه
موذل فرانسه واقع شده است.

آنرا سراغ کرد.
به این قصه قصر زیبا و مجللی
وقوع این قصه قصر زیبا و مجللی
مادرن کولاس از قصه‌های داغ و



مادرن و شش طفلىش



مادرن حین نشان دادن الیوم عکس هابرای اطفالش

صفحه ۳۴

انجام نه نفر طفل از طريق تامينات
اجتماعی در فبروری ۱۹۶۶ بروی
سپرده شد شش پسر و سه دختر
که سن آنها بين سه تا دوازده سال

قرار داشت. اينها کسانی بودند که
مادر شان را از دست داده بودند از
پدرانشان نيز سراجی نبود.

من بدیدن آنها به ايستگاه خط
آهن شرقی رفت. مادرن به نگهداری
و تنظيم اطفالش اشتغال داشت. هر
کدام ازین اطفال قطعی کاغذی با
خود حمل میکرد. بزرگترین آنها يك
سگ چوبی را برای کوچکترین
اطفال با خود میکشید درست پيش
از حرکت تون هیجانی نمودار شد.
يکی از قطعی ها گشوده شد و
محتو یاتش در ايستگاه بخش شد،
تون حرکت کرد واز نظر ناپدید شد
و بالاخره مادرن در يكی از اپارتمان
های نانسی جایگزین گردید. این
اپارتمان هفت اتاق داشت وی در
آنجا زندگی جدید فامیلی را آغاز
می‌کند در بر خورد نخست یکی از

اطفال از مادرن می‌پرسید:
این تویی که باید جانشین مادرم
شود؟

بدین ترتیب فامیلی تولد یافت
و سالها دوام گرد تا اینکه بار دیگر
آنان را دیدم درین هنگام هرده نفر
شان برای گله شستاندن تعطیلات
بسیاری ساحل در حرکت بودند.
پس از پایان تعطیلات با قلب و
چشممان پر از روشنایی بر گشتند
اما درین بر گشت سه طفل دیگر نیز
بر تعداد آنان افزوده شده بود.

اما اکنون آنها بزرگ شده‌اند
قانونی رسیده اند. گاهی با مادر
شان به مباحثه می‌پردازند چرا
نباشد با يك مادر حقیقی مباحثه نمود؟
ازین میان شانتال ازدواج گرده و
تحفه قشنگ یعنی يك پسر
نو زاد برای مادرن آورده است.

وقتی شش نفر دیگر این اطفا م
به سن قانونی رسیدند. ما دلن با
اطفال باقیمانده اند که احساس
تشابی نمود. لakin سه سال شده
که زندگی آنها پر جمب و جوش
شده است وجود سه طفل نوزاد
مربوط به اعضای فامیل، کانون خانواده
را گرم ساخته است، تا آنگاهی که
پدر مادرن زنده بود بوسی کمک میکرد
این پدر همراهان هر روز صبح اطفال
را به مکتب می‌رسانید. اما دیگر او
نیست.

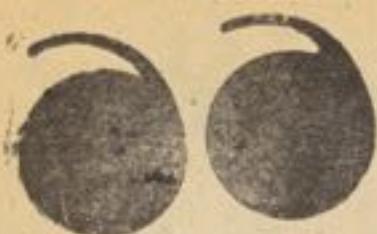
کرمی است که بایرونی پایان پذیرفت
در صورتی که شما دارای قلب
حساسی باشید می‌توانید عمق این
قصه را درک کنید.

قهرمان این قصه زنی است متو
طلایی بلند و مليح که اکنون چهل و
پنج سال دارد. ولی در ایام جوان نیش
هیچ چیز خاصی نسبت به سایر
دختران هم سن و سالش نداشت
همانند آنها بود پیشه معلمی داشت با
دفاتر و درایت کار میکرد. روزهای
کار هفته برای وی یک سان می‌
گذشت. روزهای یکشنبه یک
اندازه به فعالیت های سکاوتی می‌
پرداخت. در نتیجه این فعالیت های
مردم تماس پیدا می‌کرد با خود اتنی که
در فامیل ها رخ میداد آشنا می‌شد
درین ایام کمتر چیزی بر خاطر ش
ستگینی میکرد تا اینکه روزی وی
نضمونی را درباره روستا های که
بنام اس اواس یاد میشود در مجله
می‌خواند. درین
مضمون پیرامون کارهای یک دکتور
اتریشی گفتگو می‌شد. این دکتور
یک تعداد اطفال یتیم را جمع نموده
و برایشان کانون فامیلی ترتیب
داده و به آنها ساخت و پسر - لقب
خواهر و برادر را بخشید دکتور
مذکور این کار را در ۱۹۴۹ آغاز کرد
کار این دکتور در چار بر اعظم و در
چهل و هفت کشور سر مشق و
نمونه قرار گرفت و در یکصد و سه
دهکده ازین کشورها رواج یافت.

فرانسه در ۱۹۵۵ شامل حلقه
این ممالک شد و در عرصه بیست
سال نموده این نوع فامیل ها درنه
دهکده آنکشور تأسیس شد، تاسیس
اینگونه فامیل مستلزم وجود عناصر
مذهبی و قهرمانان نیست چه درین
قسمت بوجود زنی بر می‌خوریم که
هر نوع قربانی را متهم شده‌آزادی
و آرامش خویش را فدا ساخته و با
یک هزار و سه فرانک چنان زندگی
گرد که توانسته است به خنده و
دوست داشته باشد.

اداره این نوع فامیل ها احساس
وعواطف بکار دارد کاندید اداره فامیل
یک سال و دو سال و حتی بیشتر از
آن باید تفکر کند و آنگاه تصمیم
بگیرد.

بدینگونه بود که ما دلن کولاس
بادرفت مرکزی فامیل ها در تاماس
شد و آزمونهای متعددی را سپری
کرد با واقعیت زندگی درین نوع
فامیل ها آشنایی حاصل نمود. سر



نہ شمعہ : دہمتوں بتروف

دیده‌نگاری

مضامین ورزشی و آبیاری برای او
بر اکمیوز می نوشت آدم هستنی بنام
بابه پیبو که در میان حلقه های ادبی
شهر به این مشهور بود که از چهل
سال به این طرف یکانه داستانی را که
نوشته مرتب پاکنویس نموده به
حالات و حادثه مختلف از سال نموده

تر حمة ندما لكوند بالكوف

تماهها گران عبارت بودند از: می باشد برای قان خواهم خواند.
محصلین جوان که مخفیانه وغیر این داستان را به کار گری اهدا کردم
بخفیانه چیزک های می نوشند، جوا به کوستا این کارگر شریف گه
نانی که تازه پشت بوسیله اهونده بوزند ماهها با او یکجا بیسمر بردہ در یک بستر
یکان شعر از برداشتند، سلما نی با او خوابیده ام.
بیسمر که بنام مستعار و فیگارو درباره

در شهر کو چکی بنام (ک) سه رفیق جوان باهم یکجا بسر می بودند آنها عبارت بودند از، ایوان، کوستا دو شتره و کوستا نیکا های سه رفیق رفابریکه بکار خویش مشغول بودند واقعات شان بشکل یکنواخت میگذشت، به این معنی که قبل از ظهر آنها در قابریکه مشغول وظیفه بودند بعداز ظهر در جلسات انجمان های مختلف اشتراک نموده شب از هم متفرق میشدند، ایوان به یک محفل دائمی که در آن راجع به اینکه، (جلسه تشکیل دادن چیزی جز ضایع کردن وقت فیست) بحث میشد حضور می یافت و کوستا دنیکا رهسپار تپه کوچکی که در آن نزدیکی واقع بود، میشدند تا در آنجا حرکت ستار گان را با چشم انداز خود تعقیب کنند، این علاقه و مطالعه دقیق در عالم ستار گان آنها را به این نتیجه رسانید تا



وحالاممکن است به عرو سی رفت

حجرات وجود

رایکدام منظور منجمد می‌سازد

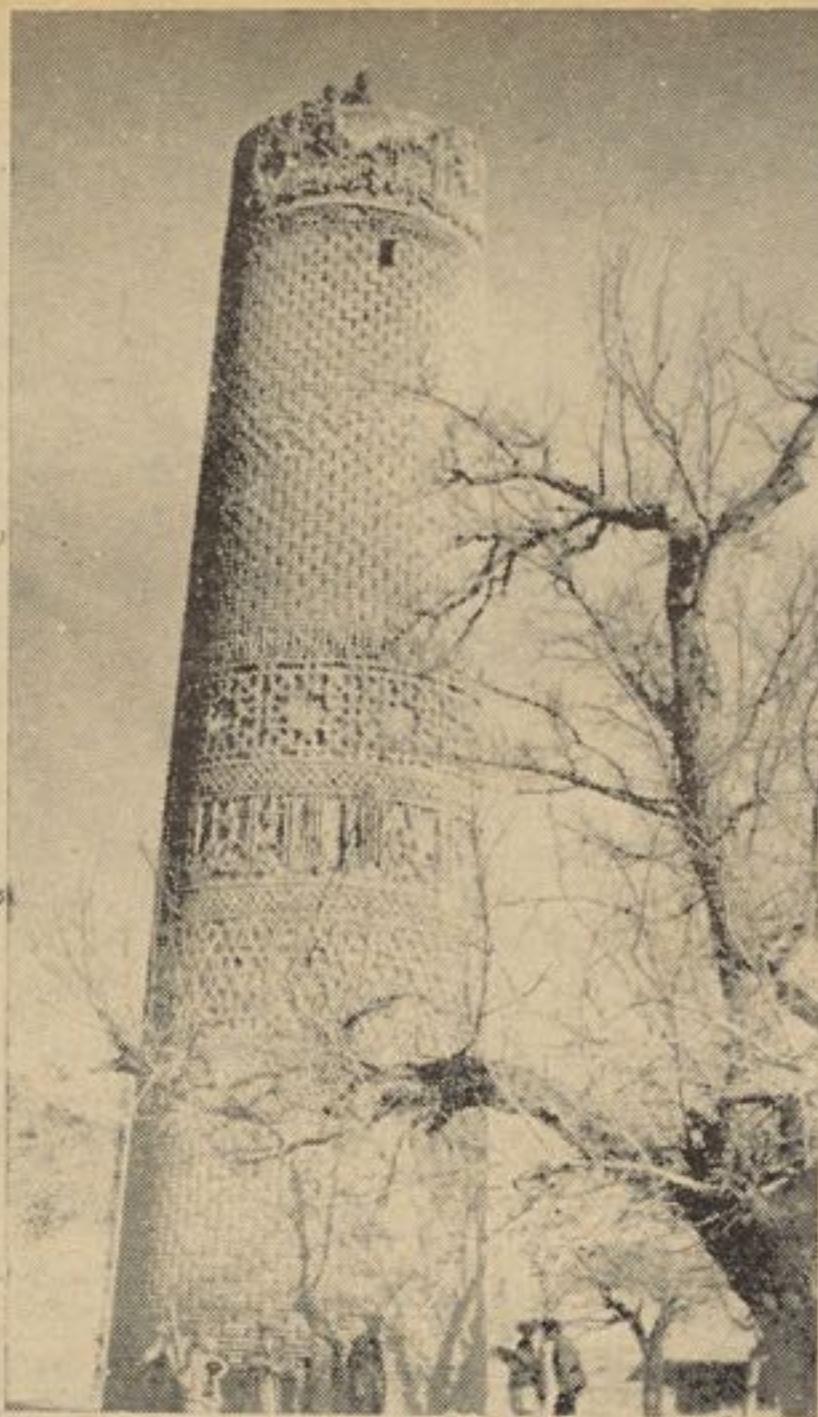
انجماد پس از مرگ می‌خواهد به این آرزو که ممکن جهان طبا بت شاید بعد از چندین سال سلول‌های بیخ زده را دو باره فعال می‌سازد. لحظات بین مرگ و زندگی یک مرحله منجمد سازند و تا زمانی در حال انجماد جسد اورا نگاه نمایند و این معضله معلوم شود که از گانیز م کانسر و شدّه انسان را طب احیاء نماید.

آیا کدام شا نسی برای احیاء دوباره از گانیز منجمد شده وجود دارد. آیا از تجزیه یک نسج بعد از مرگ میتوان جلو گیری نمود. اینها سوالاتی است که انتستیوت تحقیقاتی انجماد انسان در اتحاد شوروی معلو مات میدهد قرار یکه از اشتها رات طبی جهان غرب معلوم می‌شود هزا ران نفر که در آستانه مرگ قرار دارند زندگی و حیات دوباره را انتظار دارند. تنها در ایالات متحده امریکا این بار او ل نیست که چنین تحقیقات آغاز گردیده و برای این منظور کلینیک های انسانی و حقیقی بوجود آورده اند که اشخاص در آن منجمد شوند. زمانیکه شخصی در آستانه مرگ قطعی قرار گرفت و قلب او از حرکت باز ایستاده دقایق می‌گذرد خون و جود شکننده شده و بعوض آن محلول مخصوص گلسرین داخل می‌گردد زیرا این محلول در اثر برودت زیاد تیز منجمد نمی‌شود بعد از این عملیه انجماد جسد شروع می‌شود ابتدایک برودت منفی ۷۹ درجه سانتی گراد و بعد آن تو سط آزوت مایع منفی ۱۹۶ درجه منجمد می‌گردد و بالاخره جسد در تابوت های گرم‌ترکی جا داده شده و در یخچال های مخصوص نگهداری می‌شود.

درین اواخر سکته قلبی نیز به این علم مربوط شده و با استفاده از پر تسبیب‌ها و میتوهای این علم تا حال صد ها مریض قلب از مرگ نجات داده شده اند همچنان بسیاری از اشخاص مسموم و کسانیکه به خون ریزی های شدید دچار شده‌اند با استفاده از اصول این علم نجات داده شده‌اند.

تجاربی که تا حال از این علم بدست آمده و استناد علمی ثابت می‌سازد چنین امیدواری پیدا شده که میتوان حجیرات و جود رادر شرایط معین و مناسب تو سط انجماد از نابودی قطعی نگهداشت.

یعنی استفاده از حجرات پست برای بدمست آوردن طول عمر که این عنوان یکی از عنوانین عمدۀ این علم است.



خوب به این عکس نگاه کنید، یکی از آثار تاریخی کشور هاست، که تا حال گسترده‌تر مطلب درباره آن نوشته شده و یاعکس، ازان بچاپ رسیده است.

منار زادیان در چهارده کیلومتری دولت‌آباد بلخ واقع است.

زبان عکس‌ها

برای سرگرمی بیشتر شما، سرازین شماره دو صفحه تازه «عکس‌های سختگوی» را می‌شاییم و تبیه کننده این صفحات، در هر شماره، می‌کوشند تا عکس‌هایی چالب تبیه و چاپ نمایند.

شما هم می‌توانید عکس‌های چالب خود را، برای نشر به این صفحات برای مافرستید.

آدرس: مجله ژوندون، انصاری وات، مطبوع دولتی بخش «عکس‌های سختگوی»



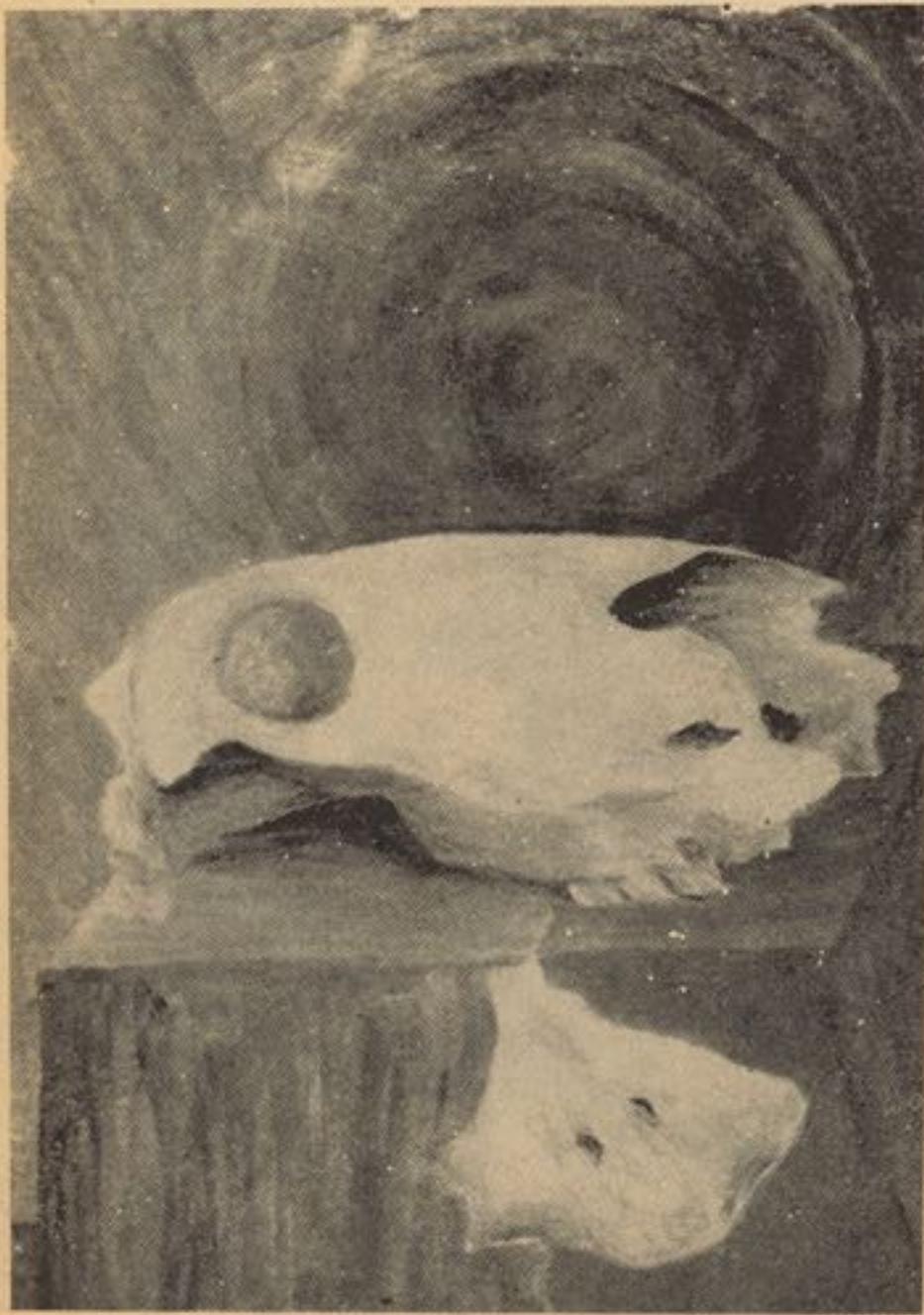
دشت های صفحات شمال و غرب کشور، پراز به هاست و دسته بی از باشندگان این مناطق از همین راه، زندگی می‌کنند.

دواین عکس، به کشی را می‌بینید که پس از یکروزگار، محصول تلاشش را، بسوی

شهر می‌آورد.



این عکس را درمیان عکس های که از هنر هندان گرد آورده ام، یافتم. در عکس سید مقدس تگاه را، با گلاهش دو صحنه بی ازیک درام می بینید.



نقاش دیروز، ساعت ها باعویک رسامی سایه جسم را برداز عیند و نقاش امروز، باعویک خاص اینکونه آثاری را می آفریند.

را بر دینچهر عالم مشهور امریکانی از هوا خوا هان سر سخت این علم پوده و در سال ۱۹۶۴ کتابی نیز درین باره نشر نمود که طرفداران زیاد پیدا کرد. عالم مذکور با علمی پرجسته طب جهان از تباطع علمی خود را استوار نمود و درین باره انتقادات زیاد نمود و حتی طرفداران این تیوری کلو پی به نام خود دایر نمودند. در سال ۱۹۶۷ یک نفر پرو فیسور پسیکو لوڑی امریکانی بنام جیمز فورد که به سرطان خون مبتلا بود بعداز مرگ کلینیکی منجمد ساخته شد که تا حال در یخچال های طبی قرار دارد. بهمین ترتیب تا حال صد هانف در امریکا، فرانسه و دیگر ممالک منجمد ساخته شده اند.

چطور به این حقیقت باید فکر کرد؟

مذکوره استفاده حرارت پست منفی ۷۹ درجه و بالاتر از آن خود به خود از گائیزم و وجود را می کشد و سلول های مرده یا زنده در اثر حرارت منفی پائین ابتدا به شکل مایع و بعد آن به قطعات کریستالی بخ تبدیل می شوند و به این ترتیب تحریب شده واژین می روند.

اما پائین نمودن درجه حرارت از کا نیزم حیوانات تناقض است که درجه از نقطه نظر پرنسپ های طبی و علمی اجازه داده می شود.

درست است که اگر گلسرين بجای خون در وجود جسدی پمپ شود سلول ها را از بین زدن جلو گیری می کند اما اینکه قلب را با کدام عضو دیگر بر جسته وجود را بعد از انجام زدن نکهداشت و بتوان آنرا در محیط گلسرين و حرارت صفر مطلق نکهداشت کاریست که هیچ قدرتی به آن موفق نشده.

برای هو فق شدن این امر باید مطالعات زیاد بعمل آید زیرا منجمد کردن کار است آسان اما دو باره بکار انداختن آن برای فعل امیر است. نتایجی که از این عملیات بدست آمده خیلی اطمینان بخش است و اکنون در عملیات قلب وجود مریض سرد ساخته می شود یعنی تا حدود ۸-۱۲ درجه سانتی گراد حرارت و جود پائین آورده می شود. این تجربه را در بالای سکی آنجام داده اند و چنین معلوم گردید که سگ مذکور تا مدت دو ساعت توانست در چنین شرایطی زنده بماند.

برای انسان مرگ کلینیکی در شرایط حرارت نور مال سه الی پنج دقیقه را در بر می گیرد که این زمان با استفاده از این علم تا چهل الی شصت دقیقه زیاد شده می تواند. اما برای اینکه بتوان دو باره تمام نسوج وجود را بکار انداخت باید این دستگاه وجود در چنین شرایط نکهداری شوند البته این حقایق امید زیاد را میدهد که باشد برای اثبات کلی آن خیلی زیاد کار کرد و سالها تجربه زیاد بعمل آورده.

به عقیده تویستنده تا حال تما م این جد و جمهد هایک مفکر را علمی و همی می باشد.

عقیدت من بر آنست که انجام طب است و ابتدا باید برای تحقیق این از گائیزم وجود کار یکصد سال بعد

نظریات و آندیشه‌های جوانان

بیغله لطیفه اول نمیر پو هنخی برای موفقیت و پیروزی در زندگی داشتن هدف معین و مشخص امر لازمی است، استعداد، سعی و پشتکار رمز موفقیت برای جوانان است.

عقیده دارم که یک دختر علاوه از درس و تعلیم معلوماتی در قسمت تدبیر منزل داشته باشد. آرزو دارم معلم شوم تا ازین راه خدمتی برای جامعه خود کرده باشم.

میر محمد خالد فارغ التحصیل پو هنخی ادبیات:



رمز موفقیت یک جوان در دوره تحصیل و در ایام ماموریت استفاده آگاهانه و سالم از وقت است. وظیفه شناسی و بالاخره کسب بهتر از علم از جمله موضوع عاتیست که باید هر فرد در زندگی از آن استفاده کند. تدریس و تعلیم همیشه خواهان نکامل، ابداع و نوآوری است زیرا همه چیز بسوی تکامل پیش میرود.

بیغله زرغونه وهاج.



داشتن معلومات آفاقی و مخصوصاً مطالعه‌ای احوال و طرز دید علماء و نویسنده‌گان جهان، انسان را برای زندگی آینده آماده می‌سازد. بنتظر من جوانی که به مطالعه کتب غیر درسی علاقه نمی‌گیرد اشتباه بزرگی را مرتكب می‌شود.

در موعد مود نظرم اینست که بیرونی از موعد تا اندازه خوب است مشروط بر اینکه به اقتصاد انسان صدمه نرساند.

سید حبیب الله محصل پو هنخی انجمنی



بر همه روشن است که اکثر خانواده‌ها و فامیل‌های ما اقتصاد ضعیف دارند و اگر جوانان این فامیل‌ها خواسته باشند با سیاستی و همچشمی خروج‌های بیجا بنمایند بعد از مدتی تأثیر ناگوار آن در همه ساحات زندگی خانواده ظاهر شده و طبعی است که این وضع بر یک اقتصاد فامیل صدمه جبران ناپذیر وارد می‌نماید.



روان‌شناسی جوانان:

نهجی کنید در مورد دیگران افتقاد بیهوده کنید

اگر به دشنام دادن عادت دارید تحقیر نماید و در هم شکنید و راه کوشش کنید که آنرا از خود دور نماید و سعی کنید که بدو سلطان و ضعف اوست نه فضایل او ولی اگر آشنایان مطالبی که باعث رنجش و خود را مجبور سازید که توجه فضایل دیگران کنید علاوه بر آنکه دشمن هر کس صفت خوب و بد دارد. چه لزومی دارد که از صفات بد دیگران فضایل شما را برآن میدارد که همان بحث کنید و همیشه آنرا برش آنها بکشید بهتر است از صفات نیک داشتن این فضایل شما را با دیگران و خوب دیگران باد کنید.

البته این کار برای کسیکه حس حقارت دارد مشکل است. زیرا چنین شخصی میکو شد که دیگران را در زندگی خوشبخت اید.



۵ جسمه سازی

و تحولات آن



گرو از مشکل هنر بکشا یید

جوانی هستم بیست و سه ساله که تازه تحصیلات خویش را در پوهنتون تمام نموده ام. با آنکه میدانم از نگاه سویه تعليمی بادیگر همکاران و رفقاء خویش دریک سویه قرار دارم و معلومات من کمتر از آنها نیست نمیدانم که چرا هنگام بحث و مذاکره روی موضوعی زبان لکنت می نماید و اگر بخواهم عقیده خود را بیان کنم رنگ سرخ می شود. فکر می کنم که دیگران برم می خندند و مرآ مسخره می نمایند هر قدر کوشش می کنم، که خود را ازین وضع نجات دهم موفق نمی شوم.

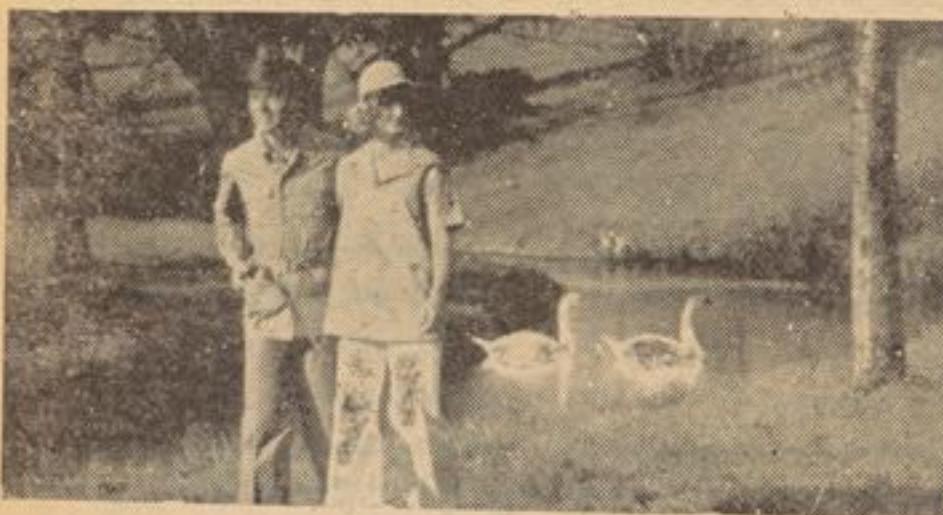
شما بگوئید چکار کنم؟

درست عزیز!

کم خونی وضع اعصاب گاهی موجب این گونه کم رویی ها و شرمنده شدن در حضور دیگران می شود. ولی بطور کلی این یک نوع عادت است که هر چه شخص تسليمه آن شود و با آن مبارزه نکند بیشتر قوت میگیرد.

اما مبارزه با آن طبق دستور که اغلب روان شنا سان داده اند با تلقین به نفس صورت میگیرد. بدین معنی که شما بیوسته باید بخود تلقین کنید که برای خود داری ارزش وجودی و شخصیتی هستید و از لحاظ شروع جسمی و بشری از کسی کمتر نیستید و خود را حقیر نمی شمارید. ازین گذشته باید معاشرت خود را با افراد بیشتر کنید. در احتما عات بیشتر حضور یابید، به مسافرت بروید و مخصوصاً بر معلومات خود بیفزایید در خلال این کار ها مراجعت بدوکتور یا رای تقویت اعصاب ودفع کم خونی و تامین مسلامت کامل جسمی ضرر ندارد. ورزش هم یکی از چیز های است که شخص را برای واقع شدن به شخصیت خود تقویت میکند.

جوانان و روابط خانوادگی



این روز ها چون وسائل ارتباط تناسب بین زیبائی شما و همسرتان بین دخترها و پسرها زیاد تر است است.

و بیشتر یکدیگر را می بینند ناگزیر همانطوری که باید تناسب علمی و در بین شان عشق های ظاهرون سنتی و اخلاقی در کار زنا شوی می شود که عاقبت خوش برایشان رعایت شود، تناسب زیبائی قابل نداشته و بزودی این عشقها مبد ل رعایت است.

به دوری گردیده وبالاخره به این پس در انتخاب همسر سعی کنید حقیقت ملتافت میگردد که در انتخاب که تناسبی بین زیبائی ظاهر شما همسر اشتباه نموده اند.

باتوجه به این نکته مهم و احتراز دیگر که رعایت آن ضروری است از ازدواج، با ذهنی که فقط ازراه آنستکه پسر و دختر یکدیگر را بر زیبائی ظاهر به قلب شما راه یافته علاوه توافق روحی از لحاظ ظاهر باشد نکته باید رعایت شود، و آن بپسندند و دوست بدارند.

جسمه سازی از هنر های است که قدامت تاریخی دارد. در حقیقت

جسمه سازی منشعب به هنر های دیگری از قبیل کنده کاری روی چوب

گچ و فلزات وغیره نیز می شود، در قدیم هنر مجسمه سازی با دست

انجام میگرفت و این امر تا قرون

اخیر اوامه داشت اما قالب ریزی

با دست و ماشین کم کم جای دست را گرفت و مصالح اولیه آن نیز

گوناگون شد. اما در نفس امر مجسمه سازی به هنر اطلاق می شود که

مصالح و مواد او لیه آن سنگ باشد و با دست تراشیده شود.

فن مجسمه سازی از عهد حجر آغاز میگردد که ما تاریخ قاطع و

و مستدلی برای آن نداریم، و غالی

ترین مدلی که مجبنین تاریخ قطعی این

هنر است، مجسمه غول پیکر ابولیوال در مصر است که تاریخ

ساخته ام آن لائق به چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح میرسد.

بعد از مصر بیها آثاری که میتوان آنها را در زمراه مجسمه سازی دانست

وقدامت تاریخی دارد، مربوط به عنر مدنان آسوری است که تاریخ

آنها به پنجمین سال پیش از میلاد

مسیح میرسد.

آیا میدانید؟

بيانو توسط گرسیتو فوری
ایتالیایی «۱۷۰۹» میلادی .

تیلکراف توسط مورس امریکایی
«۱۸۳۲» میلادی .

تیلفون توسط گرامام بل امریکایی
«۱۸۷۶» میلادی .

تیلفون اتومات توسط استرا گر
امریکایی «۱۸۹۱» میلادی .

تیلفون بیسیم توسط استرمانس
امریکایی «۱۸۹۹» میلادی .

تلسکوپ توسط گالیله ایتالیایی
«۱۶۰۹» میلادی .

تلسکوپ نجومی توسط کیلر آلمانی
«۱۶۱۱» میلادی .

تراکتور توسط عالت امریکایی
«۱۹۰۰» میلادی ..

فائل حافظ



خوانند گان گرامی ۱

در هر روز از هفت که میخواهید فال بگیرید به تصویر بالا توجه نموده یک حرف از حروف نام خود را انتخاب کنید و آنرا از دایرة بزرگ پیدا نمایید. (فرق نمی کند که حرف اول یا شدیداً دوم باشد یا هملاً است) در زیر همان حرف مثلش قرار دارد که دارای خانه های سفید و سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد تبت شده است از آن سه عدد هر گدام را که دلخواه شماست انتخاب کنید و آنگاه به همان شماره در زیر نام همان روز از هفت مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظ شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلث روز یکشنبه حرف چهارم خود را که میم است انتخاب و از جمله سه عددی که در زیر قوس مربوطه به این حرف دیده می شود بیت «۷۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت مراجعه کنید.

این داستان توسطی . ای بر تلس با زندگی اسکندر شروع میشود . در بیان اثر شاعر از قلک زبان بشگایت من یسه به داستانها ی نظا می و علیشیر بی، درباره اسکندر تاخته دیده هودبیورسی و گشاید که آنچه را پدیده عی آورد، سرانجام بر تلیق قرار گرفته است (ای بر تلس، آزار بادمدهده .

نخب نوایی وجامی ، نشر (فن) سال ۱۹۶۵ - ۲۳۶ - ۳۴۹) .

(آیینه اسکندری) بجواب اسکندر ناهد نظایر گنجوی در سال ۶۹۹ (۱۳۰۰) تکارش - یافته و حاوی ۴۴۵ بیت میباشد .

۵- (هشت بیشتر)

۷- این اثر به جواب (هفت بیک) نظایر در - ۲۳۴۴ بیت در سال ۷۰۱ (۱۳۰۲) تکارش یافته است .

داستان یاده ح سیخ نظام الدین او ایساو بودن قدر ت سخن به اوج آسمانها آغاز میباشد .

۸- شاعر فرم توپیح هو قف خودنیست و ایات موجود درباره پیدا یش اسکندر، بین اورابمتا بیک (فرستاده) رد میکندو

بخش اساسی آینه اسکندری یا تصویر

شاعر انسان دوست

باقیه صفحه ۱۶
خود، بلکه یاد خمسه) خویش که آنرا بایزدگی از شاعر بزرگ آذربایجان - نظام ملجمی برداخته نیز شهرت دارد.
ملوکی که خود شاعر میگوید او خمسه خود
که بنام حامی او سلطان علا والدین خلیجی
اعطا گردیده، در مدت سه سال (۱۳۰۱-۲۹۸۲) به ایان رسانده است (خمسه) او که بنام
(معنی گنج) یاد میگردد، داستانهای ذیرین را
بر میگیرد:

باقیه صفحه ۱۶
بی نقا می رفته اند و یافتش قدیمی‌ای امیر خود، بلکه با (خمسه) خویش که آنرا به خسر و را تعقیب کرده اند .
بیرونی از شاعر بزرگ آذربایجان - نظامی گنجوی برداخته نیز شهرت دارد .
بدون کمترین شک و تردید عمانا (فرهاد و طوریکه خود شاعر میگوید او خمسه خود را گه بنام حامی او سلطان علا والدین خلجمی اعدما گردیده، در حدود سه سال (۱۲۹۸-۱۳۰۱) بی ایان رسانده است (خمسه) او گه بنام نیز اظهار خواهند داشت .
۳- (معجنون ولیلی)
براساس سنت ادبیات کلاسیک شرق، -
داستان (معجنون ولیلی) امیر خسر و نیز باحمد خدا، مدح سلطان وقت و ستایش شیخ نظام الدین اولیا اغاز میگردد در بخش مد خسل این اثر که در سال ۱۲۹۹-۱۳۰۸ در خلال دو هفتاد نوشته شده مشتمل بر ۳۳۰ بیت میباشد شاعر اثر را بچووا ب (مغزن الاسر از نظامی گنجوی برداخته که ۲۰ مقاله (صحبت) و پیک خاتمه رادر بر میگرد .
مولف اثر خویش دد اطراق مبارکه نهاده .

تربیتی - اخلاقی توسعه فکر هیدوانه اساسا
داستان باروچ نصوی فی نکارش یافته و تاکنون
گاهه لامورد بررسی قرار نگرفته است.
۲- (سیرین و خسر) سیرین و خسر میباشد فهمن اندوز
که دارای هاشمیت تربیتی میباشد فهمن اندوز
بسه پسر، ایدا ل اخلاقی خوش خویش را توهمیج
میباشد. منجمله هنگام اظهار نظر در سازه

این داستان در اوایل هاه رجب ۶۹۸ (ابریل ۱۲۹۹) باهم رسیده و دارای ۱۲۴ دستخو ش تشویش گردید و باید مشکلات را بیت می‌باید. امیر خسرو این هنری خود را به پروردی از آثار دیگر نظا می گنجوی (خسرو و شیرین) نوشته است.

قسمت هد خل داستان را چهار ده قطمه
گوچك (بخش) وصفيه تشکيل هيد هد هنلايک
بخش به هدح تسع نظام الدين اوليا وبخش -
ديگر به ستايش سلطان علا والدين محمدشاه
اخصاص دارد. يك بخش هم به فضا يسل
عشق تخصصين داده شده وشاعر در يك بخش

آن نیست نشان علم ولا
 کوز خلوق بری به حله کا لا
 علم آن باشد گهره گند یا تو
 نی زرق هزوران چا لا
 باید بمرد هژحمتش احترام گذ است
 آنها را باید دوست داشت وقدرت نمود شاعر می
 گوید: در برابر آنکه بمردم آزار روایناراد،
 باید گمترین تر حمی در دل داشته
 باشی:
 اهر خسرو در سراسر داستان خود،
 وسائل و ادوات تصویر بدین معنی شعر کلاسیک
 شرق را به نحو وسیع و سو دهندی بگاربرد و
 است اثر او را تمثیل های هوئراسته رات
 رنگ دنگ و شبیهات پر جاذب شگفت -
 انگیز خنده بخشد - تمثالهایی که شاعر می
 آفریند خیلی ساده و قابل فهم اند.
 داستان آفرینش در زمینه های جنگی

داستانه خسرو و شیرین طی شش قرن در -
 ادبیات هردم شرق، بیک عننه بدل گردیده
 است.
 داستان (خسرو و شیرین) برای اویین
 باز توسط نظامی گنجوی آفریده شدوبا نظیره
 کوبی چندو گر هند ، این هو ضموع رنگ یک
 نفعنه ادبی را بخود گرفت . نظر به معلومات
 شناختی که هنوز تکمیل نشده ، پس از امیر
 خسرو ، درباره خسرو و شیرین بیش از شصت
 داستان در ۲۶۶ بیت دو سال (۱۲۹۹-۱۳۰۸)
 بدجواب هشتاد (لئی و مجنون) نقا میز
 سروده شده است .
 بن داستانها صرف نظر ازینکه در شرق -
 نزدیک وبا در ما و رای قفقاز ، در آسیای -
 ۴(آیینه اسکندری)



گفتم کنایتی و مکرر نمی‌کنم
۶- مراد دل زنای شای باع عالم چیست
پنجه مردم چشم از رخ توگل چین
۷- در راه منزل لیلی که خطرهاست در آن
شرط اول قدم آن است که مجذون باشی

۳- ها در پیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بی خبر ز لدت شر ب سلام ما
۴- خجال حوصله بعر می‌پزم هیبات
چیاست در سر این فطره مجال اندیش
۵- تلقین و درس اهل نظریاً شاره است

۱- دلم زحلقه زلش بجان خرید آشوب
چه سود دید کمانم که این تعازه گرد
۲- مرا و سرو چمن را زدل بیسر آدم
زمانه تا قصب و قیای تو بست

شنبه

غم اغیار مغور تا نکنی ناشام
۶- می خواهد گل الشان کن از دهر چه بیجویی
این گفت سحرگاه گل بلبل توجه می‌گویی؟
۷- در اوج نازو نعمتی ای انتاب حسن
یارب میاد تابه قیامت نوال تو

۳- اگرچه حسن تو از عشق غیرستفی است
من آن‌یم که ازین عشق‌بازی ایم باز
۴- در بیان طلب‌گرچه زهر سو خطریست
بیرون حافظ بسیل به تولای تو خوش
۵- یار بیگانه مشو تابیری از خویش

۱- زیر بادند درختان که تعلق دارند
ای خوش سروکه از بار غم آزاد آمد
۲- توک درویش همگیر از بیود سیم و زوش
در غم سیم شمار اشک ورخش رازگیر

پیش‌شنبه

زدی لطف بگوییش که بر جا نگه دارد
۶- بگرفت کار حستت چون عشق‌من‌کمانی
خوش باش زانکه نبود این هر دو را زوالی
۷- خوش‌جهنی است عارضت خاصه که در بهار حسن
حافتة خوش‌گلام شد مرغ سخن سرای تو

۳- چو با حبیب نشینی و باده پیهائی
به بیاد دار محبا ن باده بیما را
۴- هرسرو موی مرا بانو هزاران کاراست
ماکجا نیم و ملا متکر بیکار کجاست؟
۵- صابر ان سر زلف، ار دل هر اینی

۱- زلف در دست صبا گوش بفرمان رقیب
این چنین باهمه دو ساخته ای یعنی چه؟
۲- می‌ذارم چو جام صالح و صوفی دیکن‌تعیش
خدایا هیچ عاقل را مبادا بخت بد روزی

دوشنبه

جای دلیلی عزیز است بهم بر هزنش
۶- گرمن ا ذ سر زنش هدیان اندیشم
شیوه مستن و دندی نر ود از پیشم
۷- به رحمت سر زلف تو وانقم ور نه
کنش‌چو نبود از آنسو چه سود کوشیدن

۳- بکن‌معامله ای وین دل شکسته بخر
که با شکستگی ارزد به صد هزار درست
۴- زسر و قد دل‌جوبیت مکن معروف چشم‌مرا
بدین سرچشم‌هاش بنشان گم‌خوش‌آبی روان دارد
۵- به‌ادب ناله‌گشایی کن از این‌زلف سیده

۱- طریق عشق پرآشوب و فتنه است ای دل
بینند آنکه درین راه با شتاب رود
۲- در بیان گربه شوق‌کعبه خواهی زد قدم
سر زنشا گوکنند خاد مقیلان غم مغور

سه شنبه

هان ای پسرگاه پیور شوی پنهان گوش کن
۶- هر که خواهد که چو حافظانشود سرگردان
دل به خوبان ندهد ور پی ایشان نرود
۷- در طریقت و تعشی خاطر تباشد همی‌باز
هر گذورت را که بینی چون صلایی رفت‌رفت

۳- دلبرا پنهان نوازیت که آموخت بگو
که من این طن به رقیان تهویز نیرم
۴- حافظا خام قمع شرمی ازین قسمه بدار
کار نا گرده چه امید عطایی داور
۵- پیران سخن ڈتجربه گویند گفتتم

۱- در دم نیفته به زطبیان مدعی
باشد که از خزانه غیبیم دوا کنند
۲- به درد عشق بسازو خوش‌کن حافظا
رموز عشق مکن فلاش پیش اهل عقول

چهارشنبه

خواجه آنست که باشد غم خدعتگارش
۶- سخن درست بگویم نهی توام درست
که می‌خوردند و حریقان و من انقاره کنم
۷- حافظاً وصال می‌طلبید از راه دعا
یارب دعای خسته دلان مستجاب کن

۳- شبی که ماه مراد از افق شود طالع
بودگه پرتو تو روی به یام ما افتاد؟
۴- عافیت می‌طلبید خاطرم از بگذارند
غزه شوخش و آن غرمه غرمه دگر
۵- دلربایی همه آن نیست که عاشق بگشتند

۱- مستی به‌چشم شاد دل‌بیندها خوش‌است
زاترو سبیر ده اند به مستی تمام ما
۲- از آن به دیر مقام عزیز میدارند
که آتشی که نمیرد همیشه دو دل ماست

پنجم‌شنبه

پیر آ سایش این دیده خونبار بساد
۶- کس‌نیاره براودم زند از قصه ما
مسکوش باد صبا گوش گذاری بگند
۷- در طریقت و تعشی خاطر تباشد همی‌باز
هر گذورت را که بینی چون صلایی رفت‌رفت

۳- ساقی چرا غ می‌به ره آفتتاب دار
گو بس فرورد متعلله میگاهه از و
۴- منضم مکن زعشق وی ای ملتی زمان
معذور دار مت که تو اورا تدینه ای
۵- گردی از رهگاند قوست به‌گوری دقیب

۱- ایکه بازلف ورخ یارگذاری شب و روز
فرستت باد که خوش صبعی و شامی داری
۲- آنکه فکوش گره از کار جهان بگشاید
گو درین نکته بفر ما نظری بهتر ازین

جمع



زن اولی بدوی و قیکه در سفر بود
این تو نه کهربارا شخصا یا فته
ام:

شاو جواب داد: بلی، فقط یک
اختلاف در میان است و آن این است
که آنچه «مورسیا» میتوانسته، حتی
موقعی که هم چاپ می شود، قابل
خواندن نیست، ولی اثر ما را پس از
چاپ همه می خوانند!

مرگ طبیعی

یک نفر مسا فر وارد شهری شده
واز رهنما بی که همرا یش بود
پر سید: منزل معروف ترین داکتر
این شهر کجا است؟

رهنما با خو تسردی جواب داد:
ما، در شهر داکتر نداریم!

مسافر عجب است پس اگر
کسی مریض میشود چه می کنید؟

مرد رهنما با خونسردی سری
کفت:

علم صاحب، می دانید، اصلاح خوب نیست پشت سر مرده حرف
تکان داد و گفت:

هیچ به مرگ طبیعی میریم!

فیلسوف وزنش

خانم! مثل اینکه شمارا یک جایی دیده ام!

- اوها! ای مرد! تو چقدر گیجی؟ ما حالا باهم از خانه بیرون آمدیم!



بدون شرح

صفحه ۴۳



حنده رُزشی

خوشبین باشید!

خطاب ناردشاو

یکی از دوستان بر ناردشاو
نویسنده معروف ایرانی از خط
او ابراد می گرفت و می گفت: خط
شما هم مثل خط «مورسیا» نقاد
معروف تیاتر خوان نیست!

دانشوری از استاد فلسفه، معنی «خوشبین» را پرسید و گفت:
چگونه باید خوشبین بود!
استاد جواب داد: خوشبین به کسی گفته میشود که به تمام وقایع
اسف انگیز به نظر بی اعتماد کند تا مو قعی که یکی از آنها
برای خود ش اتفاق بیفتد! و به پله دوم که «واقع بینی» است برسد.

غیابت تاریخ

آخرین ساعت که قاسم
توانسته بود به صنف حاضر شود
درس تاریخ بود و معلم در خصوص
انقراض صفویه صحبت می کرد.
از آن به بعد قاسم مریض شد و
تاجدی نتوانست به صنف حاضر
شود و قتنی که حاشیه خوب شد
و به صنف رفت، معلم از او پرسید:
از کسی تا بهحال غایب بود -
ای؟

شاگرد جواب داد:

- از موقع «انقراض صفویه»!

دعای مردگویی

مرد غریبی مقدار گندم به آسیاب

برد تا آرد کند.

آسیابان گفت: امروز وقت ندارم،

برو فردا بیا.

آن مرد گفت: من مردی با خدا

وزاعدم، اگر گندم را آرد نکنی و دلم

بشکند، دعا خواهیم کرد تا خدا

آسیابت را خراب کند!

آسیابان گفت:

اگر راست می گویند دعا کن

تاخدا گندم را آرد کند که محتاج

من نباشم.



بدون شرح

شماره ۶

مولف وزیریسور فلم «تروتا» که چهل و یک سال عمر دارد اخیراً میتوان را کشف نموده که به اساس آن از مقدار نکوتین سگرت در وجود تا حدودی جلو گیری میشود.

«یوهانس» را عقیده بر این اسن که این کشف علمی نیست بلکه آنرا یک کشف ساده هنری باید گفت با این توضیح که او «روز ماری فرنل» هنر پیشه فلم های آلمانی قرار گذاشته که هر وقتی سگرت دود می کند باید سگرت دود شده بدفغان بین او شان تقسیم شود یعنی یکی در مراتبه او سگرت را بکشد و بعداً همان سگرت را بدیگر خود تحویل دهد که این حرکت نکوتین سگرت را بین او شان تقسیم میکند و یک مقدار آن هم بهورا رها میشود.

این کشف هنری یوهانس در فرستیکه در محفل اخذ جایزه فستیوال در بر لین سهم گرفته بود، بر ملا شد.

آشتی دختر چاپلین با امریکا

«جوزفین چاپلین» باز یک جوان فلم تصمیم گرفته بخاطر نقش نسبتاً بزرگ فلم جدید خود بسوی امریکا مسافرت نماید. «جوزفین» که دختر چارلی چاپلین معروف ترین بازیگر جهان سینما است تحسینی باریست که در امریکا دست بکار هنر نمایی بفلم زده است زیرا تا قبل از این هیج فردی از فامیل چاپلین بکار هنری در امریکا نبرداخته است. زیرا «چارلی» مدت‌ها قبل روی موضوعی برادر و خواسته و امریکا را ترک گفته بود که این حرکت او را ناظران یک اعتراض دانمی‌تلقی نموده است.

«جوزفین» تاهنوز نمی‌داند پدرش در این مورد چه عکس العمل از خود نشان خواهد داد و او بدون توجه باین امر با فرزند سه ساله خود که نام پدر کلاتش را بوداده عازم امریکا شده است.

«جوزفین» از سالیان طویل باین طرف در «گفت» زندگی می‌کند و چند سال قبل بایک تاجر یو نانی ازدواج نموده بود.



یوهانس شاف در حین عمل کشف شده اش



هیچکاک بعداز یک مدت طو یل دست به ساختن فلم میزند و نقش عمده این فلم را «گریس کلی» به عنوان «خواهد داشت.

تا آنکه با هم ازدواج نمودند که این در خشیدن گرفت و گذشته از شهرت فوق العاده ریان او نیل «بازیگر نقش او از اونیل» دلگیر شد و به عشق اول فلم پایی در زندگی او دراز کرد ستیو میک کو نین گرفتار شد.

نظره تیر کرل. او تر کوره ووت ...

همدا چه له کلی نه بیرون غونبی ته ورسید شاته بی وکتل. هاخوا دکلی

هدیره وه چه بخشی پکنی بر ته، او دیخوا، کنیته ده غه یونیم جریب پتی او هلت دبهادر کاکا برجوره کلاوه، دوره له پریپ خنخیر سره ...

سپری خان سپک احساس کر. د سباون تازه هوایی سپری می و تختولی او کلی ته بی شاکره ... هغه ته خیلی پنی سپکی بسکاریدلی ده غه له پنیو

خشخه بندرنه ولول ولیدلی. لدی یادونی سره بیاعم دبهادر کاکا دکلا بی پریه او تور خنخیر وریاد شو. خیلو پنیو ته بی وکتل. پنی سپکی وی.

هم دیر خه و کری خیفس اوجه بنار ته ورسید نو داسی ورته

ایسیده چه یو لوی او تور بنامار خوله خلاصه کری، هغه خوری او تر ستو نی بی تیروی. یو نری خوزنی

یه زره کی احساس کر. بناری بس وايسیده، خوچاره نه وه، هغه باید ددغه بنامار په خوله ور نتوتله وابی

لومری زره نازره، خوبیا له پاخه تصمیم سره دبنامار، یاد بنار په برآخه خوله ور نتوت. داسی بی

احساس کری چه دده له نتوتلو سره بنار خبله خلاصه شوه نوبی او بسکی و تو زلی اوله خایه پا خید. خیل خان بی یه خادر کی تاوا کر. او بستره بی ایسیدله چه زره بی تنگ تنک شاته واجله. او بده شیشه بی دکور کیزی او دارنده غم او ویر بی بایه

د شار په در شل کی

۴۲۵ مخ پاتی

— «خانونه ماوه کری... خدا زده چه خیرات به خنکه وی؟»

او به زوره بی وختنل!

اوله دی یادونی سره بی چه:

— «دیره بی بی بی بخش وه ... انشالله چه خدای بخشنده ده ...

لاپسی به زوره او سخت وختنل.

اوچه خوشی بی همدا سی فکرو کر

نو بیره زرا ورغله. دخیل تیر زوند

صحتنی، او بده موده مزدیزی، لالهاندی

ستومانی، لوری، تندي وریاد شوی

دېنځی ور وستی سلکی او د هفی

آخرنی هیلی چه دیوه ماشون دلرلو

پاره بی در لودی. خودا هیلی هدو تر

سره نشوی. یو عمر سپکاوی، یو

عمر تحریر منوی تری او بده سرسر

پکونی... او بیا سر په زاوه بالښت ولکاوه ...

همین ترتیب فرزند های ما دختر بدنیا بیاورد نه تنها برای خود ما بلکه برای کشور ما پر ایلام خلق خواهد شد.

سپس راجکپور به حرف ها پس ادامه داده افزود اگر راست پرسان کنید این دختر که تازه بدنیا آمده برای او هم پر ایلام بوجود آورده و آن اینکه در حین جوانی او را در ردیف پدر کلانها استواره نموده است.

دوبلا گریس کلی در پرده فلم «گراسیا پاتریسیا» قرار است به عنوان یک «گریس کلی» به روی پرده فلم ظاهر شود. این خانم زیبا روی اخیرا در برابر تحریر کات عمیق خود مقاومت نتوانست و ترجیح داده که بروی پرده فلم استعدادش را در مرحله آزمون قرار دهد.

«هیچکاک» که فلم های «بر فراز

بامهای نیسا» و «کلکین بسوی

حویلی» خود را در این اجتماع فلمی با خود آورده بودیک بار دیگر خاطره

فراموش شده «گریس کلی» را در اذهان بیدار ساخت. این فلم ها که

در بین سالهای ۱۹۵۴ - ۱۹۵۸ تهیه و ساخته شده بود یکبار دیگر توجه

مدعوین را به قدرت هیچکاک جلب



بار بالا پستون دو شیزه که به خاطر عشق خود پنج سال زحمات بزرگی را تحمل کرد

ناظران گفته است این او لین نقش ارزشمند «جوزفین» است که دختر مقابل او «روبرت روفورد» هنر نمایی مینماید.

راجکپور پدر کلان شد :

جندي قبل بیتا دختری بدنیا آورد که بایتو سیله راجکپور رادر جمله

پدر کلان ها قرار داد. «بیتا» که یک سال و چند ماه قبل با زندھیر کپور

یسر راجکپور ازدواج نموده بود مدتها سعی کرد بخاطر فلم ها نیمه کاره خود مادر نشود. اما وقتی فلم هایش

به پایه تکمیل رسید و دیگر امیدی هم برای سینما و هنر نمایی

برایش باقی نماند ترجیح داد که مادر «گریس کلی» تازه او سست

و سرگرمی برای خود فراهم نماید.

راجکپور که مصروف تهیه فلم «حنان» میباشد از شنیدن این موضوع

لبخندی زده گفت: احصائیه ها می رسانند که تعداد زنان در هند نسبت به مردها خیلی زیاد است و اگر به

«آلی میک گرا» ستاره متشهور فلم «داستان عشق» که در این او آخر شهرت بین المللی را بدست آورده اخیراً تصمیم گرفته برای اکمال مطالعات خود، مدتی در ردیف هیبی ها زندگی نماید.

این ستاره که روز گاری بعیث مدل عکاس ها کار میکرد و بعداً

بسیار سینما جلب شد تحصیلات اخلاقی در رشتة آرت داشته و پدر

ومادرش هر دو آرتبیست بودند. او بعد از چند بازی گرم سر انجام با





والانتن بريشکو
مامور سوروري که تاريخ
حمله آلمان را کشف نمود
دپليو مات سوروري

(اگر من بیمار بعضی عمل و کوایف مجبور
نمم که مقابل پیش آمد ها بیوسته سکوت
اختیار کنم اینک آن لحظه فرا رسیده که ادعا
کنم خاموشی مزید یک جنایت به ملت آلمان
و تمام اروپا تلقی می گردد مردم آلمان درین
فرصت بجنان صفت آرایی و سو قیات اقدام
نموده که از لحاظ بزرگ و حجم خود در تاریخ
وجهان بسیار است من امر و زندگی
فیصله کردم که مقدر این آینده آلمان را باردگر
به گفت سر بازان شجاع ما بسیار امیدوارم تا
خدوانه مارا درین چنگ یاری نماید) امامت
آلمان از این خبر نداشت که ستالین یا و جنود
محروم ناگهانی آلمان ها میخواست از یک
برخورد جدی اجتناب بدارد و درین صحنه
روشن و دل انگیز روز یکشنبه مردم ساده
آلمان نبیدنستند که مقدمات و پیلاتهای این
حمله متضمن قتل وقتل همکاری به شمول
شارت ها و جنایات عدیده در سر زمین یهنا و
روسیه از مدت ها قبل طرح شد
است .

هنتر در اوایل سال ۱۹۴۱ به

جنral پاو لوس :

من به این یاوه سرانی ها راجع
به ترتیبات ز مستانی و مشکلات
خطوط ارتباط و اکمالات عقبی ما
گوش نمیدهم تو جه در آنمورد بکلی
بیلزوم است زیرا به حرکات
و چنگ در موسم سرما هیچ نیاز
نخواهیم داشت.

صدر اعظم انگلستان ونسوف چرچل
مطابق معمول عنعنی اخیر هفته رادرملک
شخص خود واقع (بکرزا) سپری می نمود
سب شنبه که فردای آن یکشنبه با شدیدتر
از وقت عادی برختخواب رفت و سفارش
اکید نمود که اورا بیدار نمایند مگر آنکه اطلاع
پناده شدن المانها بخاک بر تائیه باشد.

ساعت ۶ صبح از طرف وزارت امور خارجه
به ریاست ارگانهای عمومی که در راس آن
جنral سرجان دیل قرار داشت توسعه تیلفون
اطلاع داده شد که (ویر مانخ) قوای نظامی
آلمان به استقامت مسکو هارش نموده
است .

سرجان دیل بمشتاب نزد صدر اعظم خوش
شناخت امایی خواب بود و کس جرئت آن
نداشت که اورا بیدار نماید.

چرچل ساعت ۸ بخیلی سرچال و با نشاط
علوم میشد و همینکه برای کار روزانه به
جنبش اتحاد مجمع آلمان را مالای روسیه بهاد

جنral گودربان بانی
قوای زرهدار آلمان

جه لحظه یک خبر فوق العاده میم نشیر میکند
اندکی سکوت برقرار شد بعد از غنای طبل ها
و شبور ها و یک هزار (لوپریلو) نواختند تا آنکه
زوزف گوبنلر وزیر پروپاگندا با صدای مقطوع
اعلامیه ذیل راینم (پیشوا) بخش نمود.

موسو لینی قائد ایتالیا

جنral گوبنلر وزیر

تبیغات آلمان

تبیغات آلمان

روز ولت رئیس
جمهور امریکا

بروکرام موسیقی رادیو را قطع نموده از شد
چند ثانیه و قله صدای گوش خراش مارش نظامی
بلند شد و یک ترانه تحت عنوان (رقا) ...
(فرانس لیست) بنام (لوپریلو) نواختند تا آنکه
رعایت محاذ سرخ ...) با سه ضربه چکش نما
که هر تو به پنج تائیه تأخیر داشت سروده
(استامپون فرستنده آلمان بزرگ بعد از

بقيه صفحه ۱۹

دختر یکه روی تصادف...

اخذ می گردد و در صورت موقعيت
شخص امتحان دهنده به بیمار والی
کابل معز فی می شود و ازین مقام
برایش جواز کار داده می شود .
گفتم پس معلوم می شود شما این مراحل
را گذشتانده اید وی در حالیکه خیلی
خوشنود و راضی به نظر میر سید
گفت البته که من این مراحل را
سپری نموده و با اخذ شما دنامه
درجه چهارم به ساعت سازی شروع
نمودم . واکنون بدون احساس
خستگی پیش میروم .
من در حالیکه خواهان پیروزی
های بیشترش بودم همرا یشان
خداحافظی نمودم .

گردد تا مشکل هر دو جانب حل
گردد اقلال ایجع بو جود آید که
صریحاً در آن نوشته شود هر کاه
فلان قسمت ساعت خراب باشد
باچه مقدار پول می شود آنرا ترمیم
کرد .
درینجا سخنچش راقطع نموده گفتم
ببخشید چه شرایط در کار است
تا شخص علاقه مند به این کاریه حیث
ساعت ساز حر فوی معز فی گردد ؟
- گفت او لتر از همه امتحان ساعت
سازی از طرف و کیل ساعت سازها

و برادرانم نیز خیلی خورد بو دند
لهذا من از همه اش بزرگتر و بافهمتر
بودم . مجبور شدم تا ساعت سازی
کنم و درین قسمت بادرگ مسوو لیت
های اجتماعی خد متی را برای خودم
و فامیلی انجام دهم .

یغله رئیسه لطفا بکو نید که
ماهانه از مدرک ساختن ساعت چه
مقدار پول بدست می آورید ؟

- مقدار این پول فرق می کند در
بعض ماهها بیشتر و در برخی کمتر

عاید می کنیم مگر بعد از پرداخت
کرایه دکان و مزد شاگردان ما ها نه
تقریباً یکنیم دو هزار افغانی عاید
دارم . که همه اش را به کرایه خانه
و مخارج فامیلی ام تصرف می کنم
خوب شما که وقت بیشتر تانرا
به ساعت سازی مصروف هستید
در امور دز سی شما سکنگی رخ
نمیدهد .

با جرئت میگوید: نه، من برای
عمل کار هایم تقسیم او قات دارم
مثلاً خواندن دروس، مطالعه کتب
و مجلات مفید امور مر بوط به
منزل، ساعت سازی و غیره که همه
را به او قات مختلف انجام میدهند .

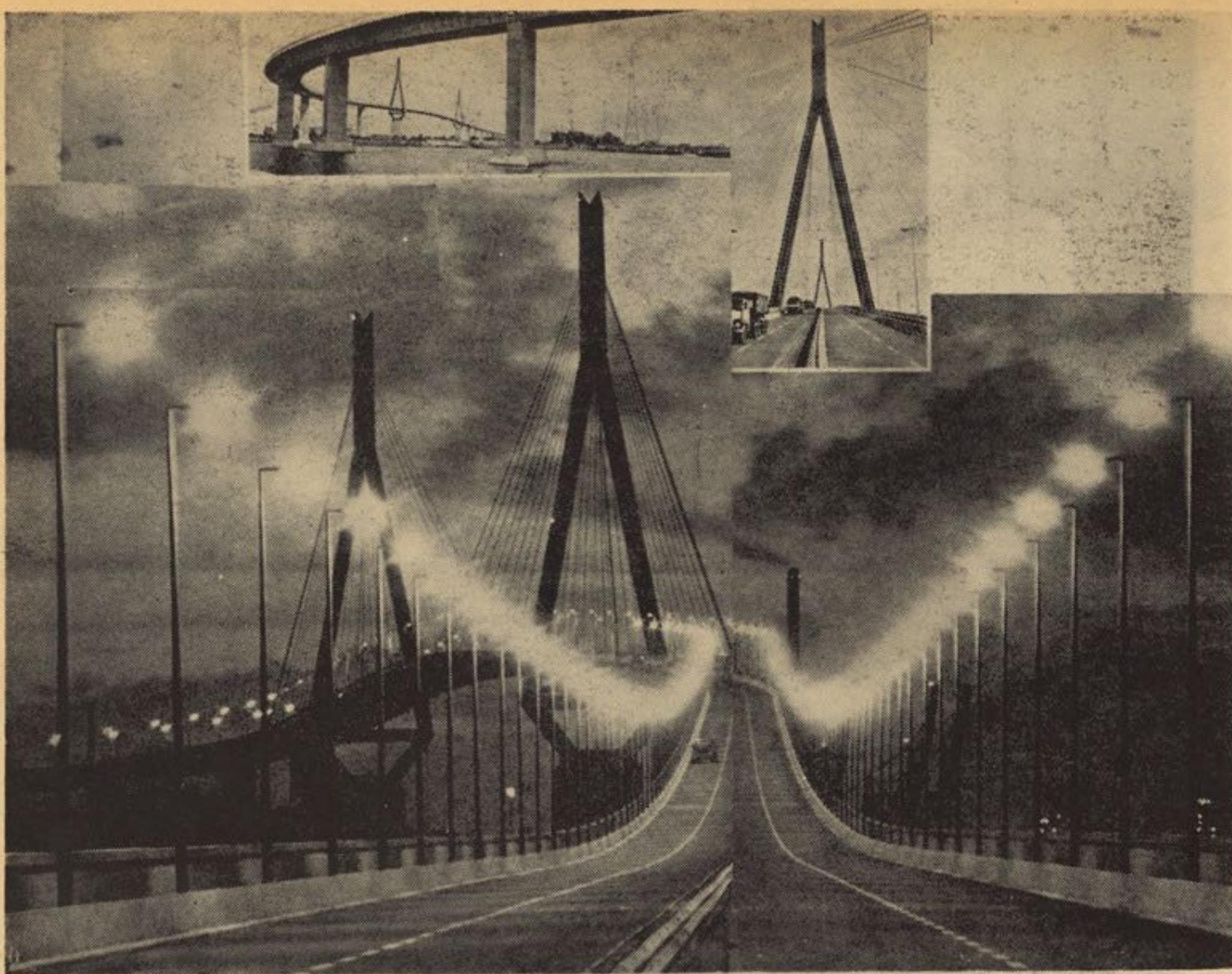
برعلاوه هفته یکی دو روز غررض
اجرای بروکرام های خارندوی نیز
حاضر میشوم زیرا به خارندوی
و بروکرام های آن که همه اش جنبه
اجتماعی و مردمی دارد و هد فش نیز
خدمت است علاقه مفرط دارم . و آرزو
دارم در آینده نیز عضو این فا میل
برزگ اجتماعی باشم و تحبت شعار
کردار نیک، گفتار نیک و پندار نیک
خدمت نمایم .

وی در حالیکه خواهان اتحادیه
دیموکراتیک برای طبقه ساعت
سازان میباشد .

میگوید: امید و ارم در قسمت تعیین
مزد فی قاب ساعت تجویزی اتحادیه



آرزو دارد تحت شعار کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک عضو مفید
برای اجتماع و مردمش باشد .



نمونه از شبکه های عصری شاهراه های زمینی در اروپا که وسیله عمده ارتباط بین هر اکثر میں اروپایی پنداشته می شود.

باقی صفحه ۲۸
بزرگ بین المللی و شاهراه های عمدۀ ارتباط شاهراه های اروپا و سرک های هو تررو اروپا سرک های هو تررو و چهار خط به پیشتر داشت خواهد داشت. برای تامین اکتشاف متوازن دو خط داشته و بدون نقطه تقاطع واژمیان مناطق برندوس اروپا خواهند گذاشت مناطق مختلف جامعه اروپایی حکومت بین خواهند بود، آنها نسبت برآهی های هو تر این سرک های از استونادوم واژل سورپول تا بال زین خواهد بیرونست باعده ان های هوایی در مرور شا هراها دو سیستم را پیشنهاد نمود: روبرگ ترافیک کمتر خواهند داشت در حالیکه مارسلز امتداد خواهند داشت.

عصر فویدن



بدون شرح

صفحه ۴۷

باقی صفحه مقابل
در جنایر کمو نیز نبوده و نیست ... معدالک اکتوون که صحنۀ تغیر یافته و عوامل عوض گردیده است گذشته ماباتنم ناگواری ها در دو جسمی به کثیر دار جنگ افتد اند. هتلر به ۳-۲-۱۹۴۱ بعترال بود فرمان داد. ((برای خانم بخشیدن بین جنگ تبا تسریع سرزمین های وسیع کفایت نمی کند بنکه قوای رزمندۀ دشمن را ازین بردن و طبقه روشنگر و بلشویک های یهودی مشربد امّا گردن منتظر میست ...)) همزمان با این رویداد ها اندکی قبل از جاشت روز یکشنبه فرانکلین روزولت رئیس جمهور ایالات متحده امریکا را از شرایین آدم سفرا نجات بدھیم هر انسان و یاهر کشوری که مقابل نازیزم جنگ میکند معاونت عاردار یافت خواهد نمود ... روز همین طرز نظر خطا به روز یکشنبه خود را در رادیو فسخ کرد و بعضی آن ساعت ایش از مکروفون بی بی سی صدای او بلند شد که گفت: "وجرت و پایداری مداوم را توصیه کر دو افزود (هیجکس طرف این ۲۵ سال دشمن آشنا که دیگر موضوع پیاده شدن قوای آلمان

باقیدارد

شماره ۶



گل شمشاد پر پر شد

از کریم «هیثاق»

به دنبال او رفایش باهدیگر گفتند:

- جوانی خوبیست ، آدم شریف و فدا کاریست .

پس از لحظه‌ای خاموشی ناگهان ، یک صدابر خاست :

- داستن که یک بولیس ترافیک وظیفه

شناس است .

* * *

(شمشاد) در یکی از دهلهیز های پیاده رو

وظیفه اجرا می‌کرد . روزهای گرم تابستان بود .

سوژنده چندین روز است ، که تو عوض ما

(شمشاد) که بنابر عادت صبح وقت از

یکی دیگر از رفایش بالجه شوخت آمیز

چهره تاز مودریشی یاک آماده رفتن بود .

اوین آنکه دریاسخ رفایش چیزی بگوید ،

هم جوان بودیم باجرفقارا می کشیدیم . دیگری

که پیدا بود گرد پیری به سر و صورتش

نشسته است آهن زرف بر کشیده نهزمـه آفتاب زده اش را در آئینه دیدولبخت زنان

از آفاق بر آمد .

- شمشاد ، دیگر بس است ، بیش ازین مارا نه شرمان .

(شمشاد) که پیک گله اش را پاک می‌نمود گفت :

- رفایش این چه گپهاست که می گویند ،

ندین من و شما نبایدین گپها باشد .

یکی از همان رفایش بالجه امتحان آمیز

گفت :

- برادر ، درین تابستان ترق ، درین گرمای

کرد :

(شمشاد) باید دریشی رسمی به برهی داشت او با وجود گرمای طاقت فرما به حوصله‌مندی ترافیک را راهنمایی میکرد. گاهی به عراوه ها و گاهی به پیاده ها امکان رفت آمد را میسر می ساخت.

- بله، من خوش شده هست تا که نگو نسی رها کردند ات نیست.

(شمشاد) که با دست چپش نوک بروت هایش را تاب می دادنکاهای یش را به نگاههای او بخیه کردو گفت:

- تو از من چه می پرسی؟ او جوان زیبا و خوش اخلاقی بود و در میان

همسلکا نش چون ستاره می درخشید، با دجودیکه بر خورد وی با همه عابرین احترام آمیز بود ولی در وقت های معین صبح، چاشت و غصه، هنگامیکه کسی از پیاده رو عبور می کرد، او به گونه‌یی رسماً تعظیم و احترام می نمود که نسبت به وضع عادی اش بسی فرق داشت. در همین وقت ها نگاه های او کسی را در میان عابرین می بالید، وقتی نگاهش به

(او) می افتد سراسیمه می شد و با شتاب به حالت رسماً تعظیم می ایستاد و به کمال احترام (او) و دیگران را اجازه عبور می داد.

روز ها به همینگونه می گذشت مگر (او) به این وضع متوجه نمی شد.

یکی از هم مسلکان (شمشاد) که مامور مرافت موظفان بود روزی متوجه گردید که

(شمشاد) به کسی رسماً تعظیم مینماید ولی هر چه کوشید در میان عابرین نتوانست کسی را که شایسته رسماً تعظیم باشد بینند. چند روزی که او مرافت (شمشاد) بود، می دید که هر روز در وقت های معین این وضع تکرار می شود.

روزی از (شمشاد) پرسید:

- توبه چه کسی رسماً تعظیم بدجا میاوری؟ (شمشاد) لخته نی ساکت بود. بعد دیده هایش را به آسمان دوخت، پس از لحظه‌ای کبوتران در میان دیده های او، آسمان حایل شد و او روی بالای کبوتران نشست و به پرواز درآمد. به سر زمین های دورمسافر شده به سر زمینهای عشق و زیبایی، به سر زمینهای آدمیت و صفاتی ...

هم مسلکش پرسش را تکرار کرد و باین بین خود به شاخه های خیال های دل انگیز (شمشاد) آتش زد.

(شمشاد) که با دستمال سیپلش عرق عای خود را پاک می گرد گفت:

روزی خواهی داشت.

- از کجا می دانم؟

- از یک جانی؟

- از گدام جای؟

(شمشاد) درین وقت متوجه (او) شدو با

شتاب سر جایش ایستاده شده رسماً تعظیم به جا آوردوبا کمال احترام (او) و سایر خابرین

را اجازه عبور داد و بعد بهم مسلکش گفت:

- اکنون خو، دانستی؟

- والله من خو کسی را ندیدم که باید به او رسماً تعظیم کرد.

(شمشاد) کمی او قاتش تلخ شدو بالجه رنجش آمیزی گفت:

- باشد، روزی برایت می گویم.

- نه، نمیشود، باید همین اکنون بگویی...

دوخواهی داشت. بیرون از این دوست دو خواهی داشتند. دوازخواهی بالکشیده بود. بلارنک به دگان کل دانی فروش رفته یک گلستانی مقبول کشاوی است اتفاقی خریده و طوری گل را به طلاق بلند اطاعت نهاده که هیچ نمیتوانست به یادش آورده که همه این کار ها را چگونه انجام داده است.

فردا باز هم به وقت معین با سرو صورت پاکیزه و دریشی هرتبه خاطر دیدار (او) بالای وظیله آمد. بسی می گوشید تا هرچه فعال تر و منظم تر خدمتش را انجام دهد. هر دم به کوشش صدای دلنویز او طین انداز میشد. سردم خدمت کارانش را فراموش نمی کند.

ولی (او) امروز صبح نیامد. چاشت هم نیامد و خصر هم نیامد. فردا باز هم نیامد ویس فردا باز هم نیامد (شمشاد) دیگر ازو سواس و تشویش خواب و راحتی را از دست داده بود وی نمیدانست از کجا و چگونه سراغ (او) را بگیرد. تابه سپیده تم در همانجا درده دلیز بیاده رفته در گلر گاه (او) منتظر بود و قد م میزد.

در شب چند مین (دربیک شب تاویک، شبی که همه چیز را تاویکی هادر آغوش داشت و تبا ستاره عای در خشان از دور دست ها از دل آسمان نیلگون چشمک می زند و تلاش داشتند که تاویکی ها را روش نمی کنند. (شمشاد) دیوانه وار عرض و طول گلزارگاه (او) رامی پیمود و ساعتها در آنجا جای که شاخه گل را به وی داده بود، ایستاده میشد و در اندیشه فرو می داشت.

در همین حالت بود که چراغ موتوری دیده شای او را خیره گردید و در بر ابرش متوقف شد و در پشت سر آن هواتر های زیاد صفت بسته بودند. وقتی به خود آمد و خوب متوجه شد، داشت که موتور گل یوش عروسی است. از بر ابرش گناه رفت و اجازه عبور داد. در پرتو چراخهای داخل هوتربه نظرش امده که کسی دستش را به سوی او نکان می دهد. خودش را به شیشه هوتور نزدیک ساخت، عروس بود که یک دستش به گردن داماد حلقه شده بسود و دست دیگر را پایسوی او نکان می داد، به سوی آشنا، به سوی شمشاد.

بلی عروس بود. (او) بود ...

(شمشاد) در همانجا سدر گلر گاه (او)

در گلر گاه عشقش - خودش را پیر ساخت. فقط بادیدار (او) و با لبخند دوستانه اش که در برایر رسم تعظیم های او در دهن چون شگوکه اش نقش می بست شاد می بود. شاد می بود از ینکه غم دارد، غمی گرامی و خاطره ایگیز.

هر گز از حالت می پرسید. لغزش ساخت می بود و به حیرت می رفت و بعد با

لبه غم الودی می گفت:

(گل شمشاد) پر پر شد!!

خوش رنگ و ساقهای خوش ترا شش فراد نماید. روی پیراهن خوش دخشن از خودتکه پیراهن، کمرنده دد کمر باریکش به شکل گل زیبایی گره خورده بود. قدرسا، گردن بلند سینه فراخ، پستانهای برجسته واندام موزون داشت. بینی کشیده، چشمها آهونی، بالبان عقیرنگ و دندانهای صدقی اش چنان متناسب باز می گوید چه می پرسی، می پرسی به چهره گلک مخصوص قهوه‌یی دلکش نقش شده بود که هیچگونه عیوبی در آنها دیده نمی شد.

(شمشاد) در پیرامو نش نظر اندام خست، زلگهای پاک سیاهش تابه کمر افتاده بود، همه چیزش پاکیزه و طبیعی بود، هیچ آرا ییش صدای نرم (مثلیکه ترس داشت صدای او را مصنوعی در او به نظر نمی رسید. کسی دیگر بشنود) گفت:

در حالیکه یک شاخه گل سرخی به دست داشت با تمکین گام می برداشت و کم کم به

شم مسلکش از سینه سخنی ای خنده دلیلی پیاده رو نزدیک میشد. هر چه (او) نزدیک تو می شد هیجان (شمشاد) بیشتر می

خنده های تمیخ آمیز او؛ هجان (شمشاد) آتش بل کرد. از یکسو تابش گرها و از سوی دیگر

گردید. از سینه سخنی ای خنده دلیلی اندام و جودش شدت هیجان و احسا سات وجود او را چنان

گرم نموده بود که تمام بدنش آتش شده بود. پنجه های زور مندش چنان بفسارد تاخته دیدار (او) به چند کمی دلیلی رسانید، (شمشاد)

عراده ها را اجازه عبور داد و خود متوجه (او) سرخ می چرخید، دندانها یش را به هم شد. (شمشاد) طوری محو تماشای (او) گردید

می سانید و کلمه های ازدهنش می پرید. که پس از عبور کامل عراده ها، باز هم دستهای

یش باز بود و هیچ ملتمت حالت نبود. تا که (او) برایش گفت:

- اجازه می دهدی ، نوبت ماست.

(شمشاد) که به خود آمد به شتاب به

(او) نزدیک گردید و در بر ابرش رسماً تعظیم بلندی بالانی نموده گفت:

- بیخشید که درین گرمه باعث معلقی شما شدم.

(او) در مقابل این وضع احترام آمیز و حالت عیجان زده «شمشاد» با لبخند سیر یانه گفت:

- پروا ندارد ، مافظت چند لخته به گرمی ایستادیم، گرمی برای شما طاقت فرماست که ساعتها ایستاده هستید.

(شمشاد) که دربرابر (او) بکلی خود را

باخته بود. نمیتوانست سخنی پس داریم

کند، در حالیکه زبانش بندبند می شد

گفت:

- وظیله است .. خدمت .. شما .. خدمت

مردم است!!

(او) که به حالت هیجان زده (شمشاد) بی

برده بود به راهش ادایه داده با میر بانی گفت:

(شمشاد) در آن روز از یکی خوبی بسی دل تشك

می گردید - از عبور و هرور آدمان زیاد، او

آرزو داشت ایکاس غربان آنان هیچ کس دیگر

به شیر نباشد. (شمشاد) در میان این حیرت ها غوطه وربود که از دور (او) نهایان شد.

(او) امروز در تگاه (شمشاد) از زیبایی

هم زیباتر به نظر میادند. تنها یک پیراهن نفی

که زمینش سپید و گلگاهی نیلو فر دو آن نقش

بسته بود به تن داشت. آستین هایش کوتاه

بود و دامنهای کمی بالاتر از زانو هایش می

بی‌پنیم خدا

چه میکند

میداد او باید پویشان و ناراحت شود، او به
هزار خالی و قریبی حركت و مرده نظرانداخت
بیوی حیات در آن نشید و اگر آثار حیات موجود
نمی‌بود اقلاً چنین آثاری برای او وجود نداشت
او چون زار (جرگاه موافقی) نزدیک خانه اش
را به یک قصاب کرایه داده اما از هیچ چیز متأثر
نمی‌بود ولی درازدست دادن لوسی (مادیان هلن)
تا آن داشت.

این اسب جزء افرادخانواده شان محسوب
بیشتر و ارتباطی بازنش گریس و دخترش هلن
داشت. مادیان هرشب انتظار او را می‌کشید
و چنان قبلاً از آنکه برای خوابیدن برود بسیار
طبق فرمایش دخترش خبر لوسی را می‌گرفت -
بعضی در شب های مهتاب اور در خیابان ها اطراف
هزاره قدم بیزد در حالیکه لوسی مثل یک سگ
و فادر و تعلیمی اور اقامی به قدم تعقیب می‌گرد
و حال این اسب دست آموزکه صاحبانش با او
و او با هم خانه انس گرفته بود از دست رفت.
امروز اسب فروخته شد امروز عصر وقتی
می‌تریزد بردن لوسی بجهای رایه خانه چنانی
روانه کردبار فتن لوسی خانه بش از بیش
خلوت. ساخته رده و خالی معلوم می‌شد و بالغ
این اسب که یک اسب معمولی بود چه نظری
در حیات او و دخترش هلن آورد بود همین
تفکرات و اندیشه هایش از پیش جانی را نارام
و پریشان ساخت فکر می‌کرد که از دست دادن
اسپرا چکونه به هلن توضیح داده خواهد
توانست. اسپر که هلن را از مرگ نجات داده
و بهزندگی امیدوار و مایل ساخته بود خوب
حال دیر بود اسپیازدست رفته و پول آن نیز
به حساب شفاهانه (بیمارستان) تسلیم داده
شد. بود لوسی به هلن سواری میداد و هلن را
از رنج بستر و معروفیت پانداشتن نجات داده
بود. حیات رایه اود دست داشتنی و خوستش
ساخته بود در هر مکتب خود هلن کوچک راجع
به لوسی می‌نوشت و از یارش میرسید که لوسی
در جهه حال است؟ او دستمال دست خود را
ذریعه بیوسته برای یارش فرستاده و توصیه
کرد که بود که آن رایه لوسی بسدهد که بسوی
او نوشته بودن همه شب دستمال را در بسته
با خود داشتم تایوی سرداشته باشد لوسی
جنایترا تشخیص می‌کنند بدر دستمال را
جتنم بله لوسی بدهد اولین کار را کرده و دستمال
شن رایه لوسی داده بود که او آنرا بوهیگرد -
و در مقابل از جانی نسبت این هر دیه گرانه
ناجشم و اینها و اسارات (دانه حیوانی) خود

اجرت شان مخصوص شدند. تنها هرمان پیره‌هازده
و این روز را هیتوانم یکشنبه که روز مخصوص
بود اونوکر وفاداری بود که باین خانه واهل آن
عشق می‌ورزید او بجهانی گفت اگر پول هم دریافت
نمی‌شود انتخاب کنم.

لوسی تنها چیزی بود که هلن برای آن
نکند همینکه غذای بخورونه باید چایی نمی‌رود
ایراز نگرانی می‌کرد. اما چون این کارها خود
چنانی همواره در اندیشه‌های خود مفروق بود
یک هاجرا بود یک تغیر بود او پیدیرفت او قبل
از از اعطاف هوای پهاروزی بیانی هزاره و اطراف
حنا نمیرد اصلاً زیباتس برای او گه از خانم
ویگانه در شهرهای بزرگ نبوده و احسان
اینکه شهر مرکزی گشورشان را خواهد دید
که احسان رضایت و قناعت می‌کرد. او گفت:
لوسی هرایاد خواهد گرد چنانچه من عقب لوسی
انسانهای متحسن قابل درک و احساس است
و ابا هم خانه انس گرفته بود از دست رفت.
اعزور اسب فروخته شد امروز عصر وقتی
می‌تریزد بردن لوسی بجهای رایه خانه چنانی
روانه کردبار فتن لوسی خانه بش از بیش
خلوت. ساخته رده و خالی معلوم می‌شد و بالغ
خواهد بود زندگی بدون دوستی و رزیدن و دور
کسانی که از عزیزان خود دور هستند چنین
خواهد شد. بدر تو هر اتفاق لوسی هیباتش هان
رسیدن بوجودات عزیزی که دوست شان دارد
پدر صدای اواینوقت مشوش گشته و شبهه
به یک ذاله بود. پدرش گفت: هان بچشم من
از او هر اتفاق و نگهداری می‌کنم.

بالاخره آنها به بیمارستان رفتند. چنانی تنها
بود، نامه هایی از گریس زود زود تقریباً همه
شخصی در خلای کامل و در حالت بی‌وزنی قرار
داشت. باشد چنانی هم درین مدت کوتاه در غیبت
زن ویگانه فرزندش. فرزندی که از جان خود
بیشترش می‌خواست و برای بیرون از هیچ‌گونه
ایشاره و فداکاری و قربانی درین نمی‌گرد چنین
احساسی داشت چنانی خود را دوراز زن زیبا
و دوست داشتنی هیریان و باغاطقه‌اش خسروی
آن دو خانه انتقال داشت گه لحظه
والحقائقی آفوس بروی او بازگشت و در بازو اش
قرار گرد اونامه‌های گریس را از بیوسته خانه
قریه تسلیم می‌شندیگ در خانه صحبت شیرین
و احساناتی هلن شنیده نمی‌شده همه‌از خویی
آب و برگاهی بی‌معنی درین گاینات و سیع
می‌بنداشت. او همه چیزی را که در خانه داشت
ولی برای اوسالی معلوم می‌شد آنان بروی
تصوفی همشود در مقابل صحت یافتن یگانه
دختران اهمیتی ندارد من تمام زندگی ام
را در این قمار می‌زندم.

گریس گفت: جان من با هلن بروم و آنچه
بعانه خواهیم هوریل بیاشم. آیا تو مرای مدتی
می‌بند و خانه را هر اتفاق و غم‌خواری می‌توانی؟

بنای من بیمارستان نباشد من ترتیب خانه
دانه این هر چند همیزه که دهلا گازریزی ندارد
آن را در این قمار قلبی نمی‌براید. موافقی قلیلی
که دانده سرعته هر اتفاق زیاد نمی‌خواهد

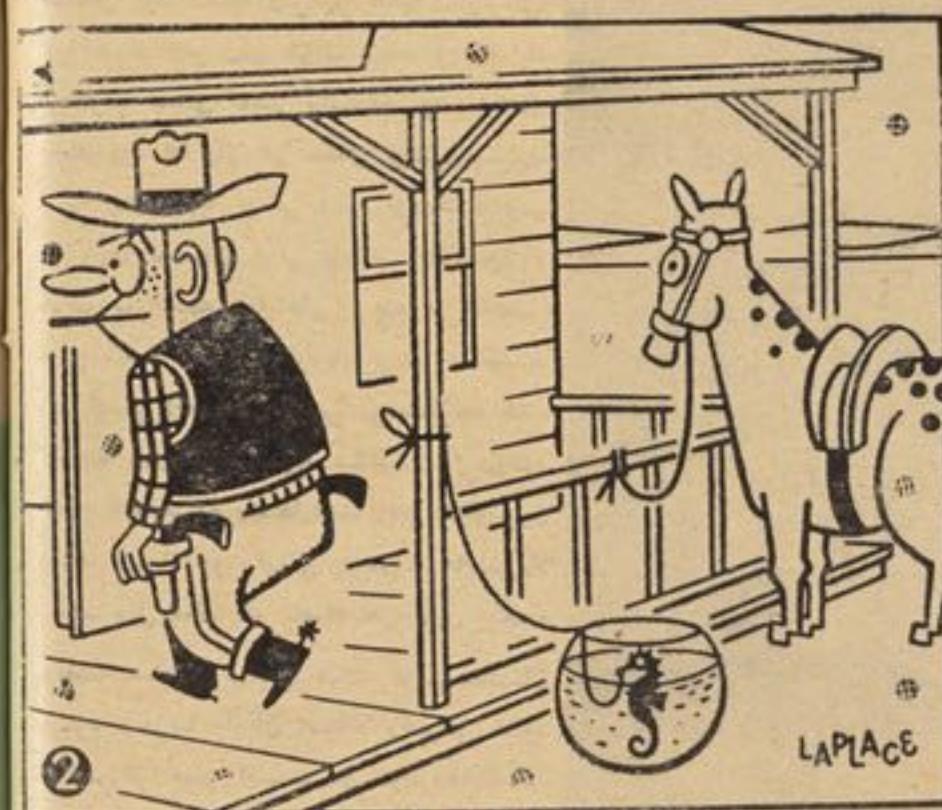
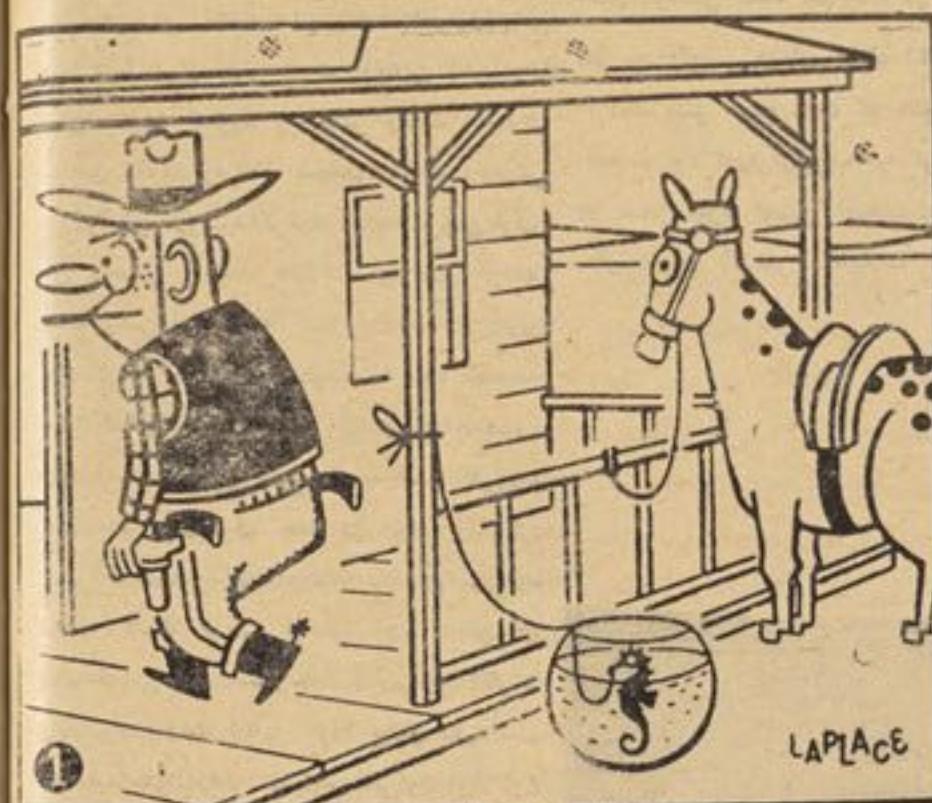
باطاق مادویده آمدند و درحالکه ازگریه یا دای
داده جوابداد دراسب بند (غیل) استمیتر
گفت بلی من اورا دیم سجانی گفت فرانکچه
حرف زدن نداشتند بطرف اسب بند اشاره
میکردولوسیلوس چنگ میزدند چارلای تاهیمین حالا
واقع شد من خواب بودم که لوسی آمد و مرد
بیدار کرد تازه چشمم گرم شده بود، و حال
که هن می آمدم گریه میکرد جانی گفت
بود اما روحش آرامش یافته بود بسی هیچ
فرانک دروازه اسپندرا البته بازمانده بودی؟
هم غرق خواب بودم که توآمدی من هم بیدارت
لوسی خانه بود اما باخانه بودن لوسی کار
تنه مطمئن هستم دروازه بسته بود و حال هم
صاحب یانجام نمیرسید لوسی فروخته شده
بیدار شدم اما چرا چه واقع شده خوب من
و پول آن نیز تادیه شده بود و پنجاه پوندی که
فوري آدمم طفل ها از گریه و نارامی خود هر
میزد دربدل قیمت لوسی برایش داده بود
فلا درست و در راه به مارستان بود، خوب بیه
دیوانه ساختند آنان پریشان و فراحت شده
میزد در همین لحظه هم خدا در آسمان و آن بالا
وجود است که سه تای آن با سیم خاردار
بیشانده شدم فکر کن لوسی مثل یک زاغ
پریده و اینجا آمده تعجب آوراست جانی گفت
آنده خوب بگو چه واقع شده چه واقع شده
چه میدانم؟ ما اورا دراسب بند گذاشتیم علوفه
فرانک میتر صبح وقت که هنوز روشنایی پوره
نمیشه بود اورا از خواب بیداگرد جانی، جانی
که آرام و جابجا شده و ناوقت شب اولادهای از
کلکین اطاق شان سرشان اخارج ساختند تا
لوسی را زباله بینند دیدند که لوسی رفته آنها
باقیدار

ریخت و خود بطرف خانه اش رفت
این بار وقتی جانی به بستر شد وارد شد
خواب زود تربه سراغش آمد او خسته شده
بود اما روحش آرامش یافته بود بسی هیچ
فرانک دروازه اسپندرا البته بازمانده بودی؟
لوسی خانه بود اما باخانه بودن لوسی کار
تنه مطمئن هستم دروازه بسته بود و حال هم
صاحب یانجام نمیرسید لوسی فروخته شده
و پول آن نیز تادیه شده بود و پنجاه پوندی که
میزد دربدل قیمت لوسی برایش داده بود
فلا درست و در راه به مارستان بود، خوب بیه
دیوانه ساختند آنان پریشان و فراحت شده
میزد در همین لحظه هم خدا در آسمان و آن بالا
وجود است که سه تای آن با سیم خاردار
بیشانده شدم فکر کن لوسی مثل یک زاغ
پریده و اینجا آمده تعجب آوراست جانی گفت
آنده خوب بگو چه واقع شده چه واقع شده
چه میدانم؟ ما اورا دراسب بند گذاشتیم علوفه
فرانک میتر صبح وقت که هنوز روشنایی پوره
نمیشه بود اورا از خواب بیداگرد جانی، جانی
او صدا میزد لوسی اینجاست جانی چشم
های خواب آلوش را بایست دست ما لش
لوسی را زباله بینند دیدند که لوسی رفته آنها
باقیدار



چند اختلاف

ظاهر این دو شکل باهم مشابه
میباشد اما در واقعیت چندین اختلاف
در آنها موجود است آنرا در یافتن
نمایند و بما بتوسید.



سرگرمی‌ها

این هوسيقيدان کيست

او در ۷۴ سال ۱۸۳۳ ميلادی داشت و چون با كلارا شومان همسر در شهر هامبورگ در حانواده مرو را برت شومان برحوزه کرد، با ولد سيميدان فقيری که بنان شب محتاج بست ولی تازمانی آن را برت شومان بود قدم بعرضه وجود نهاد گرچه در حیات داشت، نه كلارا او نه را برت اوائل زندگی کم مانده بود از بسی از اين عشق که همه وجود اين غذای بيديار عدم رهيبار شود ولی موسيقيدان را ميسوزانيد مطلع بعدها در موسيقى نامي درخشان و نشندند.

قسمتی از زيبا ترين آثار موسيقی او، در طی همين سالها که موسيقيدان عاشق، رازدرون را در سبته خود مخفی میداشت بوجود آمدند و سر انجام وقتی در سال ۱۸۵۶ ميلادي را برت شومان پدر و دخیات گفت او روزی از عشق خود پرده برداشت و آنرا نزد بیوه شو هان فاش ساخت و در حالیکه يكی از جدید ترين آهنگهاي خود را با وتقديم ميکرد ازاو تقاضاي ازدواج مشكل موسيقی بود و در سال ۱۸۴۳ كه راه ساله بود برای اولين بار به خلق آثار موسيقی برداخت و اينهمه ذوق واستعداد وابتكار را آن سنه بزرگتر بود قبول نکرد، اين تنها سبب شد تا نظر يكی از بر جسته ترين موسيقيدا نان آنروز آلمان يواخيم ويولو نويست مشهور با جلب را پذيرفت و نه تا آخر عمر ازدواج کرد.

يواخيم موسيقيدان جوان را در و سر انجام نيز روز ۸ پريل ۱۸۹۷ جريان يك کنسيرت ملاقات کرد و بوصيه ميلادي بعد از شصت و چهار سال او بود که در آن از آهنگمندان مشهور زندگی مرد آثار او چهار سنقو نی، آنحضر يعنی فراتز بست و را برت کنسيرتی ويولون وغیره میباشد. شوتان سر بر سمت هيری اورا بعده شما اسم اين موسيقيدان را براي گرفتند و در آن زمان او بسيست سال ها بتوسید.

ابيات ذيل را تكميل کنيد

بدین خرمي..... بدین تازگی بهار
بدین روشنی..... بدین نیکو بی نکار
يکی چون بهشت يکی چون هوای دوست
يکی چون بلخ يکی چون بت بهار
..... از سر شک ابرهوا از نسیم گل
درخت از جمال برگ سر که ز..... زار
يکی چون برند سبز يکی چون خوش
يکی چون خوب يکی چون رخان یار
ندزو عقيق روی سپید رخ
گوزن سیاه چشم سنتیزه کار
يکی خفته بر برند يکی خفته بر
يکی زسته از تهفت يکی از حصار

پيدا کنيد



حيوانی را در بين اين دايره می
بنيد ولی حیوان میخواهد خود را
بين ديرها خارج کند شما به اورا
رعنایی نموده از آنجا بپرون سازيد
و به ما بتوسید که زمیان کدام حروف
خارج میکردد.

این تکت پستی در کدام سال به
حاج رسیده است؟



این تکت پستی که به مردم از مردم نیوزک بنام «رابرت بیراگ» که کلکسیون تکت پستی داشت دوورقه پستی که شامل صد قطعه بود برای نگهداری خرید وقتی که مدت اعتبار این تکت به پایان رسید و خریمو فروش آن به بورس افتاد این مردم متوجه شد که تمام تکت های او اشتباهی است با این ترتیب که عکس طیاره بارگذاری جداگانه بجانب شده در حالیکه بقیه تکت های بازار بر تک دیگری بود همین اشتباه سبب شد که مردم هر یک از تکت های رابرت بیراگ ۱۵۰۰۰ هزار دلار خرید و فروشن شود مالک این تکت ها مدت های بیش مرده است.

شما بگویید که این تکت پستی در
کدام سال و رخاطر هاست. حاب زمده

برقم صفحه : صالح محمد اکبیسار

این جدول را خود تان طرح کنید

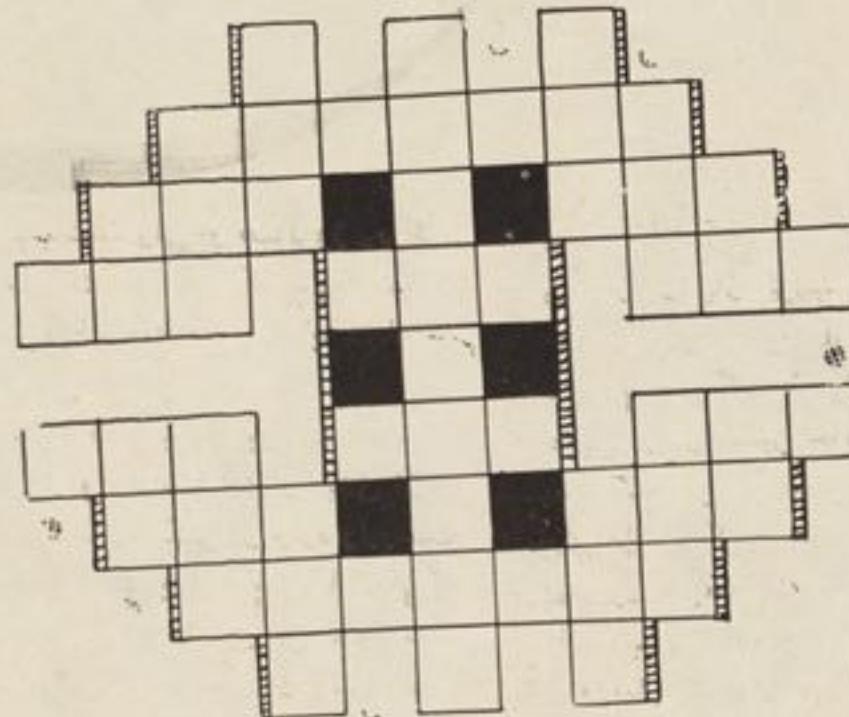
- ۱- الف، ب، ن، د، و، ل، خ، س، نمره کدام ده نمره

۲- ت، ح، ز، ش، ص، ع، ف هر پنجاه نمره

۳- ق، ز، ک، ج، ط، ظ، غ، م، هر ماترخ های ارسالی شمارا درجه به اساس همین نمره های تعیین شده م بیست نمره

۴- هی، ب، ذ، ز هر کدام چهل را معرفی خواهیم نمود .

۵- ض، گ، ج، ث، ذهر کدام



حد اکثر وقت برای طرح این جدول: و هفته بعد از آن تشریف مجله است لطفاً طرح خواشید شد. هر چه زود تر به آدرس مجله بفرستید.

اعداد ذاكرة معلوم

این شعر را منظمه ساخته و بگوئید
شاعر ش کیمیت

بهار است و ما شاخه پر از گل را باید دنیا سعادت بشما تقدیم مینماییم
اما میدانیم که باد بهار چندین برسگاهی شکوفه را پرا گنده نموده واز
هم باشیده شده است که در هر گلبرگ آن یک کلمه تحریر گردیده
است که از تنظیم آن شعر یک شاعر بوجود می آید شما این شعر را برای
ماینام شاعرش بفرستید.



یک عدد هفت رقمی با یک عدد سه رقمی تقسیم گردیده است اما نسبت چه شدن رنگ بعضی اعداد از بین رفته است آیا شما میتوانید که اصل اعداد را دریافت نمایید و ناگفته نماند که چندین عدد پنج از آن باقی مانده است اصل اعداد را بنا بتوانید

سایر خوانندگان به حل آن بپردازند
لبته کسانیکه بدرجه دوم و سوم هم رازمیگیرند جدول شان نشان میگردد لی از نشر عکس شان خود داری بواهیم کرد زیرا ممتاز مذکور را نشانه طراح درجه اول قابل شده ایم.
ایند تذکر بدهیم که امتیازات از روی مرء کلمات سنجیده میشود، اینکه مرء هر کلمه را نشان میکنیم

خوانند مگان غریز!
درین شماره بعضی جدول های
عادی که همیشه درین صفحه بنظر
تان رسیده است جدول جدیدی نشر
میکنیم که شرح ندارد و معنی آن
اینست که فقط خود جدول رسم شده
ولی طرح نگردیده است. ما طرح این
جدول را بعده شما میگذاریم و البته
علاوه‌دان جدول خوب میدانند که
طرح جدول به مهارت طرح کشیده
بستکی دارد همانطور یکه یک نویسنده
چیره دست در بازاره یک مطلب معین
نوشته بخته ویر مغزی هینو یسد
نوشته نویسنده مبتدى نمی تواند
به همان زیبایی باشد طرح جدول هم
با اندازه دانش وقت طرح کشیده
از تباطط دارد. حال هاین جدول را در
برابر شما قرار میدهیم تا بزرق
خود آنرا طرح کنید و البته چند نکته
را با اینست رعایت نمائید.

- ۱- تکرار حروف مانعی ندارد ولی ز تکرار کلمات در سنتون های مختلف جتناب کنید
 - ۲- بکوشید کلمات داخل جدول مقرون و معنی ذرستی داشته و از کلمات متداول باشد، چه بهتر که از اسمای شخصیت معروف، مجلات و یا حیز های معروف استفاده کنید .
 - ۳- کلمات بی معنی و یا ناقص را حتی الامکان نگنجانید .

اکنون که این مطالب برای تسانش
روشن شد باید پیگوئیم که طرح‌های
رسالی شمارا وقتی که در یافته
مودیم در صورتیکه نکات بالا را
عایت کرده باشید با اساس حروقی
استعمال کرده اید نمره میدهیم
بر طرحی که مجموع نمراتش بیشتر
زمه باشد عنوان طرح درجه اول
نتخاب و همراه با عکس طرح کننده
این جدول مجدداً نشر میکنیم تا
سایر خوانندگان به حل آن پردازنند
لیسته کسانیکه بدربجه دوم و سوم هم
رازیکردن جدول شان نشر میگردد
لی از نشر عکس شان خود داری
نواهیم کرد زیرا ممتاز مذکور را نهاده
طرح درجه اول قابل شده ایم.
ایند تذکر بدهیم که امتیازات از روی
هر کلمات سنجیده میشود، اینکه
هر کلمه را نشر میکنیم

دوزن در

زندگی اش

«چه شده است؟»
«از خواهر بزرگت پر سان
کن!»
وقتیکه تو نی بالا آمد، با لحن
تهذید گرانه گفت:
«ترابه شده جدی فقط سعی نمود
پتو کمک کند.»
«همیشه همین گپ اس.»
«او بدون اجازه اتاق ما را باز و
داخل آن شده است.»
«خانه خودش است.»
«او نکفت که ما می توا نیم
مستقل زندگی کنیم؟»
بعد هر دو ما هیچ گپ نزد و آن
شب را روی بستر بدون اینکه باهم
تماس کنیم خوا بیدیم. روز بعد
سرم به شدت درد می کرد. تو نی یک
کلمه هم گپ نزد و حتمی بد و ن
بو سیدنم خانه را ترک گفت.
با آنهم به کار رفتم و لی تمام روز
سرم در دمی کردم و روی قلبم با -
ستگینی فشار وارد می کرد. من
متحمل چنگ و منا قشها را پاتونی
نداشتمن لذا هنگام نان چاشت کمی
سبزی وغیره خردم تا شور بای
تر کاری که خیلی آنرا دوست داشت
بپرم. سعی کردم بعد همه چیز را با
آرامش حل و فصل کنم.
ولی آتشب هنگا میکه تو نی بخانه
آمد صدای زمزمه ها و سپس بسته
شدن در واژه را شنیدم و بعد سکوت
همه جا بال گسترد.
در حا لیکه گاز ذیر دیگ شوربارا
خاموش می کردم قلبم را خالی
احساس کردم.
تونی بدرون رفته بود که جدی
و بیل را ببیند و حتی مرا ندیده
بود.
وقتیکه بالاخره آمدبوی بیزار دهانش
شنیده می شد.

بر سیدم:
«نان؟ ویا اینکه خورده ای؟»
گفت:
«شیلا اینطور گپ نزن. جدی مرا
خواست تا معذرت بخواهد من
برایش و عده دادم که بعد از نان
خوردن پایین خواهم رفت...»
باقدار

از وضع خانه آمد.
در واژه را باز کردم. و حیران
ماندم. اتا قپاک تراز آن بود که من
دیده بودم چیر گت خواب در سمت
شده بود و در آشیز خانه طرف ها
شسته شده بود. با حیرانی در واژه
الماری را باز کردم همه چیز تغییر
خورد... بعد همه چیز را فهمیدم
باشتات و عجله به پایین برگشتم
جدی و بیل مشغول خوردن نان شب
بودند. من بدون تو جه فریاد کردم:
«تو در اتاق ما رفتی؟»
جدی سعی کرد با خوش رویی
بگوید:
«بلی شیلا صبح دیدم که شما به
عجله از خانه برآمدید. سعی کرد
باتو کمک کنم. چرا چه شده؟»
صدایم بلند شد «چه شده» باز
چیغ زدم.

«تو کار دیگر نداری که به اتاق
های من وار سی می کنی. او لین بار
بود که ما کمی دیر خوا بیدیم. و دیگر
لازم نیست من خودم کار هایم را
انجام میدم.»
بیل داخل صحبت شد.
«شیلا عزیز جدی فقط سعی کرد
پتو کمک کند.»
«تو اشتباهی کنی. تو نی شو هر م
ا.ت. نه طفل خورد کسی دیگر.»
برگشتم و بسوی اتاق رفتم و در همین
موقع تو نی داخل شد و فکر میکنم
همه گپ ها را شنیده باشد. به همین
خوردن پایین خواهم رفت...»
باقدار

تاگرم باشد. ولی او همانروز دیر کرد
زدن بر گشتهای جدی با احسا س
عجیبی بسوی تو نی دید و گفت:
«توباید با این پیراهن زندگی بیرون
بروی..»
البته این اشتباه خودم بود. یا دم
رفته بود تا پیراهن های تو نی را از
کالا شویی بیاورم و او تنها یک
پخته بود برایم داد. و من نخواستم
احساسش را جریحه دار بسازم.»

«احسا ساتش» در حا لیکه نان
خراب شده را پیش رویش می
گذاشت زیر ایب غمغم کرد. حتی
فکر نمی کرد که تو نی در پایین خانه
با جدی باشد.
به این ترتیب می دیدم که جدی
دست بازی در زندگی ما دارد.
احساس کردم که بدام افتادم. گلویم
بر از بعض شده بود.
بعد تر برای اینکه وضع را بدتر
کرده باشم ساعت سر میزی را
که کنار ما قرار داشت و هر صبح
بازنکش ما را بیدار می کرد، متوقف
باختم.
«جدی فرا موش کرده که من تمام
روز کار می کنم.»

او شانه هایش را بالا زد:
«فرق نمی کند ما خود بخوبیدار
خواهیم شد.»
متاثر نباش. او همیشه عادت
داشت تا برایم کار کند و حالا بزودی
با عجله بدون اینکه به سر ووضع
این عادت از سر ش نمی رود.»
ولی این کار بمن پسیار سخت
آنروز بکارم خیلی مصروف بودم
و زمانیکه خانه بر گشتم مانده و
شام دیگر غذای که تو نی دوست
داشت پختم و آن را در داش ماند.
خسته بودم و باقلب بر یشان یادم

قصه‌ای از غصه‌ها

میدانید اطلاع یافتم که زن و فرزند دارد. ای واي ... چقدر خود را درمانه و بد بخت احساس میکردم رقی این موضوع را با او در میان نهادم. دیدم باقا حت تمام و پر رونی چین گفت.

اگر تو خوش باور نمی بودی با این زودی همراهم اشنا نمیشدی. در مرآ شما که احساس دارید عوار طف آدمیت در شما زنده است بهتر میدانید و می فهمید که ازین حقه بازی و طراری در آن لحظات چقدر احساس نا راحتی کردم چاره نبود موضوع را با شما در میان گذاشتم که زین مورد رهنمایی ام گنید.

م.ت از شهر تو

خواهر عزیز!

چه خوب است که بادیده باز اطراف ترا بنگرید و چهره هایی که را که هر آن لحظه با تغییر ما هست شمارا در دام می اندازد دقیانه بزرگی گنید.

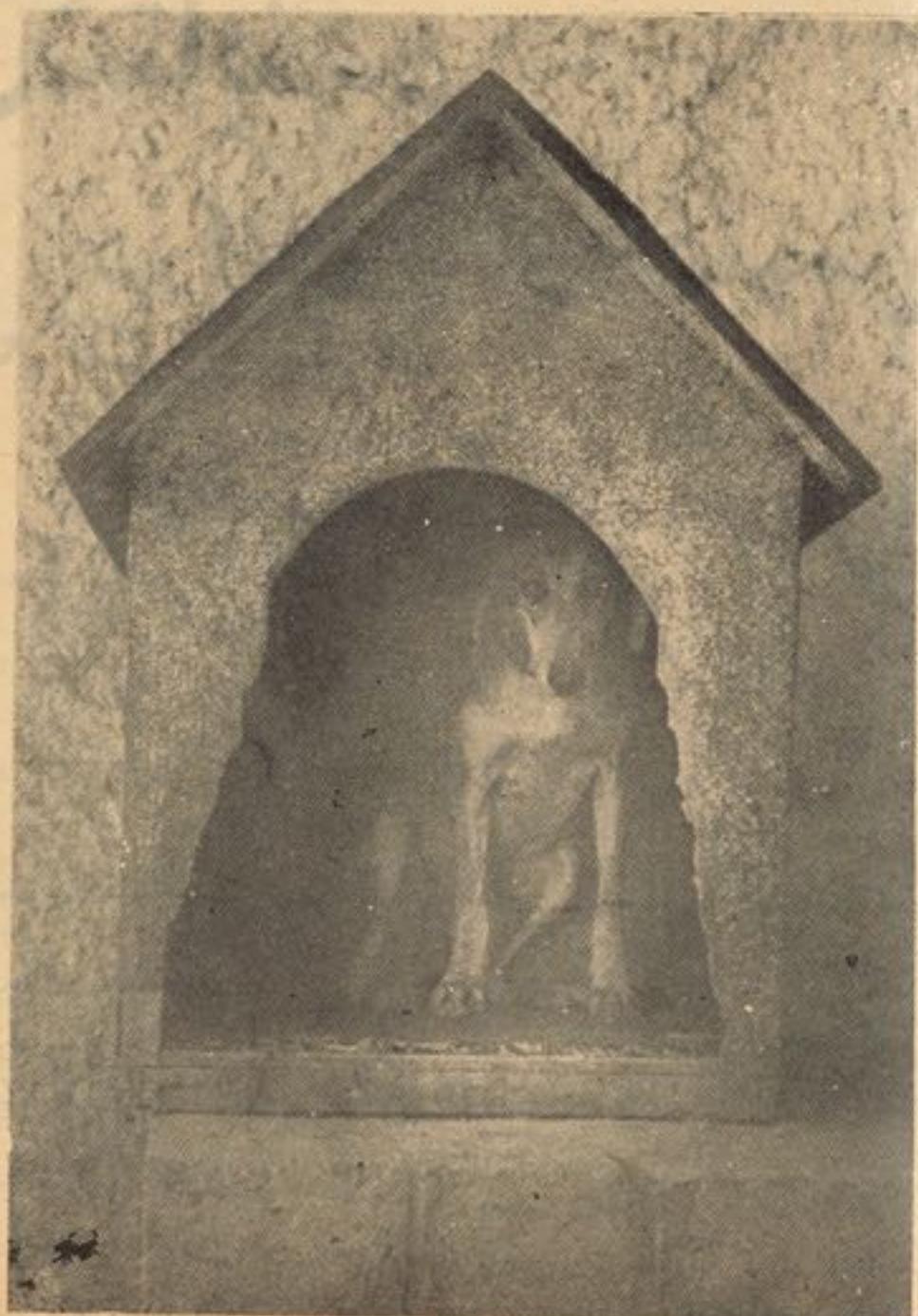
گردیده است بفکر مابهترین رانجات ازین سر گردانی فراموش کردن «او» است و بس. با مید موقیت مشکلیکه اینک سر راه شما سبز



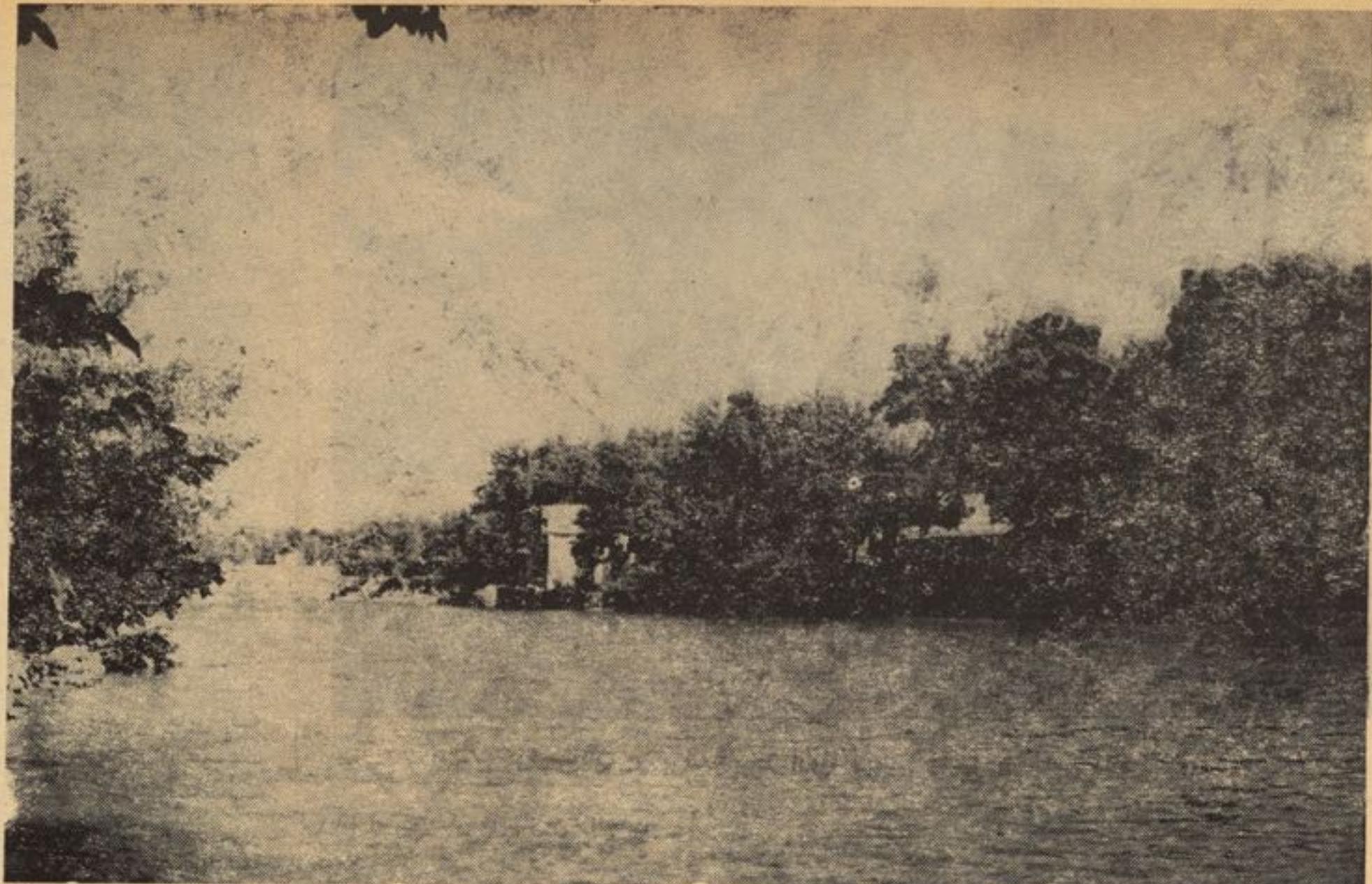
کوهستان‌ها بر برف آلپ در اروپا زیبایی و شهرت خاص دارد

کشور ۲۰۰۰ فرنگی

شهر صنعتی لیختنشتین است بزرگترین (تفربا سه چند نسبت به مالک عموار هرگز ترانسپورتی، سرکها و پیزدگرین لیختنشتین و سویز لند ارزانتر) سرمایه عملی استیشن قطار لیختنشتین و مرکز خط قطار این کشور محسوب میشود. با یاخت لیختنشتین که با کوههای بلندی استریا و سویز لند همباشد. بادهای «فوهن» رول بزرگی را در جهات اجتماعی و اقتصادی احاطه شده است کوه (سه خواهر) از مهمترین لیختنشتین بازی میکند این باد، هوای خشک آن بوده و اکثر مسابقات سپورتی زمستانی در و گرم را با خود آورده هوای این کشور را معتدل همین محل اجرا میگردد در دامنه این کوههای تاریخی که بین سالهای ۱۵۲۳ و ۱۵۳۶ بنا میسازد و برای زراعت خلی مفید واقع میشود. باغات بصورت کم و بیش با میوه چات سیب، ناک و الو اطراف منازل را احاطه کرده اند. تاریخی مکتب هالندی، اسلحه قدیمی و دیگر دهات با آنکه خلی سرسبز اند سبز بجات از آثار کلتوری قدیمه جمع آوری گردیده است. قبیل گرم، فاسولیه، نغود، بالک و چواری زبان رسمی این کشور کوچک آلمانی و واحد برای خواراکه حیوانات کشت میشود. یولی آن فرانک سویسی میباشد که معادله صدست است. نود فیصد جمعیت این کشور را کاتولیک تشکیل میدهد. عایدات ملی سالانه یک نفر به ۱۷۰۰ دلار میرسد روز ملی احتیاجات خود را از خارج وارد کند. بسیاری سرمایه کشور را توریست تشکیل میدهد. کوههای بلند ۲۵۷۳ متر، وادیهای سرسبز و شاداب، عوالمای مقبول و عصری و ارزان سویز لند وصل است.



چه فکر میکنید از باران گر یخته، تو سیده و با کمین کرده است؟
هر چه باشد برای عکاسی یک حساس است!



فروش آبهاي مست سيلا ب داشتگى گلبهار

رقص آبهای شتابنده

در وادی‌های خموش
توت و تلخان منبع کالوری و قوت

پنجشیرو آست یا پنججهیرو؟

ها را می‌آزاید و توت فرا وان آن
به نام ابراهیم خانی، کبوتر، سفیدک،
شیر توت، خودی، چلکری، بیگمی
یاد میشود که شیرین ترین آنها
در این دره‌های شاداب چشم‌های
سره و شفاف چون پاره‌های الماس
بیگمیست. انواع مختلف سیب و
زرد آلو نیز یافت میشود ز مین های

تنک و سر سبز دیگری نیز در آن
امتداد چون زنجیر رها بهم پیو ند
یافته اند.

می‌ساید و گرد شیری که سرده‌هوا
به طول ۱۲۰ کیلو متر افتاده است.
دریای خروشان پنجشیر از سرچشمه
شتابان و پر تلاش به سوی دامنه‌ها
می‌شتابد امواج کف آلود آن بادلیری
وباشکوه راه آبهای بیکران را پیش
گرفته است که علاوه بر آن دره‌های

سر شار خود مانع راز جلو خود
بدهد ولی توأم یا وی تینالیز از کن
او ناسیس بدر رفت. در سال ۱۹۵۹

بر میداشت.

درۀ پنجشیر از نیلاب تا انجمن
به طول ۱۲۰ کیلو متر افتاده است.

علیه او ناسیس تسبیت به طلاق خود
آقامه دعوی کرد و بعد از یک سال دعوی
بالاخره محکمه قرا ر خود را علیه
او ناسیس صادر کرد و طلاق یکطره
به ملامتی وی صورت گرفت و متعاقب
آن او ناسیس همیشه عارت داشت
برخورد ها مظنون شد.

زندگی دو خوا نواهه موواجهه بخطربود.
او ناسیس این سوال را مطرح کرد
که با چه مقدار بول شوهر ماریا کالاس
از نظر ناپدید خواهد گشت.

او ناسیس ازین وقتی مشکلی رخ میداد بیاری بول جیوانی ناگزیرشد میدان را ترک
دو ندن

بقیه صفحه ۹

انا ناسیس وزنهایش

برخورد ها مظنون شد.

درینوری او ناسیس و ماریا کالاس
بیگدیگر نزدیکتر و صمیمی تر شدند
ولی آنچه علیه او ناسیس اتفاق افتاد
این بود که تینا زن او ناسیس ازین

تو شکن یعنی پشته های محکم و نشیب های تند که به زور بازوی پاشند گان آنجا من روی گر دیده است از سالها گواه نبره شکست ناپذیر مردم آن دره ها است. کثرت تعداد نفوس و کمی ز مین راه شهرها را فراختر باز کرده است و از همین رو گروه های انبوه مردم به سوی شهرها سرازیر شده اند. این ضرب المثل آنچا مشهور است که: از پنجشیر باشی و در پنجشیر نی چون قطمه های کوچک ز مین پر سانگ و ریگ اندود آن نان کافی برای باشند گان آنجا تهیه دیده نمیتواند ما لداری نیز تا حدی بار زندگی را به دوش برداشته است.

در پنجشیر قبل از حد هقان چهاریک مخصوص از خورده مالک ها بود، چه آنجا مالک بزرگ هزارجریبی بیدا نمیشود. واژ آن پس پروژه سانگ، پروژه نتکه هار، ماهی پرس و نفلو بازار خورده مالک ها را نیز کساد کرده است و جوا نان پر زور و دلیر پنجشیر در فا بریکه ها و رزمگاه های ماشین قهر ما نهادست به کار زده و در جریان تو لیدی افغا نستان سهم شايسه داشته اند.



دریای پر برگت پنجشیر می غرد و مدام در میسر پر پیچ و خمسن در جریان است.

اما این صنایع آخرین جنبش های محصولات دست با فته مردم بود. از روز گار باستان کر باس باقی خودرا در بسته های در میان خانواده ها رواج زیادی داشت بدانهد که عمو ما لباس خودرا پنجشیر در پر تو ما هتاب شامگاهی کنده کاری در چوب و عرقچین از آن تهیه می کردند و در پهلوی آن دوزی هم آنجا رواج دارد....

باقیه در صفحه ۵۸

از روزی نیو، واین است که تمام مردمیونانی برسم تحفه وداع یک گردن بندوزین مرکب از طلا وال ماس را به زاکلین تقدیم کرد. این هدیه زاکلین مخصوص ساخت. از روزی نیو خودش اعتراف میکند عشق هما نند او ناسیس با بدست آوردن ما ریا کلاس انقدر خود را موفق و مغرو ر مینداشت مثل اینکه دریک نبرد عظیم تجاری پیروزی بزرگ بدست آورده باشد. رادر آغوش ماریا کالاس میدیدند که شیرتش در تمام ستیز های دنیا نسبت به صدایش وسیعتر بود. احسان شادمانی میکرد ولی طوریکه خودش اعتراف میکند عشق هما نند او ناسیس با بدست آوردن ما ریا کلاس از خط است و بزم، سر مايدار وصیت خود را موفق و مغرو ر یونانی فقط بخشش آخرش قابل اعتبار یکروز سوار کشته کریستان خواهد دانسته میشود. و به این ترتیب در الاش کشته شد. اونا سیس رفت باشندگان و در مراسم سو گواری باشندگان اینکه خود کالاس دیگر برای اونا سیس حایز رایک وقتی مهمان کشته خود ش کرده بود. مثلا یک وقت و نیستون که انکیزه اصلی مسا فر ت اونا سیس به امریکا چیز دیگر بود. و وقتی مراسم سو گواری پایان یافت میکرد. همین اوناسیس بود که گریتار گاربو تقریبا نیم هالیوود را مهمان نکرد زیرا درین مراسم صدھا تن کشته معروف خود ساخت بهمین ترتیب کنیدی هارانیز دعوت نمود. دیگر نیز حضور یافته بودند که سزاوار پذیرایی واستقبال دیگر دستان خودش گفته بود که یکبار میشندند. تا اینکه تابستان سال ۱۹۶۸ فرا رسید. و چاشت روز عید نوئیل زاکلین و او ناسیس، این زنی برباد کنم ولی دریغ که من خیلی جفت نامتناسب در رستوران یونانی، نیویارک بنام مایکتوس بصرف غذا برداختند. ولی این ملاقات بهمین در تابستان سال ۱۹۶۳ زاکلین جاپایان نیافت بلکه این هر دو کودکش پاتریک را از دست داد و در رستوران نهای لوکس دیگر منها تان او ناسیس ازین چانس طلبی استفاده دیده شدند تا اینکه سرحد شان به کرده زاکلین فرزند مرده رابه کشته سواری در ابهای مدیترانه دعوت کرد. وقتی هم کشته راترک میگفت پیر



قبل از مراسم تدفین زاکلین با گریستان دختر اونا سیس دیده میشوند.



افسانه‌سی

بالاخره حادثه اتفاق افتاد که بزعم امریکائیها آن را به عنوان آور و مطبوعات آن کشور ترازیدی جدید کنیدی خواهند دند و مردم امریکا از خلال مطبوعات میپرسیدند ژاکلین آخر این چه کاری بود که گردی. حادثه مهم اینهمه تصویره روی ان صورت گرفت عبارت ازین بود که ژاکلین با او ناسیس ازدواج کرد.

او ناسیس دیگر روی خوشبختی راندید.

بیرون مرد یونانی که قبلاً از ازدواج با ژاکلین هر روز یکصد هزار دالر بر پیمانه ثروتش افزوده میشد سیل هدایا برایش تقدیم کرد که سه سال بعد ازدواج ژاکلین هدایای وی بهداه بالغ میگردید که ازان جمله یکصد و بیست دستبند (بنجاه حلقه آن با الماسهای درشت تزئین یافته بود) یکصد جوره گوشواره، سه صد عدد طوق گردن، و در حدود یک هزار حلقة انگشتی بیشتر قابل یاداوری می‌باشد گذشته از آن سرمایدار یونانی به شرکت هوا پیمای یوتا نی بنام المپیک که کاملاً متعلق بخودش بود دستور داده بود. یک طیاره هفت صد هفت شرکت را همیشه در اختیار همسر زیبا و لی هوسرانش بگذارند، درین طیاره همیشه بیست عدد بکس کالا نیز نهاده میشند که این فقط عادت ژاکلین بود و گرفت بقیه در صفحه ۶۳

وجواب آرزوها و امیال طبیعی خود را در دامن بهار و به گوش شن عشق شان می‌ریزند.

الهام بخش شان جلوه های طبیعی و مظا هر مادی زند گیست.
بطور نمونه دو بیتی های دو شیز کان آن سامان را می‌شنوا نیم:

شیرین یار جان سیم تنسم ساخته ای
بی دانه هر در قفس انداخته ای
گفتم بر و م به شهرها دانه خورم
سیما بشوی که بسی بر م ساخته ای

شیرین یارم ازمه دلت پسر باشد
رنگت به مثال غنچه گل باشد
مردم چغل اس راس و دروغ میگوین
کارمن و تو صبر و تحمل باشد
تودور ومه دور، هر دو چو دور افتادیم.
دو آهن سرخ در تنور افتادیم
همسا به بودیم گری، گری میدیدیم
از دیدن هر گری چه دور افتادیم

بهار پنجشیر

آبهای سیمکون و موج زا
از هوا مر غایبان بالک زنان
بارویم پنجشیر در فصل بهار
ای بست سیمین عذر از
کوهسارش خوشنما و دلکشست
درده هایش بر نیان پوش و قشنه
از فراز دره ها آید بگوش
ناله گلکو صدای نای و چنگ
بارویم پنجشیر از زیبا تکار
دیدن با غوبهار
لاله سیسیبر استو شنبه
لادن و نیلو فر استو نسترن
چهره اشجارش آید در نظر
بارویم پنجشیر آن ده و دیار
است خوب و خوشگوار
کوه شنگرفت و دریا پیر خروش
میغرا مند هر طرف تپک زنان
بارویم پنجشیر سیر لاله زار
است ایام بهار

(محمد تقیر فروزی)

غر سی، سنگ اندازی و بزکشی ازورزش های محلی مردمان پنجشیر بوده کوه نور دی بنابر نیاز مندی های طبیعی جزو امور عادی مردم شده است و از ورزش های نهاده بیشتر معمول آنجا شناوریست. در سر ماها ی جان فر سای پر برف فلاخن چنگی میان دو یا چند قبیله تماشا می‌یست. گلو له های برف که با فلاخن هابه سوی گروه مقابل پر تاب میشود چون تونهای پو لاد سخت و سفت ساخته میشود.

کاسنی، سک انگورک، برگ تاک بیاز، داتوره، زرگ و بیهی دانه هنوز هم یکانه و سایل تداوی شکستگی ها و زخم ها و بیماری های گوناگون به شمار میرود. میان بیش از شصت هزار با شنده پنجشیر یک مکتب هتوسط، دو مکتب ابتدائی پسرا نو و دو مکتب دهاتی دختران و چند مکتب دهاتی دیگر نور افکن های معاشر امروزی را در آنچه می‌سازد که بیش از چهل سال به اینسو این بنیادها گذاشته شده است.

یکی از ممیزات سرود های مردم پنجشیر تندي و رقص انگیزی آن است که در مراسم عرو و سی و شادی جوانان بدون هیچ تفاوت با هم به گرد شخصی که خوشخوان و دایره دست است گرد می‌آیند.

بیت گویی که در میانه قرار دارد ترانه های پدران شان را با همگی از بر دارد و با آواز خوش و همنوایی دف میخواند و می‌رقصد و دیگران باکف زدن مو زون او را همرا می‌میکنند. مقدمه این بیت گویی قوشق خوا نیست که سرود های دو گانه بی میباشد که به رقص و مستی و بیت گویی می‌انجامد.

این بیت گویی ها غالباً به صورت مسابقه هم در می‌آید طوری که خوشخوانهای دو قبیله با انبوه مردم در برای هم قرار میگیرند و مسایل دینی را موزون و با آواز خوش از هم می‌برند و از طرف جواب می‌خواهند این مسابقه ها تا سپیده ادامه می‌یابد.

در میان فر یاد های عاشقانه کو هستا نیان پنجشیر دو بیتی هارا میشود سراغ کرد که در کنار چشمکه سارها و بر فراز چرا گاه ها گاهی که کبک ها قمه میخندند و خیل دو شیز گان دامن دامن کل سحرابی به خانه می‌آرند، دو بیتی هایی را زمزمه میکنند. که سنگ گردی نام دارد و این گاهی سروده میشود که دلدا دگان در پناه خر سنگ هاخود را پنهان می‌سازند و به صورت سوال



صفحه ای از تفریحات مردمها : بزکشی سپورت دلاوران و نیرو مندان در جهان شهرت بی نظیری یافته است . (لطفا صفحه ۳۶ مطالعه شود)

نزعه
موعات
خواه
موعات
کاری
مه
عبارت
میس

بختی

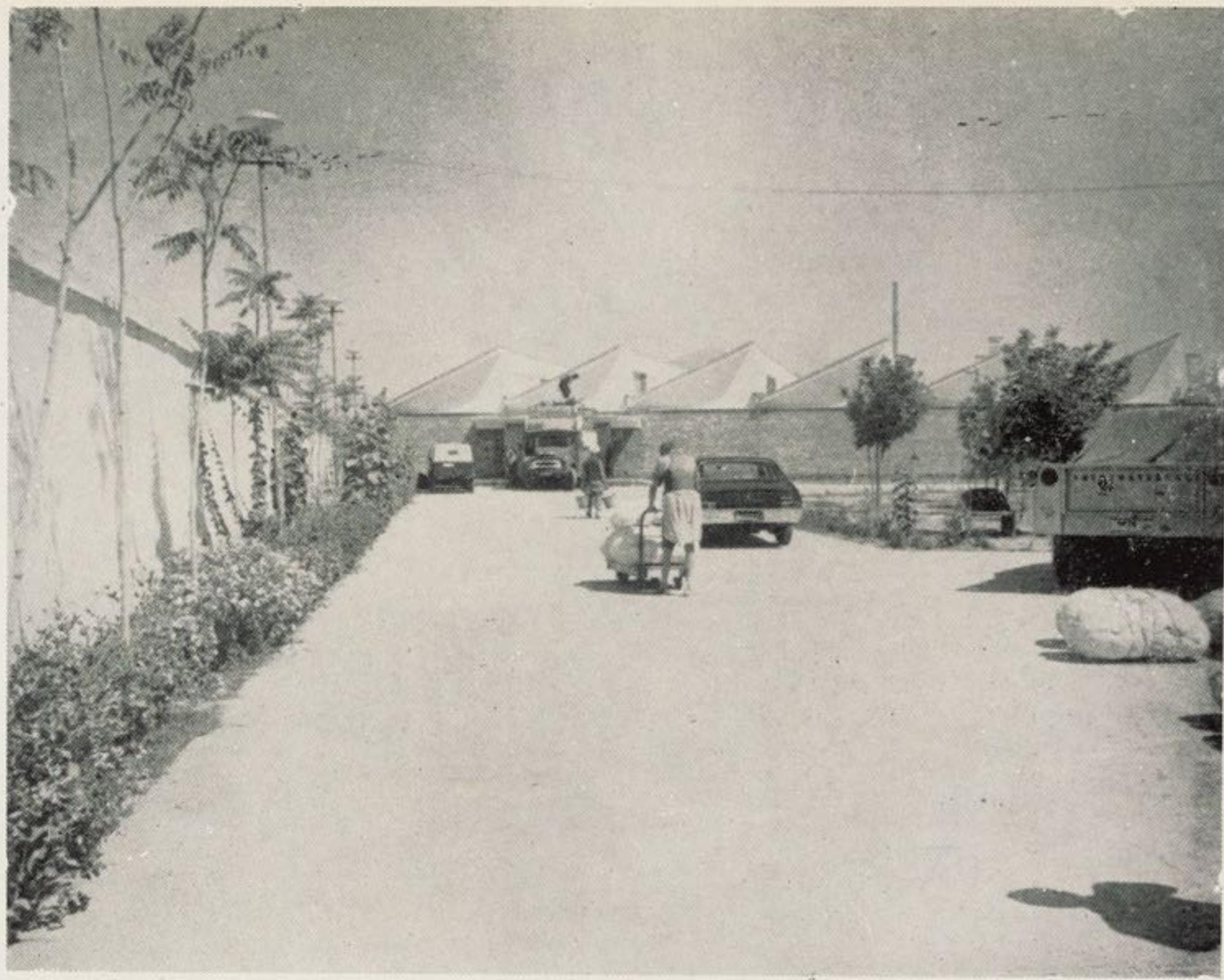
زدواج
دالر
دسبیل
نه سال
به بهده
یکصد
اه

هزار

یک
دل
از آن
مرا
کاملا

بر

گفت را
د لی
همیشه
همیشه
گرفت



قرهقل کهیکی از اقلام مهم صادراتی کشور ماست اکنون متکی با ساسهای فنی بخارج صادر می‌شود. عکس سورت خانه قرهقل رانشان میدهد.

بقیه صفحه ۳۵

دیده‌نگری

راه مردم کار می‌نمود، و شام ها عصر خویش دچار تردید شده، ثروت گوش کن عزیزم... من که قهرمان کتاب های نویسنده گان معروف چون معنوی روز گارها را مورد تجدیدنظر داستان او نیستم... هیچکس دیگر دوما، موبایل، زرزاپان و خریستاکی قرار نمیدهد. قهرمان داستان او نیست... این فقط خریستاکف مطالعه میکرد. شب ها با ختم این داستان محفل هنر دیده هنری و تحلیل شخصی او بود. این جوان با اندیشه های گوشه گون بپایان رسید اما کمی برای نویسنده کوستا دنیکا کریه کنان سخن‌ش دست و گریبان بود... آیا در کیهان ابراز احساسات نکرد صرف جوانانی را برد:

در سیارات دیگر زندگی هست؟... که نو پشت لب سیاه کرده بودند... و آن دختر متجاوز چطور...؟
چرا جهان در بحر آلام دنیایی غرق اندکی کف زند. سلمانی از فرصت کوستا دنیکا حلقه نامزدی را از میشود... آیا مدیر فابریکه استفاده نموده بایک خیز خودرا روی انگشتیش کشیده بزمین زد و حق حق در فکر این نیست که کار گران ستیج رسانید تا کمپوز جدید خود کنان دور شد. ایوان هم بانگاه‌های روش‌نگر را خراج نماید؟ این سوال را که زیر عنوان عشق آبیاری کننده پراز شک و بدینی بطرف کوستادینه هادل نازک جوان جوینده را می‌نوشته بود قرائت کند، اما حاضرین گفت:

خشوار و جوابش را از کتاب ها نمی‌وقتی که او را دیدند سیل آسا خود را نمی‌تفت به آدم های دور و... هاجرا هایی مخفیانه ای دارند ولی در ظاهر یابد این جوان از دیگران که چیزی را بطرف دزدازه ها رسماً نیدند و در جزیک توده خاکستری رنگ نیستند طرف شش ثانیه سالون خالی شد. از خود مرد مقدسی هیترانند. کوستا خاموش بود، قلبش بشدت می‌پالید.

شدن دوشیزه کوستا دنیکا روبمه می‌تپید... مشت های خود را گره خریستاکف داستانش را قرائت کرده خشمگینانه برای افتخار تا آقای کرده خشمگینانه برای افتخار تا آقای کوستا نموده گفت. پدرش بازی تقدیر، در مجلس دوشز... نویسنده خریستاکی خریستا کفر را سه دوست فقط عصاره اشرا بخاطر گان متجاوز قرار گرفته صرف در که قبیل ازین بادخترها رابطه ندستی ملاقات نماید و دید جدید خویش سپردهند در داستان ازیک مرد جوان ظرف دو ماه اخلاق خوبش را لکه دار کوستا در حالیکه مایوسانه تلاش سخن رفته بود که در طول روز بخاطر می‌سازند، به اثر این حادثه او در مورد میکرد از خود دفاع کند گفت:

کوستا حجولانه در چوکی جابجا شد و وجودش را افتخار بر کرده ایوان روبه کوستا نموده بشوخی گفت: خوب دگه... پس حالاتو گلان آدم هستی... بعد ازین وقتی که بخواهیم یاتو گپ: ز فیم باید قبل وقت ملاقات بگیریم.

همچنان دوشیزه کوستا دنیکا ازینکه میدیدشونه آینده اش قهرمان داستان ر یک نویسنده مهم است بخود می‌باشد.

بالاخره این قهرمان شایسته کوستا نموده گفت. پدرش بازی تقدیر، در مجلس دوشز... نویسنده خریستا کفر را سه دوست فقط عصاره اشرا بخاطر گان متجاوز قرار گرفته صرف در که قبیل ازین بادخترها رابطه ندستی ملاقات نماید و دید جدید خویش سپردهند در داستان ازیک مرد جوان ظرف دو ماه اخلاق خوبش را لکه دار کوستا در حالیکه مایوسانه تلاش سخن رفته بود که در طول روز بخاطر می‌سازند، به اثر این حادثه او در مورد میکرد از خود دفاع کند گفت:



رندهیر کپور در آغوش پد رشن
راجکپور

صد فها-معیار تعیین عمر زمین

صفد ها را که تقریباً ۷۰۰ میلیون شب و روز به تغییراتی معز و ضریب میشوند این تغییرات تخمینات منجمین را که ۴۰۰-۳۵۰ میلیون سال قبل به اصطلاح عمر سنج زمین گفته سال سیاره ما ۴۲۵ روز بوده است تائید میکند نتایج بدست آمده از بوریس سو کولوف عضو اکادمی مطالعه وسیع تغییرات ثبت شد علوم اتحاد شوروی نتا یج دلچسپی بروی صد فها زیر محا سبات دقیق دانشمندان قرار گرفت و بدست آورده است موصوف میگوید که ساختمان اسکلیتی بیرونی صد فها دانشمندان اعلام کردند که روز سال تغییرات روزانه را ثبت میکنند شمسی در هر ۵۰۰۰ سال یک ثانیه در از تر میشود.

چشم‌های نگهای مختلف

تیم تفحصاً تی جیو لوچیست ها درجه که توسط آتشنشتا نهایا گرم میشوند شرق دور اتحاد شوروی چشم‌های رنگ سبز دارند و محیط مساعده آبهای را کشف کرده اند که دارای رابرای شو ونمای الجیی آبی و سبز رنگهای مختلف هستند بطور مثال تشکیل میدهند این نبات به آن نزدیک قریه سو شان چشم‌های موجود چشم‌های یک رنگ زیتونی میدهد است که تأثیر شفای بخش داشته و در جای دیگر یک جوی بر نگشیبر آب آن رنگ سرخ دارد. توجه کارشناسان را بخود جلب کرد شکار چیان محلی مشاهده کردند این جوی کستی کلیوج یعنی چشم‌که آهو آن و خو که به آب این چشم‌های شور نام دارد و آب آن نیز حقیقتاً که شکل یک سا توریم را برای دارای مزه شور است. این حیوانات گرفته خود را شستشو حالا مراکز صحی محلی ازین آبهای میدهند. تداوی بعضی مریضان استفاده آبهای بعضی دیگر این نوع چشم‌های میکند.



خرس سیاه

رنگ‌میوه و جلد این نوع خرس سیاه نسبت به خرس‌های دیگر سیاه تراست و به سهولت میتواند بدرختها بالا شود. وزن خرس سیاه بین ۲۰۰-۲۵۰ پوند میباشد و در تابستان در سرایی‌بی‌تپه های جنگل‌زار بود باش می‌نماید خرس سیاه روز را در استراحت میگذراند و از طرف شب‌زمانی که هوای خوب تاریک شود می‌برآید و به جستجوی غذا میپردازد. غذای خرس سیاه نظر به موسم‌های مختلف سال فرق میکند. در تابستان بیشتر میوه میخورد. خرس سیاه از انواع خطیر تا ک خرس بشمار میرود این خرس گوسفندان و بزها را می‌کشد و حتی گاهی بر انسانها حمله میکند خرس سیاه در تیرها به جفت گیری شروع میکند.

زوج ایده آل در مسابقه تینس بین المللی. کریس ایو رو جیم کو نورس یک جفت موفق در مسابقه تینس بین المللی. اینان دریک مسابقه بین المللی در فلوریدا به فایتل و سید ندو با احرار مو فقیت برنده یکتیم ملیون دلار گردیدند.

ازدوسکار

از: فرید دهنا德 طهماس

دختر مسلول

در نیمهٔ شبی

هر جا سکوت بود

هر سو چراغهای منازل خموش و تار

در اسماں بی سرو بی پای نیلکون

روشن ستاره‌های قشنگ شب بهار

تنها میان خانه همسایه نور شمع

روشن نموده بود فضای آفاق را...

از پشت سیخ‌های سیه قام پنجه

معلوم بود پستر مسلول دختری

پرورین نامید کمدر با غصینه اش

پروردۀ بود تخم ال را ویاس را

بارنک زعفرانی و آندا م لاغرش

باشد هزار درد...

الناده بود زار ببالای بسترش

آن دختر جوان

برم کشید ناله چانکاه رازدل

من گفت: هادرم!

این سرفه هامرا چقدر رنج میدهد...

وانکاه یاز تغ تغ آواز سرفه‌اش

بیرون همیشه همۀ خون از گلوی او

آن مادر ضعیف تنش بادو چشم یاس

من دندومنی گریست بهزدی روی او

من گفت: دخترم.

بر وین من! امیدلم! چاره نیست

نیست

وانکاه قطره‌های سرشک از دودیده‌اش

بالین هم چکید...

یک ساعتی گلشت:

آنکه صدای دختر مسلول و بینوا...

آهسته تر خموشی شب راشکست و گفت:

مادر! مرابیخش...

دیگر سکوت نشده.

اما صدای بی سرو بی پای مادرش

بی بعد در فضای آفاق و بلند گفت:

بیرون...

بیرون من! تو مردی ورقی ازین جهان!!?

بیرون! مردهای؟

بیرون... و ... بین

این گفت و خود فکن ببالای مرده‌اش

بابهار فصل میله آغاز می‌یابد

میله یکی از رسوم و تفریحات سالم و نشاط عطر گل و شگوفه هارنگین اند مردم دسته انگیزی است که از دیر زمانی بین مردم دسته وجود جویه بهاین طرف و انتظر در مناطق خرم و برآز گل و سیزه زار ها می‌روند و استراحت و تفریح می‌کنند، می‌گویند و رخصتی‌های خود را می‌خواهند به گوشه ۱۵ بیرون در شیر و خارج از منزل بگذرانند. عده‌ای با رفقاو دستان، عده‌ای با فامیل وزن و فرزند و عده‌ای با خوشنان واقوا م وسائل ازدهای راهی بیشه‌ها، باغها و مناطق باید رفتن به میله باید قبل از همه محل و مکانیکه و دامنه‌های کو هستانی و یا کتاره های دریا باید رفت در نظر گرفته شود، سپس با درنگار می‌گردند تاساعتی را ورزی را دور از هیاهوی داشت جا و محیط، و سایل لازمه برای بردن سیر، فارغ و بی خیال از مشکلات و گیرودار زندگی در دامان طبیعت بسر آرند و اینکه با پیار باشد رفته شود، اگر از نشادهای سردو ساده استفاده شود هم باختن غذا وقتان و بی درد سرتق است. اگر از نشادهای سردو نوشتم تالطا بد این دسته از مردم بگویند که آیا سرمه ازهار گردیده است و باید با دو طلاق به بودم که خانم چادری پو شی با دو طلاق به سرمه داخل شده در پیلوی من ایستاده مردی که با او همراه بوده عقب سرمه رفت جند استیگاه بعد همان مرد در حالیکه از سرمه بیاد شده بود چنین صداییزدیگر گوییانم یا این نشدن سعیدش همان خانم و دو طلاق بوده - باور گنید از شنیدن «حیوانان» کم بود شاخ بکشم بقدیم عصبانی شدم که نزدیک بود فریاد برآدم و مشاجره کنم. بپر هشکلی بود خشم را فرو خودم و خاموش هائیم در حالیکه از شدت تأثیر سرم گیج میرفت در ایستگاه مطلوب بیاده شده به خانه رفت و فمن اینکه با خود می‌باشد شیوه

پاسخ‌های شما

کابل - آقای محمد شریف رهسپار :

از احترامات و صمیمیت لان تشكر خدا کند

ازین پس با فرستادن مسامین و گفتی های

به‌امید نامه ها و مطالب جالب و متنوعان.

کابل - پیغمبر فریده دهناد طهماسی :

شعرزبای ارسالی تانرا در همین صلحه

مطالعه کنید.

کابل - آقای سید عبدالله عنبری: شعر

(عزم شا عرانه) شما رسید از آنجا یکه

ستون شعری درین صفحه محدود گردیده

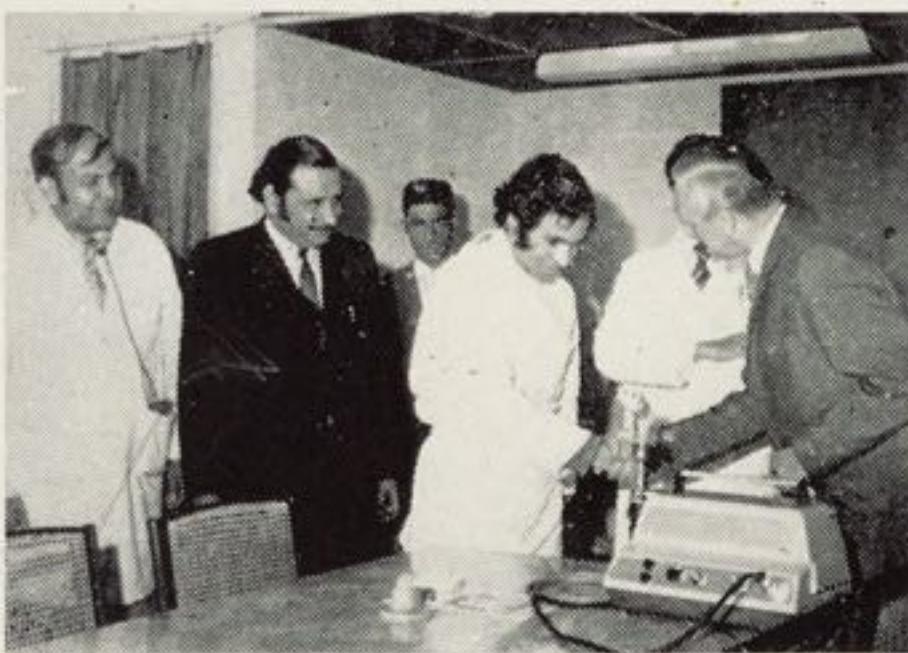
تو انتستیم نشرش گنیم امید معدلت ما را

بیدیرفته و همکاری تانرا با فرستادن مطا لب

دیگر ۱ داده دهد.

بفرستید.

دستگاه تو لید بخار به موسسه صحت طفل اهداده



یک دستگاه تولید بخار از طرف هیأت نسول ها در افغانستان به موسسه صحت طفل اهداده شد.

بنگلخانه جوزف پتر کنیزی رئیس هیأت نسل ها به تاریخ یکشنبه ۳۱ حمل، در حالیکه چندتن از قتل های خرجنی مقیم کابل و دکتوران مؤسسه صحت طفل حاضر بودند، دستگاه تولید بخار را به دکتور حسین رئیس موسسه صحت طفل اهداء کرد.

این آله که از طرف هیأت قتل هاداره ملل متعدد در کابل تهیه شده است ساخت یک کمپانی افغانی میباشد.

یک منبع موسسه صحت طفل به خبر تکار زوندون گفت این آله برای تداوی امراض مختلف جهاز تنفسی و مخصوصاً بیماری فیق النفس اطفال بکار میروند و نقش عمده ای در تداوی چنین بیماری های اطفال ایفا میکنند.

(دروازه بلخ)

از آثار گرانبهای تاریخ کشیده کشور ما



توضیح

راپور صفحه ۱۵ متن مصاحبه ایست که در شهر میامی ایالت فلوریدا به زبان انگلیسی امیر من نفیسه عباسی مدیر مجله میرمن بعمل آمد و معاذرا به دری ترجمه و تقدیم نمودیم. معنی آن نشریه امریکایی «انجمن سال زن در امریکاست چون در اصل صفحه این توضیح از چاپ مانده است در اینجا تذکرده شد.

افسانه های

اکثر اوقات حتی سر انهای را نمی کشود .
به این ترتیب نخستین سال زد -
واج راکلین برایش بیست میلیون دالر تمام شد .

درین میان پیرمرد یونانی کماکان به توسعه امپراطوری خود ادامه میدارد

و بهمین لحاظ بانظامیان بر سر اقتدار هستم

اتن طرح اشتاینی ریخت تا اینکه در ستر ریجنوری ۱۹۷۳ پسرش الکسا ندر

زندگی خود راعقب میگذاشت راکلین

۱ و ناسیس د ر درینویارک بسر میبرد و بجای او

عین حال انسان عجیبی نیز بود وی دخترش کریستانا بر بالین پدرش

میل داشت دخترش با مرد همیو نری نشته بود .

بیر مرد یونانی در سا لمای ازدواج کند .

ازین لحاظ دخترش نا گزیر شد خیر حیاتش بیوسته میگفت من در

ازش شوهر دلخواهش طلاق پکیرد و بعد واقع امر بالاخره یکشنبه از فریب خورده

هم دست بخود کشی زد . همچنان کان روزگار میباشم و بس .

اللیست

روندون

رئیس تحریر : محمد ابراهیم عباسی

مدیر مسئول عبدالکریم رو هینا

معاون : پیغله راحله راسخ

مهندس : علی محمد عثمانزاده .

تلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵

تلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹

تلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹

تلفون منزل مدیر مسوول ۲۳۷۷۳

تلفون ارتباطی معاون ۱۰

تلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰

مدیریت توزیع ۲۳۸۳۴

سروچبورد ۲۶۸۵۱

آدرس : انصاری وات

وجه اشتراک :

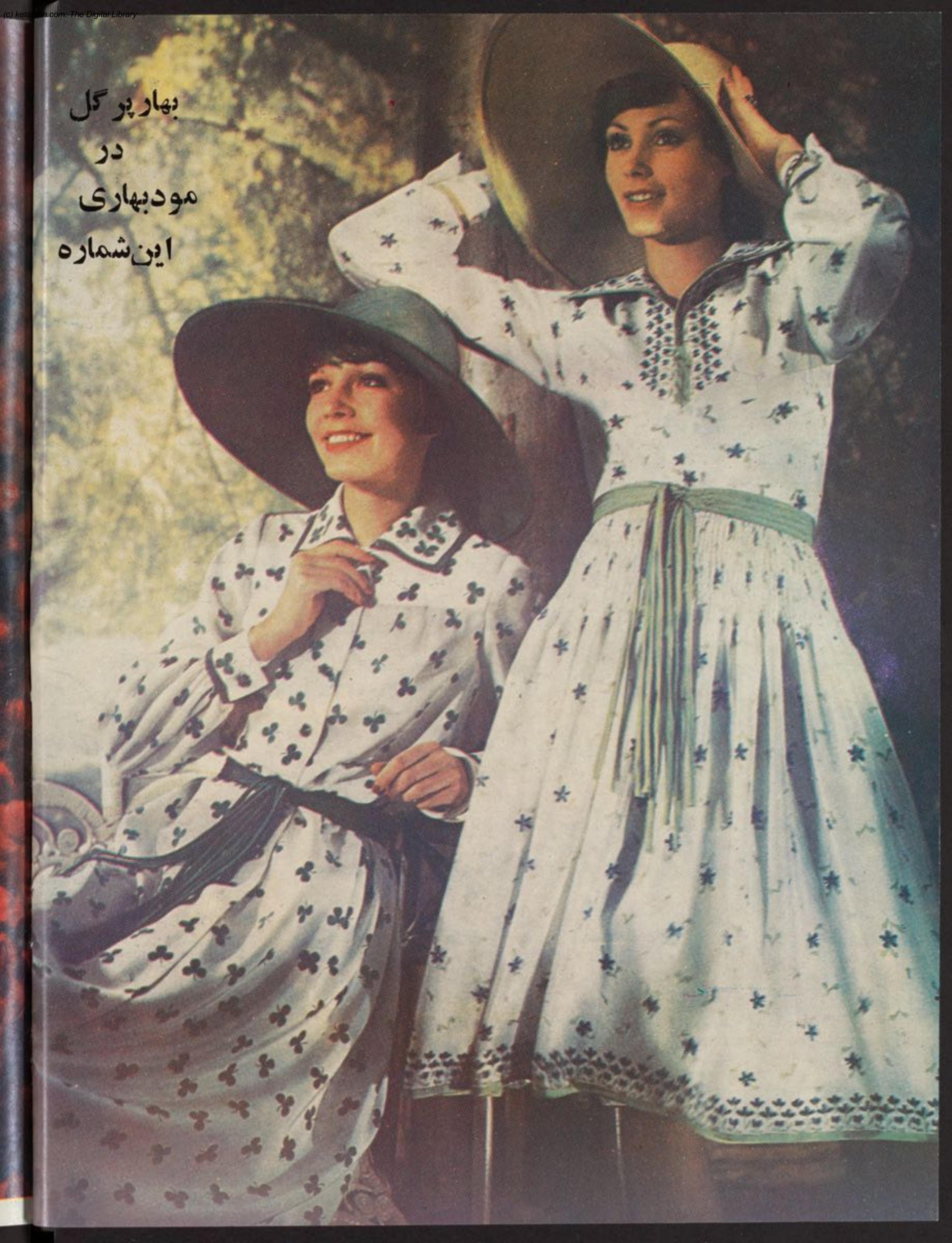
در داخل کشور ۵۰۰ افغانی

در خارج کشور ۲۴ دالر .

قیمت یک شماره ۱۳ - افغانی

دولتی مطبوعه

بھار پر گل
در
مودبھاری
اين شماره ۵



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library